



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران  
دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ - ۱۱ صفر ۱۴۴۵  
سال بیست و پنجم - شماره ۶۸۳۷ - ۱۶ صفحه  
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

از حاشیه تا متن  
تقی دزاکام

### مردی که تا آخر پای مقاومت ایستاد

اردیبهشت سال ۱۳۸۵ بود که به همراه جمعی از مدیران روزنامه‌های پرتیراژ کشور به لبنان رفته بودیم. یکی از برنامه‌های اصلی ما در بیروت، بازدید از روزنامه معتبر و تأثیرگذار «السفیر» بود. پس از بازدید از روزنامه و بخش‌های مختلف آن، به خصوص گفت‌وگو با خبرنگاران پرترازی و دبیران مسلط بخش‌های مختلف که برایمان بسیار جذاب بود، بالآخره نوبت به دیدار با مرد شماره یک این روزنامه مهم جهان عرب یعنی آقای «طلال سلمان» رسید. در این جلسه که مرحوم «زوزف سماحه» سردبیر وقت السفیر هم حضور داشت، بحث و گفت‌وگو مفصلی درباره موضوعات مختلف مطرح شد. نظر آقای سلمان را درباره درخواست‌های مکرر و جدی آن موقع اسرائیل برای خلع سلاح حزب‌الله پرسیدم. مؤسس السفیر کمی سکوت کرد. پس از لحظاتی، سرش را بالا آورد و گفت: «می‌دانید که من سنی هستم و حزب‌الله لبنان شیعه است». دیگر مطمئن شدم که چه می‌خواهد بگوید! صفحه ۲

### ویژه جوان

### یادآوری اندازه گلیم به عبدالحمید!

عبدالحمید در خصوص مراسم پیاده‌روی اربعین که مربوط به چهل روز پس از شهادت امام حسین علیه السلام است، صحبت کرده و نام بزرگانی را آورده و گفته در سیره‌شان چنین چیزی نبوده که همگی مربوط به قبل از امام حسین هستند و اساساً در زمان شهادت امام حسین حضور جسمانی در دنیا نداشته‌اند! صفحه ۲

### یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

### بریکس، ایران و نظم جدید جهانی

عضویت ایران در بریکس علاوه بر دهها مزیت اقتصادی، سیاسی، راهبردی و... نظیر «بالا رفتن قدرت چانه زنی»، «استفاده از ظرفیت‌های کشاورزی و دامداری بریکس»، «کمترین و دم دستی‌ترین دستاورد بریکس برای جمهوری اسلامی ایران خنثی‌سازی طرح منزوی‌سازی ایران بوده و جمهوری اسلامی ایران را از هم‌اکنون (و قبل از ۱۰ دی‌ماه و زمان پیوستن قطعی به بریکس) به عنوان برنده این میدان معرفی کرده است! صفحه ۲

### یادداشت بین‌الملل

دکتر روح‌الله منعم

### دلالت‌های پیوستن ایران به بریکس

توسعه بریکس می‌تواند در محدود کردن توان اقتصادی امریکا مؤثر باشد، زیرا رابطه قابل توجهی میان قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل با اقتصادهای پرتیر و وجود دارد و تغییر در وضعیت اقتصادهای بزرگ نوید جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌الملل را می‌دهد. به علاوه، به نظر می‌رسد روسیه در میانه جنگ اوکراین و تهدیدات سرزمینی که چین در تایوان و دریای چین جنوبی با آنها رویه‌رو است و غرب نیز از آنها حمایت می‌کند، این دو را بیشتر با موضع ایران در مقابله با امریکا همراه نشان می‌دهد! صفحه ۱۵

### یادداشت ورزشی

شیوانوروزی / خبرنگار گروه ورزشی

### زمین بی‌طرف هیچ ورزشگاه و VAR را چه کنیم؟

چند سالی مشکل تقابل با تیم‌های عربستانی را داشتیم و آنها برای آمدن به تهران بهانه می‌آوردند، حال که روابط دیپلماتیک از سر گرفته شده و مشکلات سیاسی طرفین کاهش یافته، باز هم دغدغه رویارویی با حریفان سعودی را داریم. با اینکه رئیس فدراسیون معتقد است این مشکل از طریق رایزنی حل خواهد شد، اما معلوم نیست چالش ورزشگاه‌های مخروبه و نداشتن VAR را با چه روشی قرار است حل کنند! صفحه ۱۳

# هسته‌های تازه‌ترین دستاورد خود را جشن گرفت

در چهارمین روز از هفته دولت، سازمان انرژی اتمی از جدیدترین دستاورد هسته‌های خود که با تلاش متخصصان داخلی حاصل شده، رونمایی کرد؛ دانش استحصال سزیم-۱۳۷ که ایزوتوپ بسیار مفید در حوزه‌های صنعت و پزشکی است. دکتر سیدامیر حسین فقهی در حاشیه آیین رونمایی از پروژه «ادیونوکلید سزیم-۱۳۷» که در نمایشگاه



## رسوایی امین اموال انگلیسی

هار تویگ فیشر، مدیر ۶۰ ساله موزه بریتانیا که از سال ۲۰۱۶ میلادی در این مقام بود، روز جمعه از مدیریت این موزه مشهور در جهان استعفا داد. این خبر به اندازه‌های مهم است که تیتز یک گاردین را به خود اختصاص داد و این روزنامه به استعفای مدیر موزه بریتانیا پس از رسوایی سرقت صدها شیء تاریخی از موزه پرداخته است. ماجرای این استعفا اما به یک رسوایی بزرگ باز می‌گردد. رسوایی دزدیده شدن حدود ۲ هزار اثر ارزشمند از این موزه که به شهرت آن لطمه جدی وارد کرده و در عمل یک رسوایی شرم‌آور برای یکی از معتبرترین مؤسسات فرهنگی جهان محسوب می‌شود

● ره‌چیدری | خبرنگار گروه اجتماعی | در دیده شدن ۲ هزار اثر باستانی شده از موزه بزرگ بریتانیا یک رسوایی برای این نهاد امن و امان است. آثاری که در بازار آزاد به ثمن بخس به فروش می‌رسد | صفحه ۲ | GettyImages

### باز تولید فتنه در شام

■ سوریه یک بار دیگر درگیر اعتراضاتی شبیه به اعتراضات سال ۲۰۱۱ است که با تلاش آمریکایی-اسرائیلی برای احیای داعش و قطع ژئوپلیتیک ایران-عراق-سوریه و لبنان همزمان شده است

### فرمان مسکنی رئیسی به بانک‌ها

● بهنگز قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

■ رئیس‌جمهور در آیین افتتاح بیش از ۱۰۰ هزار پروژه نهضت ملی مسکن: بانک‌ها در پرداخت تسهیلات مسکن نقش مهمی دارند و باید به صورت خاص تسهیلات بخش مسکن را پرداخت کنند، زیرا این تسهیلات جزو تکالیف جدی است

### «شهید اردهال» سربال می‌شود

■ حمیدرضا مقدم‌فر در نشست خبری نخستین کنگره بین‌المللی بزرگداشت شهید اردهال: حرم علی‌بن محمد باقر، در نزدیکی شهر کاشان دارای اهمیت بسیار است؛ متأسفانه ایشان در عرصه عمومی و در بین شیعیان، آن چنان معروف و مشهور نیست. ایشان گوهری تابناک و وجودی نورانی است، اما آن‌طور که باید، شناخته شده نیست. یکی از اهداف اصلی این کنگره این است که این سفیر بزرگ اهل بیت در ایران را به مسلمانان، خصوصاً جامعه تشیع معرفی کند

### پاسخ تفصیلی عمادالدین باقی به نقد کوتاه «جوان»

پاسخ «جوان» سخنان خود شما درباره متهم چقدر حجت دارد؟!

■ در پی درج مطلبی در ستون ویژه‌های صفحه ۲ شماره پنج‌شنبه دوم شهریورماه که در آن به نقد یادداشت عمادالدین باقی در روزنامه شرق در خصوص حکم قضایی حمید قره‌حسنلو، پزشک متهم در شهادت روح‌الله عجمیان در حوادث پاییز سال گذشته پرداخته بود، عمادالدین باقی با ارسال جوابیه‌ای تفصیلی ضمن دفاع از ادعاهای خود خواستار انتشار جوابیه‌اش در «جوان» شد

# روایت خدمت

## وعدده، وفا

۴ الی ۷ شهریور ۱۴۰۲

محل دائمی نایگاه‌های بین‌المللی تهران

سالن ۸-۹



### «اربعین» نمایش حضور اجتماعی و سیاسی زنان به جهانیان است

● زهرا چیدری | خبرنگار گروه اجتماعی

■ زینب غروی، خادم حرم امام حسین (ع) در گفت‌وگو با «جوان»: وقتی حجم زائر را در پشت ورودی‌های مرز در آن آفتاب و در آن شرایط سخت می‌بینید، شاید برخی بپرسند چرا باید این همه مشقت و سختی را تحمل کنند؟ حتی شاهد بودم که بچه‌های کوچک چندماهه را به سربازان لب مرز می‌دادند که فقط زنده بمانند اما این حجم از عشق، یک چیز ربانی از طرف خداست | صفحه ۱۰



### دعای شهادتش زیر قبه امام حسین (ع) اجابت شد

● سعوی خیل‌فرهنگ | خبرنگار گروه اینترنات

■ پدر شهید محمد جهانگیری از شهدای حادثه تروریستی شاهچراغ در گفت‌وگو با «جوان»: اسسال تسوعا در کربلا بودم که محمد با من تماس گرفت و گفت بابا جان از یزید امام حسین (ع) برای من نماز بخوان، گفتم باشا بعد از خواندن نماز با محمد تماس گرفتم، گفتم بابا خیلی شلوغ بود با این حال در روز تسوعا در حرم امام حسین (ع) و در روز عاشورا در حرم حضرت عباس برای نماز خواندم، گفت بابا دست دره نکنند، ان‌شاءالله که کارم درست شود! | صفحه ۷

آگهی تجدید مناقشه عمومی

نوبت اول

خدمات عمومی و نگهداری فضای سبز مرکز نوروز

سامانه ندرکت، دولت، اکتونیک

www.setackran.ir

شماره فراخوان: ۰۲۲-۲۰۰۹۱۷۵۰۰۰۰

متن کامل آگهی در سایت: www.araszfz.ir

اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد ارس





## رسوایی امین‌اموال انگلیسی

هارتویگ فیشر، مدیر ۶۰ساله موزه بریتانیا که از سال ۲۰۱۶ میلادی در این مقام بود، روز جمعه از مدیریت این موزه مشهور در جهان استعفا داد. این خبر به اندازه‌ای مهم است که تیتراژ یک گاردین را به خود اختصاص داد و این روزنامه به استعفای مدیر موزه بریتانیا پس از رسوایی سرقت صدها شیء تاریخی از موزه پرداخته‌است. ماجرای این استغفا اما به یک رسوایی بزرگ باز می‌گردد. رسوایی دزدیده‌شدن حدود ۲ هزار اثر ارزشمند از این موزه که به شهرت آن لطمه جدی وارد کرده و در عمل یک رسوایی شرم‌آور برای یکی از معتبرترین مؤسسات فرهنگی جهان محسوب می‌شود. بگذریم که تقریباً تمامی اشیای به نمایش گذاشته‌شده در این موزه از دیگر کشورها سرقت و به این مکان انتقال داده شده‌است و بریتانیا تاریخ و فرهنگ قابل‌اعتنایی ندارد و در اکتش به این ماجرای برخی کشورها از جمله نیجریه خواستار بازگرداندن اشیای تاریخی خود از این موزه شده‌اند. سید مهدی حسینی متین، کاردار کشورمان در لندن هم در پیامی در فضای مجازی نوشت: «با انتشار اخباری مبنی بر سرقت هزاران اثر باستانی از موزه بریتانیا، این سؤال باقی می‌ماند که این موزه همچنان مکانی امن برای نگهداری این آثار باارزش از جمله اشیای ایرانی است؟ آیا مسئولان موزه بریتانیا می‌توانند اعتماد صاحبان اصلی خارجی را دوباره به دست آورند؟»

■ ■ ■

کشورهای غربی اگر چه فرهنگ و تمدن تاریخی ندارند، اما موزه‌هایی مشهور دارند. لوور پاریس یا موزه بریتانیا از جمله موزه‌های مشهوری هستند که میلیون‌ها قطعه اشیای تاریخی را از کشورهای با تمدن‌های چندین هزار ساله مانند ایران، هند یا مصر و امثال آن در خود جمع کرده‌اند. قطعاتی که اغلب توسط قاچاقچیان عتیقه از این کشورها پیدا شده و در اختیار این موزه‌ها قرار گرفته و این کشورها بدون توجه به مبدأ این اشیاء برای خوشان موزه‌هایی بزرگ و مشهور راه انداخته‌اند. حال مدتی است در موزه بریتانیا در سال ۱۷۵۲ میلادی تأسیس شده‌است و در آنجا بیش از ۸ میلیون قطعه ارزشمند نگهداری می‌شود؛ از جمله سنگ‌نبشته معروف «روز» که در دوران مصر باستان که رمز کشفی از خط هیروگلیف را ممکن کرده‌است و یکی از پربازدیدترین جاذبه‌های این موزه است.

این موزه است که لندن یکی از مهم‌ترین موزه‌های جهان است. این موزه اما مدتی است به خاطر سرقت حدود ۲ هزار شیء تاریخی و قیمتی در صدر اخبار دنیا قرار گرفته‌است. رسانه‌های انگلیس در این باره گزارش دادند بیش از هزار و ۵۰۰ شیء تاریخی این موزه در یک پایگاه اینترنتی فروخته شده‌است. علاوه بر این، فاش شد که به مقامات ارشد اختطاف‌های دقیق در مورد سرقت‌ها در سال ۲۰۲۱ امپیل شده‌است.

یک هفته قبل ریبر سرت از موزه ملی انگلیس، مقامات این موزه بیانیه‌ای اعلام کردند: «فلا، جواهرات و سنگ‌های قیمتی مربوط به قرن پانزدهم قبل از میلاد تا قرن ۱۹ پس از میلاد از این موزه به سرقت رفته‌است.» نیویورک تایمز در این باره گزارش داد: بیشتر اقلام سرقت‌رفته، قطعات کوچکی بودند که در مابری متعلق به یکی از مجموعه‌های موزه نگهداری می‌شدند. گفته مسئولان موزه، اقلام مفقود شده برای اهداف آکادمیک بوده و برای نمایش عمومی نبوده‌است. هار تویگ ریبر، مدیر موزه در این باره گفت: «این یک حادثه بسیار غیر عادی است.»

در بیانیه این موزه مذکور تأکید شد: اقدامات قانونی مستقل به سرپرستی نایجل بوردمن، معتمد موزه بریتانیا و تحقیقات درباره آن‌ها را به تفصیل بررسی انگلیس، علیه کارمندان اخراج‌شده در حال انجام است.

■ **فشار روی فیشر**

فیشر از زمان اعلام خبر ناپدید شدن آثار در ماه آگوست که قدمت برخی از آنها به قرن ۱۵ قبل از میلاد برمی‌گشت، به شدت تحت فشار بود. مسئولان موزه روز شنبه ضمن تأیید خبر استعفا‌ی او، اعلام کردند که برخی از آثار به سرقت رفته نیز پیدا شدند.

فیشر در بیانیه‌ای گفت که در چند روز گذشته رویدادهای مربوط به سرقت‌های موزه بریتانیا و تحقیقات درباره آن‌ها را به تفصیل بررسی کرده‌است. به گفته وی، دهبدهی است که موزه به هشتادسال سال ۲۰۲۱ و به موضوعی که اکنون به طور کامل آنچنان که باید ظاهر شده‌است، پاسخ نداده‌است. فیشر گفت: مسئولیت این شکست در نهایت باید به عهد مدیریت پیشین این مسئول آلمانی در واقع می‌خواست سال آینده با مدتی خود کناره‌گیری کند که دومینوی این رسوایی‌های را وادار به کناره‌گیری پیش از موعد کرد. پیش از این، موزه بریتانیا در اواسط ماه آگوست اعلام کرده‌بود که یکی از کارمندان را در رابطه با همین پرونده اخراج کرده‌است. پلیس لندن نیز بدون تحقیقات، تنها اعلام کرد که در حال بازجویی از مدی در این باره است. جورج آیزورن، رئیس موزه بریتانیا تأیید کرده‌است که حدود ۲ هزار شیء از موزه بریتانیا دزدیده شده‌است، اما تعدادی از گنجینه‌های مفقوده را بی‌یابى شدند.

■ **درخواست کشورها برای بازگرداندن آثار تاریخی شان**

ماجرای سرقت ۲ هزار اثر تاریخی از موزه بریتانیا با واکنش‌های جهانی هم همراه بوده‌است. سید مهدی حسینی متین کاردار ایران در لندن در پیامی در فضای مجازی نوشت: «با انتشار اخباری مبنی بر سرقت هزاران اثر باستانی از موزه بریتانیا، این سؤال باقی می‌ماند که این موزه همچنان مکانی امن برای نگهداری این آثار باارزش از جمله اشیای ایرانی است؟ آیا مسئولان موزه بریتانیا می‌توانند اعتماد صاحبان اصلی خارجی را دوباره به دست آورند؟»

مقامات نیجریه به هم در واکنش به شایعه مفقود شدن، سرسرت و آسیب‌دیدگی تعدادی از اشیای داخل موزه انگلیس (بریتانیا)، مجدداً خواستار بازگرداندن برت‌زهای بنین از این مجموعه شدند. برت‌زهای مین، مصنوعات برنجی و برنزی هستند که برخی از آنها متعلق به قرن شانزدهم است. در لشکر کشی سال ۱۸۹۷ نیروهای انگلیس و هجوم به پایتختی بنین هزاران اثر تاریخی و سایر اشیایی که به نام برت‌زهای بنین شناخته می‌شوند، از این مکان خارج و در لندن فروخته شدند. این آثار تاریخی در نهایت از موزه‌های سراسر انگلیس، اروپا و امریکاسر آورده‌ند و در خواست برای استرداد آنها از اواسط قرن بیستم آغاز شد. ابا عیسی تینجانی، مدیر کمیسیون ملی موزه‌ها و بناهای تاریخی نیجریه با تأکید بر اینکه برت‌زهای بنین به طور غیرقانونی از بنین خارج‌شده می‌گوید: «هم‌نیست که آیا آنها در آنجا منسختند یا نه؛ مسئله این است که این آثار به سرقت رفته‌است و باید به نیجریه به جوامعی که به آن تعلق دارد، بازگردانده شوند.»

در حالی که پایگاه اینترنتی موزه انگلیس (بریتانیا) اعلام کرد روابط مثبتی با کاخ سلطنتی در شهر بنین و با کمیسیون ملی موزه‌ها و بناهای تاریخی نیجریه به موسوم به NCMم دارد، اما درخواست کتبی برای بازگرداندن برت‌زهای بنین را وزارت فدرال نیجریه دریافت کرده‌است.

دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۱ صفر ۱۴۴۵

گفت‌وگو

سجاد آذری

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفت‌وگو با «جوان»:

# افزایش ظرفیت پزشکی با وضعیت فعلی ثمری برای مردم ندارد



سید حسین میرزور امهر

اخبار منتشر شده نشان می‌دهد در حالی که دولت در لایحه هفتم توسعه افزایش ۲۵درصدی ظرفیت سه‌ساله گروه پزشکی را پیش‌بینی کرده‌بود، کمیسیون تخصصان هفتم به شکل دیگری به مسئله پرداخته و مصوب کرده تا در پایان برنامه نسبت دستیاران تخصصی و متخصص بالینی به پزشکان عمومی حداقل به یک‌پایز هم برسد، آن هم در حالی که نه‌تنها به گفته برخی از کارشناسان هم اکنون این نسبت بیش از مقدار پیش‌بینی شده‌است، بلکه در شرایطی که نسبت پزشک در ایران کمتر از یک‌سوم کشورهایی پیشرفته‌تر ازبای می‌شود، به نظر می‌رسد برخی حتی در مجلس نیز به دنبال این هستند تا به هر شکل ممکن این افزایش ظرفیت پزشکی اتفاق نیفتد. «جوان» در خصوص مسئله ظرفیت پذیرش پزشکی با مهر داد ویس کر می، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس که خود دکترای پزشکی نیز دارد، گفت وگویی داشته‌است که در ادامه آن ارائه می‌شود.

■ ■ ■

**وضعیت فعلی پذیرش دانشجویان در رشته پزشکی چگونه‌است؟**

چیزی که از توضیحات وزارت بهداشت متوجه شده‌ام و به نظر می‌آمد قابل‌قبول است، این است که وزارت بهداشت طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی باید سالی ۲۰ درصد ظرفیت پزشکی را افزایش دهد، ولی وزارت بهداشت در خصوص این ۲۰ درصد همان موقع اعلام کرده‌بود که به ازای هر دانشجوی باید اعتبار یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به قیمت چند سال قبل دریافت کند که اگر الان به روز شود، این مبلغ بیشتر هم می‌شود. از نسوی دیگر اتفاقی که می‌افتد این است که وزارت بهداشت ظرفیتی را که بناسد بالا برد، اعلام می‌کند، ولی سازمان پزشکی با دلایل مختلفی علاوه بر آن چند صد نفر را نیز اضافه اعلام می‌کند، یعنی پذیرش بالاتر از چیزی می‌رود که در دفتر چها آمده‌است، حالا یا تبه‌ها مساوی است یا نمرات را گرد می‌کند.

با توجه به این مسائل، وزارت بهداشت آمده به‌ظاهر از اول مقداری ظرفیت را پایین‌تر گرفته وقتی که آن تعداد افزایش هم به‌هنا اضافه می‌شود، در مجموع همان ۲۰درصد شورای عالی انقلاب فرهنگی اتفاق نیفتد. در نتیجه خیلی جای نگرانی نیست، مگر اینکه بعد از اینکه پذیرش نهایی انجام شد، معلوم شود وزارت بهداشت مصوبه را اجرا نکرده که باید پاسخگو باشد.

الان وضعیت را مانند قطار در حال حرکتی پیش‌بینی کرده‌اند که بعضی کوپه‌ها را برای برخی از شهرها خالی می‌گذارند و وقتی به آنجا می‌رسد، بر می‌شود، اینها هم چنین تزی دارند که گفت‌اند چون همیشه ما ظرفیتی را کامل اعلام می‌کنیم، به اضافه‌ای که می‌شود خیلی بالاتر می‌آید، این دفعه به دلیل اینکه دانشگاه‌ها دیگر گنجایش ندارند با توجه به اینکه ۲۰درصد هر سال نیز تعداد زیادی است و در نتیجه حداکثر همان ۲۰درصدی که شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته باید اضافه شود، اینگونه عمل می‌ماند که بالاتر از آن دیگر اضافه نشود که این مسئله تا الان قابل‌قبول است و در نهایت ۲۰درصد را قبول می‌کنند.

در ماده ۱۹۰ برنامه هفت توسعه که توسط دولت به مجلس ارسال شده بحث ۲۵درصد افزایش ظرفیت پزشکی مطرح است، ولی آنچه چیزی که در کمیسیون تلفیق برنامه هفتم تصویب شده مسئله

عرض کرده و گفته‌است نسبت دستیار تخصصی و متخصص بالینی به پزشکان عمومی حداقل به یک برسد، در حالی که مطرح می‌شود، همین الان هم نسبت آن ۱/۱۲ است و ظرفیت ما از چیزی

که در قانون تصویب شده هم بیشتر است. نکته اینکه اصلا دو مسئله جدا از هم در حال اتفاق است، در حالی که قرار بود در مورد افزایش ظرفیت پزشکی قانون گذار شود، در مورد نسبت متخصصان به پزشکان عمومی قانون گذاری می‌شود و در نتیجه هیچ ریل‌گذاری وجود ندارد، فردا حتی پزشکان عمومی افزایش پیدا کند. یک تفاوتی اینها با هم در پذیرش دارند. ظرفیت پزشکی عمومی نه‌تنها خیلی نمی‌ماند، بلکه آنقدر داوطلب دارد که شما اگر ۱۰ برابر آن راه بخواهید می‌توانید پذیرش کنید، چون عمده دانشجویان تجربی به عشق پزشکی می‌آیند، اما در مورد تخصص متأسفانه برخی از رشته‌های ما اصلاً استقبال نمی‌شود، یعنی خالی می‌ماند مثلا ۲ نفر اعلام می‌کند که ولی چهار نفر می‌آیند شرکت می‌کنند و دو نفر از آنها نیز انصراف می‌دهند. ما این مشکل را در دستیاری داریم و به مقدار لازم مشتری نداریم، البته زور هم نمی‌شود کرد، بلکه باید مشوق‌هایی در مورد وضعیت زب‌دندان و درآمد پزشک‌ها گذاشته‌شود تا موجب اقبال بیشتر شود.

خیلی از افرادی پزشکی می‌شوند، دیگر عطفشان می‌خوابد و می‌روند در رشته‌های لوکس، کم‌درصدتر و درآمدزایی می‌گیرند به همین دلیل ما الان در طب اورژانس، اطفال، بیهوشی و حتی جراحی عمومی که یک زمانی سرر آنها رقابت شدید بوده متأسفانه استقبال کمی را شاهد هستیم.

در مجموع وزارت بهداشت یک چنین مشکلاتی دارد و این گونه نیست که همه برنامه‌ریزی‌های آن به هدف برسد، ولی در مورد پزشک عمومی چنین مشکلی وجود ندارد. البته بالاخره اینها ظرفیت‌هایی دارند، اما مقداری از کنکسور، مقداری در پذیرش و مزاد و مقداری بالاچهار یا پنج دانشجویایی که به هر دلیلی وارد کشور می‌شوند، اما دو سیستم آموزشی می‌شوند، در حالی که شایه همانطور که گفته شد ظرفیت اسمی دانشگاه‌ها را هم باید در نظر بگیرند و



وقتی سه به یک پزشک عمومی ۵ میلیون تومان می‌دهید و از او انتظار دارید با ۴۰ سال سن شبانه‌روز بپتو ته کند، معلوم است چه چیزی از آن در می‌آید. نتیجه، این می‌شود که بر اساس چیزی که رئیس دانشگاه فرمودند ما در استان لرستان یک جراح قلب داریم، حالا یک جراح قلب چند دانشگاه با هزینه‌اشده وزارت بهداشت با اول هم با آن موافق نبود و می‌گفت کارشناسی شده نیست، ولی الان شورا آن را تصویب کرده است و در کار های فرعی مشغول می‌شوند

به شکل طبیعی بالاتر از آن امکان پذیرش نیست به خاطر اینکه بحث بیمارستان، آزمایشگاه و امکانات در اینجا مطرح است. متأسفانه الان دانشگاه‌ها در این خصوص مشکل دارند و مشکل برخی هم همین را با این مصوبه‌های غیر کارشناسی دامن شدیدتر است و حتی برای کلاس و فضای آموزشی هم دچار مشکل هستند که تلاش می‌کنند در این خصوص کاری انجام دهند.

**شما می‌فرمایید آن چیزی که الان دارد اتفاق می‌افتد بر اساس توان وزارت بهداشت است، در صورتی که بر اساس آمار مورد وزارت بهداشت در دهه ۶۰ بیشتر از ظرفیت فعلی پذیرش پزشکی داشته‌است.**

۲۰درصد در سال یعنی دانشگاهی که سال قبل، ۱۰۰ دانشجو می‌گرفته‌ای باید ۱۲۰ بگیرد، این یعنی ۲۰ تا فصلدی، ۲۰ تا آزمایشگاه و ۲۰ تا تخت بیمارستان که باید همه اینها اضافه شود. رشته پزشکی باید مهارت‌های بالینی، تعداد مریش رشته‌های دیگر نیست. شما اگر دانشجوی ادبیات را در تالار هم بگذارید، ممکن است آموزش بایند، ولی امکان آموزش وجود دارد، ولی در مورد رشته پزشکی باید مهارت‌های بالینی، تعداد مریش و کارهایی که از نظر عملی نیاز دارید باید ظرفیت آن همه با هم افزایش یابد، ولی دانشگاه‌ها همه با هم نمی‌توانند این کار انجام دهند من خودم هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی هستم و همان سه‌سال پیش و قبل از این مصوبه هم از نظر کلاس و فضای آموزشی دچار مشکل بودیم، حالا علوم پزشکی هر چند از قبل ظرفیت ایده‌آل خود را اعلام نکرده ولی تضمین کرده و پذیرفته که نسبت به سال قبل حتماً ۲۰درصد را رعایت می‌کنند.

**سؤال این بود که در دهه ۶۰ بر اساس آمار موجود ۵۰درصد بیشتر از آن چیزی که الان داریم آموزش پزشکی می‌شود، این موضوع می‌تواند مایه نگرانی باشد.**

ما همان دهه هشتی‌ها هستیم، عوض دانشگاه‌ها بسیار مشکل داشتند، خوابگاه نداشتند، بچه‌ها ادبیت می‌شدند، جسد نداشتیم، پنج‌شنبه‌ها هم کلاس می‌رفتیم تازه یکبار دانشگاه‌ها صاف ما که درس می‌خواندیم، آنقدر زیاد پذیرش کرده‌بودند که مجبور شدند به دو نیم سال تقسیم‌شان کنند و آن تجربه‌های تلخ هنوز دانشگاه دارند. حالا ممکن است دانشگاه‌هایی که باشند که هنوز جا برای افزایش ظرفیت داشته‌باشند، ولی بعضی از دانشگاه‌ها ما واقعا کشتن افزایش هر سال ۲۰درصد را ندارند.

نکته مهم این است که متأسفانه اعتباری برای این کار تعلق گرفته و متأسفانه وزارت بهداشت با همین بودجه فعلی باید ۲۰درصد افزایش دهد که این خیلی سخت است، به جای اینکه بابت افزایش پولی بدهند فقط آن را تصویب کرده‌اند، مثل اینکه شما دو بچه تحویل یک خانواده بدهید، ولی هزینه آن را ندهید، خب به شکل طبیعی دچار ناترازی می‌شود. مشکل اصلی این است که برای ۲۰درصد که افزایش داده‌اند به ازای هر کدام باید یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به پول دولتی پیش که شاید الان ۱/۵ میلیارد هم بشود، اعتبار می‌داند تا دانشگاه‌ها بتوانند خودشان را جمع و جور کنند. بحث غذا، خوابگاه، کلاس، استاد، حق التدریس استاد، هیئت علمی جدید هم مطرح است، در حالی که برخی فکر می‌کنند فقط مسئله دانشجو است که اضافه‌کنیم و سر کلاس بنشینیم، همه اینها با هم توسعه رشته پزشکی می‌شود. در مجموع بر اساس آن چیزی که کف میدان است ۲۰درصد قلب داریم، اما واقعا کشتن افزایش چند دانشگاه با هزینه‌اشده وزارت بهداشت با اول هم با آن موافق نبود و می‌گفت کارشناسی شده نیست، ولی الان شورا آن را تصویب کرده است و اجباری پذیرفته‌اند.



روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۷

حالا با توجه به وضعیت موجود که ما کمبود پزشک و مخصوصاً پزشک متخصص در خیلی از شهرها داریم، وضعیت چگونه خواهد شد، از یک طرف می‌فرمایید بودجه ندارد،یم و از طرف دیگر قانون هم الزام کرده‌است. آیا بالاخره مجلس بودجه آن را پیش‌بینی خواهد کرد؟

مجلس بر اساس درآمدهای کشور بودجه را توزیع می‌کند. در یک کشور حدود ۶۰ میلیونی که یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت می‌فروشد و مقداری هم مالیات می‌گیرد، به‌طور طبیعی سهم دانشگاه‌های علوم پزشکی هم سهم قابل‌قبولی نخواهد بود. الان عربستان ۱۰ میلیون بشکه می‌فروشد، ولی در مورد ما با این تعداد بشکه‌ای که می‌فروشیم و پول تعدادی از آن هم باز نمی‌گردد، بیشتر مشکل بودجه و اعتبار است و مسائل دیگر حاشیه است.

**بر اساس آن چیزی که الان در کمیسیون تلفیق دارد تصویب می‌شود، قرار است بالاخره دانشگاه‌های پزشکی و متخصص‌ها چه تعداد شود؟**

من مصوبه را ندیده‌ام ولی به نظرم ۲۵درصد واقعبینانه نیست، یعنی می‌شود افزایش داد ولی عملیاتی نمی‌شود و از طرف دیگر کیفیت آموزش بایین می‌آید. ما از یک طرف می‌گوییم که د دکتر می‌سواد نباشد که مردم را بکشد و از طرف دیگر خودمان در سیاست‌گذاری‌هایمان به نحوی داریم همین را با این مصوبه‌های غیر کارشناسی دامن می‌زدیم. یکی از دلایلی که پزشکی ما نسبت به هم دیگر خیلی نزدیک به تحولات جهانی است، همین تلفیق آموزش با مهارت علمی است، یعنی آموزش علمی با آموزش مهارت در کنار هم هستند البته همین مسئله هزینه کار را هم به شکل طبیعی بالا می‌برد.

**از طرف دیگر خود دانشجویان پزشکی هم شوکت‌آباد دارند و می‌گویند به دلیل کمبود پزشک ما مجبور هستیم حتی شیفت‌های بیش از ۲۴ساعت هم بپذیریم.**

من عرض کردم در مورد پزشک عمومی ما زیر ساختش را نداریم، در مورد تخصص استقبال نمی‌شود. در این وضعیت شما باید شرایط را برای پزشکان متخصص در مناطق محروم به شکلی فراهم کنید که رغبت داشته‌باشند و بایانند در منطقه محروم و در بخش دولتی کار کنند، در این خصوص هم باید شرایط را اصلاح کرد، اما به یک پزشک عمومی ۱۵ میلیون تومان حقوق می‌دهید که وضعیت تری‌اش با ما در رشته‌های مختلف و همین‌هایی که دادشان بلند است، پزشک عمومی ۱۵ میلیون تومان می‌دهید و به یک پزشک متخصص در مناطق محروم می‌دهید و وقتی به یک پزشک عمومی ۱۵ میلیون تومان می‌دهید و از او انتظار دارید با ۴۰ سال سن شبانه‌روز بپتو ته کنید، معلوم است چه چیزی از آن در می‌آید. نتیجه آن، این می‌شود که بر اساس چیزی که رئیس دانشگاه فرمودند ما در استان لرستان یک جراح قلب داریم، حالا یک جراح قلب چند تا عمل می‌تواند انجام دهد، بقیه یا مهاجرت می‌کنند یا می‌آیند تهران و در کارهای فرعی مشغول می‌شوند.

در این خصوص ما تا یک حدی می‌توان الزام کرد، ولی تنها توسط مشوق می‌توانید پزشک را در منطقه نگه دارید. پزشکی هم مانند شغل‌های دیگر است مگر شما می‌توانید شغل‌های دیگر را یکجایی کنید و با هم افزایش یابد، ولی مثلا جراح می‌آید و خودش هم نمی‌خواهد اتاق عمل برود، بلکه متخصصان رشته‌های اتاق عمل کمک عمل زیبایی برای او انجام می‌دهند و جراح فقط پولش را می‌گیرد. اینها خلق‌تفاتی است که طبق چیزهایی که بعضی از دوستان به ما گزارش می‌کنند، دارد اتفاق می‌افتد، ولی چون رسمی نیست و غیرقانونی است، جرح کردن آن هم کار راحتی نیست، ولی یک رضع دانش‌نامه خود را در اختیار اینها قرار می‌دهد و در صدمش را می‌گیرد و اصلا هم نیاز نیست کاری انجام دهد. حالا بطور ممکن است این فرد برود در منطقه محرومی که هزار تا مسئله و چالش دارد با ۲۰ یا ۱۵ میلیون تومان کار کند. باورش سخت است، ولی متأسفانه در آمده‌ها به شکلی تنظیم‌شده که عملاً پزشکان از منطقه محروم فرار می‌کنند و در این شرایط هر چقدر هم پزشک زیاد بشود، برای این مناطق نمی‌افتد، بلکه نهایتش به خارج از کشور می‌روند و حتی برای کشورهای همسایه دانش‌نامه هم نیاز ندارند، فقط می‌روند آنجا کار می‌کنند.

در مجموع اگر بخواهیم به شکلی که اکنون برنامه‌ریزی شده ظرفیت پزشک را اضافه کنیم، عملاً نمره‌ای برای مردم ندارد، فقط نمره آن این است که پول بیت‌المال را صرف می‌کنید، پزشک تربیت می‌کنید و می‌رود به کشور دیگر خدمت می‌کند، مگر اینکه مشوق برای پزشک خیلی آرمان‌گرایانه نوشته‌شده و وزارت بهداشت با اول هم با آن موافق نبود و می‌گفت کارشناسی شده نیست، ولی الان شورا آن را تصویب کرده است و اگر شما بخواهید جلوی او را بگیرید، خودش معانت‌کنند.

# مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۳۳

اندیشه‌های نو داشت. در تدریس و پژوهش ابتکارات زیادی نشان می‌داد. نیروها را بر اساس استعدادسنجی و نیازسنجی پرورش می‌داد. کنکاشگر بود و دیدگاه‌های بزرگان را به‌بوته نقد می‌نهاد.

با این همه، خصوصییتی داشت که از تمام اینها شیرین‌تر می‌نمود: تجلیل از صاحبان اندیشه!

گاهی سر درس می‌گفت من این نکته را که فلان استاد مطرح کرده‌اند، نمی‌فهمم. به‌صراحت می‌گفت که من خیلی چیزها را نمی‌فهمم؛ این هم یکی از آنهاست... می‌فهمید. خوب هم می‌فهمید، اما نمی‌خواست فلش نادانی را به سمت استادش بگیرد!

یکی از شاگردانش نقدی بر دیدگاه علامه طباطبایی داشت. دقیق شنیدید و موشکافانه بررسی کرد. آنگاه استادان‌ه و آقامشانه گفت:

– نقد درست است، اما لحن را جوری تغییر دهید که حتماً شأن ایشان رعایت شود!

آری: برکت علم به باسداشت مقام استاد است...



ابوالفضل اقبالی

### جنسیت و اقی‌های آینده

### عناصر مولد الگوی زن شرقی در سنت ایرانی

سنت فرهنگی-اجتماعی جامعه ایران زمینه‌ای حاصلخیز و مستعد برای تداوم حیات الگوی زن شرقی است. این سنت دربرای وجود تغییرات فرهنگی پرشتاب در جامعه ایران، هنوز هم نزد بسیاری از مردم تعیین‌کننده الگوی رفتار و سبک زندگی است. در این میان، یکی از مؤلفه‌های مهم و قدرتمند این سنت فرهنگی-اجتماعی، اقی‌های جنسیتی برای آینده فرزندان است.

آینده همواره مهم‌ترین دغدغه افراد و خانواده‌ها بوده‌است. آینده شغلی و اقتصادی، آینده تحصیلی، آینده خانوادگی و بسیاری از این دست که به مثابه تصویری مهم نزد افراد وجود دارند. ساختن آینده براساس ایده‌آل‌ها مهم‌ترین انگیزه برای تلاش، پویایی و پذیرش سختی‌هاست. این تصویر اما زوایای روشنی هم نزد خانواده و جامعه ایرانی دارد. به‌ویژه آنجا که این تصویر متعلق به دختر خانواده باشد. نگرانی نسبت به وضعیت آینده دختران در میان خانواده‌های ایرانی کمتر است، زیرا برای دختران عنصری به نام «شوهر» تعیین‌کننده ابعاد و زوایای تصویر آینده بوده‌است. در جامعه ایرانی، هویت شغلی، علمی و حرفه‌ای دختر به شدت متأثر از «سایه شوهر» بوده و وضعیت دختران در آینده تابعی از وضعیت شوهرشان است. بنابراین درخواست‌ها و انتخاب‌های دختران همگی به «خانه شوهر» حواله می‌شود.

گویی این دختر نقاد انتخاب‌های فردی و رسالت‌های اجتماعی است که نه‌تنها نگاه، بلکه موظف به پیگیری آنهاست. این سخن ابداً به آن معنا نیست که نباید در تربیت دختران، اقی خانواده‌گرایانه داشته‌باشیم و معطوف به پذیرش نقش‌های خانگی تربیت نکنیم. خیر! بلکه به این معناست که برای او «هویت معطل» خلق نکنیم و انتخاب‌های فردی و اجتماعی او را منوط به ازدواج و رضایت شوهر در آینده نکنیم. دختران ما نباید بنسبت سهمی مستقل از حیات اجتماعی آینده دارند که در چارچوبی از ارزش‌های اجتماعی، ظرفیت‌های فردی و ضرورت‌های تمدنی مجاز به خلق وضعیت خود در آینده هستند. این حداقل تغییری است که به اقتضای الگوی سوم باید محقق شود، بنابراین باید در سبک تربیتی و جامعه‌پذیری دختران تجدیدنظر کرد، زیرا پیامد چنین وضعیتی یقیناً به انفعال زنان و مادران آینده در خانواده و جامعه منجر خواهد شد.

حقیقت این است که جنسیت تأثیری در اصل داشتن رسالت اجتماعی و مسئولیت خانوادگی دارد؛ تفاوت صرفاً در ناحیه کیفیت نقش‌هاست. هم پسران باید در قامت مردان جامعه و پدران و همسران خانواده به ساخت جامعه همت گمارند و هم دختران باید در نقش زنان جامعه و همسران و مادران خانواده در آینده ظاهر شوند، بنابراین باید به‌اینکه باید مانند پسران مواجهه فعالانه‌تری را با «آینده» تجربه کنند. البته باید متذکر شد که در وضعیت مدرن، نظامات تربیتی و آموزشی و نیز ساختارهای اقتصادی-اجتماعی به نوعی طراحی شده‌اند که آینده‌ای فراجنسیتی برای دختر و پسر رقم بزنند و شرایط اکنون جامعه ایران نیز هم‌گونه است.

## خبرگزینانه

- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: ۳۱ خط تولید دارو در دولت سیزدهم راه‌اندازی شد و ۶۹ داروی جدید به بازار آمد و ۱۵۹ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی در حوزه صادرات داشتیم.
- رئیس کمیته امداد از برنامه‌ریزی برای ایجاد ۵۰۰ هزار فرصت شغلی ویژه مددجویان خوار داد و گفت: امسال افراد در دهک‌های ۶ و ۷ باخراز شرایط از تسهیلات اشتغال برخوردار می‌شوند.
- اعضای شورای شهر تهران افزایش ۴۵درصدی نرخ سرویس مدارس در شورای شهر تهران برای سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ را تصویب کردند.
- معاون رئیس‌جمهور در حوزه زنان و خانواده گفت: تخصیص یک‌درصد اعتبار دستگاه‌های اجرایی برای حوزه زنان و خانواده امسال اجباری‌هاست.
- مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر داری تهران گفت: ۴۱ میلیارد تومان بودجه برای سرویس دانش‌آموزان استثنایی در نظر گرفته شده که از این میزان ۶ میلیارد تومان در سه ماه ابتدایی سال هزینه شده‌است.
- نهاد دبه کشور از آزادی ۱۱ مادر زندانی مرتکب جرائم غیر عمد خیر داد و اعلام کرد: این اقدام به دنبال فراخوان «محسن چالوشی» انجام شد.
- سازمان ثبت احوال کشور اعلام کرد: هم‌زمان با هفته دولت این سازمان در نمایشگاه «دستاوردهای دولت مردمی ایران قوی» اقدام به برپایی میز خدمت در راستای ارائه خدمات از جمله تعویض شناسنامه شهروندان کرده‌است و صدور شناسنامه شهروندان تنها در چند ساعت انجام می‌شود.
- سرپرست معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران گفت: طی پنج ماه نخست سال ۱۴۰۲، بیش از ۷۶۰ هزار تن آسفالت معادل کل سال ۱۴۰۱ و ۵۰درصد بیشتر از سال ۱۴۰۰ در شهر تهران تولید و پخش شده‌است.
- معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: ۸ هزار و ۸۹۱ شرکت دانش‌بنیان در کشور وجود دارد که از این تعداد یک‌هزار و ۳۱۳ شرکت در حوزه سلامت فعالیت داشته که ۴۰درصد از آنها در حوزه دارو و فراورده‌های پیشرفته تشخیص و درمان کار می‌کنند.
- به گفته مدیر کل دفتر تأمین مسکن و امور مهندسی ساختمان کمیته امداد ۳۰۰ هزار مددجو امسال صاحب خانه می‌شوند.



این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشته‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



## زندگی آخرت ادامه زندگی دنیا

آیت‌الله مصباح(ره):

اخذوندن در این حدیث قسمی‌امی فرماید: «قد صارت الدنيا والاخره عندهم واحده». برای اهل آخرت، دنیا و آخرت یکی شده است. این یعنی چه؟ بادم می‌آید سال اولی که درس تفسیر مرحوم علامه طباطبایی در مسجد سله‌ماسی رقتیم؛ ایشان ذیل تفسیر تعبیر عقبی الدار که در سوره رعد دو مرتبه ذکر شده می‌گفتند: «این آخرت دنیااله دنیااست. این نتیجه‌ای است که بر این مترتب می‌شود. این‌طور نیست که مادو حساب داشته باشیم مثل اینکه مادر دو کره می‌خواهیم زندگی کنیم که در اینجا شرایطی داشته باشد و آنجا عالم دیگری و شرایط خاص خودش را داشته باشد و نوع زندگی باشد مثلاً نه آن دنیااله همین است.»

کشاورزی که می‌رود در مزرعه کار می‌کند، از وقتی که شخم می‌زند، بذر می‌افشاند، رسیدگی می‌کند تا وقتی که دانه‌اش را برداشت می‌کند، یک دوره کار است، دو کار نیست. آنگاه صحیح این است که ما بگوییم: «زندگی‌ای داریم که از روز تولد شروع می‌شود و دیگر نقطه پایانی ندارد. یک مرحله کوتاه‌اش اینی است که در دنیا می‌گذرانیم و این قسمت کوتاه، سرنوشت بقیه زندگی ما را تأمین می‌کند.» ما چنین نگاهی نداریم، البته همه قبول داریم، اما ضعیف است، ضعیف است، برای اینکه کم‌بوییش دنیا در نظرمان خیلی مهم است، کم‌بوییش اهل دنیا هستیم، اما خدا می‌گوید: اهل آخرت کسانی هستند که «قد صارت الدنيا والاخره عندهم واحده»، یعنی دنیا و آخرت از نظر آنها یک پروهه است که از یک نقطه شروع می‌شود و نقطه پایانی ندارد. «خالدین فی‌الابد». سرنوشت آن زندگی‌اندی را همین زندگی چندروزه دنیا تعیین می‌کند. هر چه اینجا می‌کاری آنجا تحویل می‌گیری.

منبع: کانال تلگرامی «mesbahyazdi\_ir»



## جنگل‌ها قهر کرده‌اند!؟

مجید میرزایی در کانال تلگرامی خود نوشت: یادتونه تو مدرسه بهمون می‌گفتن درخت‌ها دی‌کسیدکربن رو جذب می‌کنن و برای زمین خیلی مفیدن؟ هنوز هم همون برقراره و مثلاً جنگل‌های امریکا ۱۱ درصد گاز کربن موجود در زمین رو جذب می‌کنن ولی خبر بد اینه که جنگل‌ها کم کم دارن خاصیت جذب گاز کربن رو از دست میدن و ممکنه تا چند سال دیگه کلاً گاز کربن جذب نکنن و این یعنی گرم‌تر شدن زمین و بدتر شدن اوضاع! حالا به خبر بدتر هم هست، نه تنها خاصیت جذب کربن رو از دست میدن بلکه احتمالاً تا سال ۲۰۷۰ به یکی از تولیدکنندگان اصلی گاز کربن تبدیل بشن، یعنی درخت‌ها و جنگل‌ها هم یکی از عوامل اصلی گرم‌شدن زمین میشن!



## تعهد گوگل به افزایش شفافیت تبلیغات در اتحادیه اروپا

کانال «زاویه» در بله خبر داد: شرکت الفابیت اعلام کرد گوگل اطلاعات بیشتری درباره تبلیغات هدفمند به کاربران اروپایی ارائه خواهد کرد و دسترسی محققان به اطلاعات عملکرد محصولاتش را افزایش خواهد داد. هدف گوگل از این اقدامات، تطابق با قوانین محتوای آنلاین اتحادیه اروپا، موسوم به قانون خدمات دیجیتال (DSA) است.
سختگیری قوانین جدید اتحادیه اروپا، برای شرکت‌های بزرگی چون متا، مایکروسافت، توئیتر، پینترست، اسنپ، ویکی‌پدیا، زالاندو و علی بابا به دلیل تعدد زیاد کاربران‌شان بیشتر است. این قوانین که از روز جمعه ۲۵ اگوست اجرایی شدند، از شرکت‌ها می‌خواهند درباره نحوه مقابله با سوءاستفاده جنسی از کودکان و اخبار جعلی، فرایندهای الگوریتمی، روایات‌ها و تبلیغات هدفمند خود و حذف محصولات غیرقانونی، خطرناک یا تقلبی فروخته‌شده در پلتفرم‌های‌شان شفاف‌سازی کنند.



## واقعبیت، رؤیایی نیست

یکی از فعالان توئیتر با نام کاربری «نویسنسا بانج» نوشت: یک پزشک ۲۶ساله ژاپنی بعد اینکه مجبور شده ۲۰۰ساعت اضافه کاری در ماه انجام بده و هیچ مرخصی‌ای هم طی سه ماه گذشته نداشته، خودش کرده. همه چیز مثل اون تصورات رؤیایی نیست که برامون ساختن.

دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۱ صفر ۱۴۴۵ | روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۷

# کاربران



عارفان جوانان آشنیده

## گزارشی از حال وهوای اربعینی کاربران شبکه‌های اجتماعی

# ما جانماندیم!

با فرار سیدن فصل پیاده‌روی اربعین، کاربران شبکه‌های اجتماعی در توییت‌هایی از حال وهوای اربعین نوشتند. برگزاری مراسم بدرقه زائران اربعین در میدان آزادی نیز به این حال وهوا افزود و کاربران از گستره اقبال مردم گفتند. همچنین برخی

### علیرضا زاهدی:

اربعین یک زمان یا یک مکان وعده‌داده‌شده نیست.اربعین یک‌رستگاه‌انسانی حول محور امام معصوم(ع) است.اربعین اسم‌زمان یا مکان نیست، الگوی زیستن است. زیست بر محور

محبت حجت خدا. آن الگوی زیستن پس از اربعین باید در زندگی شهری و مصرف‌گرا جاری شود. راه‌حل یک چیز است: اربعین را تجربه کنید.

### کربری با نام «حمیده»:

اربعین نگویید جا مانده‌ایم! کسی که قلب و روحش رفته، جامانده نیست. جامانده کسی است که عشق و شور و طلب زیارت اربعین، به ذهنش هم نمی‌رسد و علاقه‌ای ندارد. اگر

به هر دلیلی اشتیاق رفتن هست و شرایطش نیست، خیری بوده و ثواب نیت را برداید. شاکر باشید و نگویید جامانده‌ایم. (آیا الله جواد‌ی‌املی)

### کیان مهزاد:

سفر اربعین جبه‌جایش الگویی برای زیستن و سبک‌زندگی است. همدلی، شیعان، خلوص

همه دست‌اندر کارن، تلاش دولت‌ها در راستای رساندن مردم به کربلا، اجتماع و وحدت شیعیان با محوریت امام حسین(ع) و... به هر کدام که فکری می‌کنی، جلوه‌ای از نور است.

### ومهدی:

حاج قاسم خطاب به زائران اربعین حسینی: «با مزه چشم خاک راه تو را پاک می‌کنم»، اربعینی‌ها شهدای مدافع حرم رو فراموش نکنید.

### حسین صحرایی:

اربعین تجلی این وعده‌الهی است که: «وَرَأَيْتُ التَّائِبِينَ يُخْلِقُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» مردم فوج‌فوج خود را به حسین(ع) می‌رسانند تا بپرچم ظهور راه‌ی زودی بالا بمرند.#حب‌الحسین‌بیجمننا

### شمس‌الدین روحی:

ما جانمون‌دیم اتفاقاً دقیقاً داریم خدمت می‌کنیم. جامونده کسی است که دلش با کربلا نباشه و بی‌خیال نوکری نوکران اباعبیدالله باشه. #کل‌ارض‌کربلا #مام‌حسین #اربعین



دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۱ صفر ۱۴۴۵ | روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۷



عارفان جوانان آشنیده

## گزارشی از حال وهوای اربعینی کاربران شبکه‌های اجتماعی

# ما جانماندیم!

فعالان شبکه‌های اجتماعی از تأثیر اجتماع بزرگ شیعیان در کربلا و تأثیرات معنوی و مذهبی آن نوشتند. کاربران اربعین را نشانه‌ای از نوعی سبک زندگی و الگویی برای زیستن دانستند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

### محسن اتببایی:

خواهش سردار شهید علی شرفخالطو، معاون لشکر ۳عاشوراء زائران کربلا: چون بدون زیارت و با آرزوی زیارت کربلا از این دنیا می‌روم، خواهش می‌کنم‌شاه‌الله‌بعد‌از‌آزادی کربلا،عکس

مرايه عنوان زائر امام حسین(ع) به کربلا بپرید!

### علیرضا تقوایی:

شعبه پنج خصوصیت دارد که اولین خصوصیت، زیارت اربعین است. زیارت اربعین دارد کار را اتمام می‌کند. ایسی عبدالله(ع) دارد اصحابش را بسج می‌کند... زیارت اربعین تا ر اترک نکنید!

### زینب اسلامی:

اجتماع بدرقه زائران اربعین ایده کی بود که تو میدان آزادی گرفته بشه؟ خیلی ایده نابی بود... برانداز ادین و حسابی سوختن... البته دعا می‌کنیم که لذت عشق امام حسین بره زیر زبون‌شون...#چانم‌حسین

### سیده معصومه:

لحظه به لحظه سه خیل عظیم عاشقان سیدالشهدا(ع) در راه رسیدن به مقصد

## پیامدهای فراوان و مصیبت‌بار فقر چیست؟

کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در اینت‌خلاصه‌ای از بیانات استاد شهید مرتضی مطهری را به استناد کتاب بیست گفتار، صص ۸۲-۸۲ به اشتراک گذاشت. استاد شهید فرموده‌اند: فقر و احتیاج- سبب‌هر چه باشد، خواه بی‌عدالتی یا چیز دیگر- یکی از موجبات گناه است، اگر



ضمیمه بشود با احساس مغیوبیت و محرومیت، دیگر بدتر، اگر ضمیمه بشود با حسرت کشیدن‌های تجملات غده‌ای، باز از آن هم بدتر، آن وقت همیشه خواهد گفت:

سخن درست بگویم نمی‌توانم دید/ که می‌خورند حریفان ومن نظاره کنم

همین «همی‌توانم دید» سبب سرفقت‌هایی‌شود، سبب رشوه‌گیری‌ها می‌شود، سبب اختلاس‌ها و خیانت‌ها به اموال عمومی می‌شود، سبب گناه‌های می‌شود، سبب غل و غش و تقلب در کار‌ها می‌شود؛ سبب می‌شود افرادی برای اینکه خود را به دست‌های دیگر برسانند، رشوه‌بخورند؛ دزدی بکنند، زیر حساب مردم بزنند و همین‌طور.

علی(ع) به فرزند عزیزش محمد بن حنفیه درباره فقر می‌فرماید: «یا بنی‌انی اَخافُ غَلَبَکَ الْفَقْرُ، فَانْتَعِذْ بِاللّهِ مِنْهُ فَانَّهُ مُنْقِضُهُ لِلدِّینِ، مُذْهِمُهُ لِلْعُقُلِ، دَاعِیُهُ لِلْمَقْتِ». فرزند عزیزم! من از دیومهیب فقر بر تو می‌ترسم، از او به خدا پناه ببر، فقر موجب نقصان دین است، یعنی فقر آدمی را که ایمان قوی نداشته باشد، زود‌آوار به گناه می‌کند. لذا رسول(کرم‌ض) فرمود: «کادَ الْفَقْرُ أَنْ یُکُونَ کَفْرًا» فقر نزدیک به سرحد کفر است. فقر، روح را عاصی و عزیمت را ضعیف می‌کند.

ایشان اثر دیگر فقر را فرمود: «حَدَّثَنِي الْعُقَلُ» فقر فکر را پریشان و دهشت‌زده می‌کند. عقل و فکر در اثر احتیاج و فقر تعادل خود را دست می‌دهد، انسان دیگر نمی‌تواند خوب در قضایا فکر کند، همان طوری که مصیبت‌ها تولید پریشانی فکر و خیال می‌کند.

تدبیر صواب از دل خوش باید جست/ سرمایه عقابیت کفاف است نخست

البته باز افرادی استثنایی هستند که این‌طور نیستند اما همه که این‌طور نیستند.

ایشان در مورد اثر سوم فرمود: «داعیه للمَقْتِ»، یعنی فقر سبب ملامت سرکوبی، تحقیر مردم‌و در نتیجه سبب پریشانی روح و موجب عنده‌ای شدن انسان می‌شود. شاید مقصود این جمله این است که تو با مردم عداوت پیدا خواهی کرد و مردم را مسئول بدبختی خود خواهی خواند.

## افت سهم زبان فارسی در فضای وب

صفحه توئیتری «بیوست» نوشت: سهم زبان فارسی در فضای وب طبق گزارش W3tech نسبت به سال گذشته کاهش یافته و از ۲۶درصد به ۱۶درصد رسیده است. همچنین جایگاه زبان فارسی نیز با دو پله سقوط مواجه بوده و در جایگاه دهم در میان زبان‌های



جدید گزارش W3tech نشان می‌دهد تنها ۱۶ درصد از وب‌سایت‌هایی که زبان محتوای آنها را می‌شناسیم از فارسی استفاده می‌کنند. این گزارش بیانگر آن است که جایگاه زبان فارسی در میان زبان‌های پرکاربرد وب در سال ۱۴۰۰ دو پله و در سال ۱۴۰۱ پنج پله کاهش یافت. در واقع، در مرداد سال ۱۴۰۰ بود که مقام‌های دولتی و کاربران فضای مجازی فارسی نسبت به کسب جایگاه پنجم میان زبان‌های پرکاربرد وب واکنش نشان دادند و کسب این جایگاه را نشان از «رشد شتابان خط و زبان فارسی در اینترنت» می‌دانستند. این جایگاه در دو سال گذشته روندی نزولی داشته است.



### وقتی همه خواب بودند!

کانال تلگرامی «عالی منابع انسانی» نوشت: وارد سالن می‌شوید، چراغ‌ها خاموش است، نور روی پرده نمایش افتاده است و عده‌ای در سالن نشستند. برخی چرت می‌زنند، بعضی‌ها مشغول پرسه‌زنی در شبکه‌های اجتماعی و وب گردی هستند و عده‌ای هم مشغول بازی با گوشی تلفن همراه خود، البته تعدادی هم به پرده نمایش چشم دوخته‌اند، انگار فکرشان جای دیگری است! مدتی می‌گذرد، فردی از گوشه سالن که از بازی با موبایلش خسته شده زیر لب می‌گوید: «فا خسته نباشید، مغز من دیگه نمی‌کشه!». کم‌کم سایرین هم با او همراه می‌شوند و گرداننده پرده نمایش، رخصت انترآک می‌دهد.

این فضا وصف سالن سینما یا نمایش پرده‌خوانی نیست، بلکه فضای عمومی دوره‌های آموزشی در بسیاری از سازمان‌هاست؛ دوره‌هایی که با هزینه‌های بالا برگزار می‌شوند، اما گویی کارکنان در قبال آن هیچ تعهدی ندارند و فقط برای دریافت شرایط ارتقا یا دریافت مزایای خاص در آن شرکت می‌کنند. کلاس‌هایی که کارکنان در آن چرت می‌زنند، خسته و کلافه‌اند و انگار شوقی برای یادگیری در آنها وجود ندارد، اما چه می‌شود کرد تا دوره‌های آموزشی را به جای تبدیل شدن به محل چرت‌زدن، به محیطی برای یادگیری مشتاقانه تبدیل کرد؟

نکته نخست: زمانی کارمندان با اشتیاق به دوره آموزشی می‌روند و انگیزه یادگیری دارند که برای انجام کارهای خود به آن دوره احساس نیاز کرده باشند.

**نکته دوم:** کارکنان باید ضرر ناتوانی در انجام سریع و اثربخش امور، ناشی از عدم یادگیری و به‌روزرسانی دانش کاری خود را احساس کنند، یعنی باید بدانند که اگر شایستگی‌های خود را با مشارکت فعالانه در دوره‌های آموزشی ارتقا ندهند، حتی ممکن است از کار اخراج شوند و با افراد شایسته‌تری جایگزین شوند.

**نکته سوم:** دوره‌های آموزشی باید متناسب با نیاز و همراه‌است با اهداف و راهبردهای سازمان باشند. دوره‌های آموزشی که فقط برای بالا بردن سرانه آموزش و خرج بودجه انجام می‌پذیرد، هیچ فایده‌ای برای سازمان ندارد.

**نکته چهارم:** از روش‌های متنوع آموزشی برای یاد دادن استفاده کنید. به جرئت می‌توان گفت بیش از ۷۰درصد دوره‌های آموزشی موجود با یک سخنرانی کلاسی شروع و با همان تمام می‌شود. آموزش‌های حین کار، منورینگ، ضویت در تیم‌های کاری، سناریوسازی، کارگاه‌ها، استفاده از فیلم‌های آموزشی و بازی‌های مدیریتی همگی در یادگیری و ماندگاری موضوع تأثیرگذاری بیشتری دارند و فضای یادگیری هم جذاب‌تر می‌شود.

**نکته پنجم:** آموزش‌های ارائه‌شده باید در انجام وظایف جاری کارکنان تان به کار بیاید. اگر کارکنان را به بهترین دوره‌ها بفرستید، ولی در بلندمدت استفاده از موارد آموخته‌شده را از او نخواهید، یعنی دور ریختن پول سازمان.

به نظر می‌رسد رعایت پنج نکته مذکور بتواند در بیدار کردن کارکنان خواب‌آلود در دوره‌های آموزشی مفید واقع شود!

### تصویر منتخب



میدان نقش جهان، اصفهان  
از صفحه توئیتری «Iranland»

## همه عاشقند

کاربری با نام «محمد جوادم» نوشت: این آقارازه از تهران تا کربلا با این دوچرخه رکاب‌پزنه و عازم سفر عشق بشه تو این مسیر همه عاشقن فقط نوع عاشقی فرق داره.



کاربری بانام «علی» نوشت: به‌هر جوانی میگی چرا ازدواج نمی‌کنی میگه پول ندارم، ولی با امار بالای طلاق بین پولدار، کشتنگ معلومه جوانا برای ازدواج به جای پول به مهارت زندگی کردن نیاز دارن!

**ک**اروبیه
**در پی درج مطالبی در ستون ویژه‌های صفحه ۲ شماره پنج شنبه دوم شهریورماه که در آن به نقد یادداشت عمادالدین باقی در روزنامه شرق در خصوص حکم قضایی حمید قره حسنلو، پزشک متهم در شهادت روح‌الله عجمیان در حوادث پاییز سال گذشته پرداخته بود، عمادالدین باقی با ارسال جوابیه‌ای تفصیلی ضمن دفاع از ادعاهای خود خواستار انتشار جوابیه‌اش در «جوان» شد. آقای باقی جوابیه خود را با آیه ۸ سوره مائده آغاز کرده است. ادامه متن کامل جوابیه به شرح زیر است:**

■ ■ ■

پیش از هر چیز سیاست‌گزارم از اینکه به موضوع یک زندانی و آنچه دربار‌اش نوشته شده ویژه توجه نشان داده‌اید. صرفاً به احترام آیة شریفه صدرالذکر و به دلیل اینکه بر این باورم که ما و شما آن‌شاه‌الله در پی فهم حقیقت و عدالت هستیم و وجدان انسانی شما هم اجازه نمی‌دهد که حق انسانی یامال و قربانی جدال‌های سیاسی شود، بر خود قرض دیدم این جوابیه را بنویسم.

در خود قسوه قضائیه نیز وجود روش‌های مختلف تجدیدنظر، فرجام‌خواهی، اعاده‌دادرسی و... به خاطر وجود احتمال خطا در حکم است و تاکنون هزاران حکم نقد شده است و همه این تلاش‌ها برای حفاظت از عدالت و اعتبار قوه قضائیه است.

مقدمتاً اشاره می‌کنم گرچه در مورد زندانیان ممکن است برخی افراد از خاستگاه سیاست، موضوعی را اتخاذ کنند اما اینجانب به عنوان یک باورمند حقوق بشر و به صفت عضوی از «انجمن دفاع از حقوق زندانیان» و مشاور حقوقی برخی از پرونده‌ها، اصلاً در مورد پرونده‌ای تا اشراف لازم و اطلاع از جزئیات آن نداشته باشم، به صورت تفصیلی ورود نمی‌کنم. به طور کلی چون بیان برخی از زوایای پرونده‌ها نیز به لحاظ حقوقی یا مصلحت و کیل و موکل جایز نیست مطرح شود، ممکن است درباره آن‌ها حق مطلب ادا نشود ولی در خصوص برخی پرونده‌ها همان قدری که جایز البیان است برای فهم حقیقت کفایت می‌کند.

در مورد موضوع دکتر قره حسنلو و همسرشان و مقاله‌ای که بنده در روزنامه شرق نوشتیم و پاسخی که شما داده‌اید، نکات زیر قابل توجه است:

۱- یکی از موارد بسیار مهم که در جدال‌های رسانه‌ای نادیده گرفته می‌شود، این است که وقایع تلخ بهشت سکینه معلول یک تصمیم نادرست بود که زنجیرهای از حوادث را به وجود آورد و اگر آن تصمیم نادرست نبود، امروز مرحوم عجمیان و محمدمهدی کرمی و سیدمحمد حسینی که به جرم مشارکت در قتل او اعدام شدند، در حیات بودند. آیا می‌دانید که تصمیم به بستن در بهشت سکینه علت اصلی بود و هیچ کس عاملان این تصمیم را مؤاخذه نکرده است؟ وقتی که عده‌ای با اهداف خاصی از قبیل فرارخواهی برای چهلم حدیث نجفی منتشر کرده‌اند، در صورتی که در بهشت سکینه باز بود و جمعیت در قضای چند هکتاری آنجا پخش می‌شد و هر تدبیر امنیتی در همان محدوده اتخاذ می‌شد، دیگر موجب تراکم جمعیت در مسیر منتهی به بهشت سکینه و اتوران و حوادث بعدی نمی‌شد. در تمام دنیا اعتراضات و تجمعات به دلایل مختلف وجود دارند و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، مهم تدبیر و مدیریت مواجهه با آن است نه اصل اعتراض و تجمع (با فیلمبرداری کرده است، هیچ مدرک و سندتی وجود ندارد و ادعایی

۲- یادآوری از صحنه خشونت علیه مرحوم عجمیان به کرات پخش شده نشان می‌دهد که از چند زاویه فیلمبرداری شده است. به جز ابهامات و سؤالاتی که ایجاد می‌کند، این پرسشی هم مطرح است که چگونه چند نفر در حال فیلمبرداری بوده‌ام یا کمک مرحوم نرفته از کشتن وی جلوگیری نکرده‌اند؟ تا توجه به اینکه فیلم‌ها در اختیار مراجع قضایی و امنیتی بوده و طبعاً مسأحان دوربین هم شناخته شده‌اند، چرا در این خصوص اتهامی متوجه این افراد نبوده است؟

۳- شکسته شدن دهه‌های دکتر قره حسنلو را کذب دانست‌اید. فارغ از مشکلات خاصی که درباره ثبت وضعیت زندانیان در ایران وجود دارد، در این مورد مدارک پزشکی کافی موجود هستند و در دادگاه هم ایشان درباره شکستگی دیده خود توضیح داد.

۴- شما در این نوشته‌تان به اعتراضات آریسن فرام‌نیسا علیه آقای قره حسنلو اشاره کرده‌اید تا دلالت آن را در خونین‌ت‌بابت کنید. چنانکه در رأی صادره علاوه بر آن به اظهارات مأموری به نام فریدون رامتین هم استناد شده است، در حالی که از نظر قانونی و شرعی اقرار فراد علیه دیگری نافذ نیست.

ماده ۱۲۸۸ قانون مدنی می‌گوید: اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم‌مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست.

آیت‌الله خرمی نیز در حوادث سال ۱۳۸۸ رأی اجماعی فقهارا اینگونه بیان می‌کند: «اینکه در دادگاهها- که در تلوویزیون هم پخش می‌شد- از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این، شرعاً حجتیت ندارد. بله، متهم هر چه درباره خود می‌داند بگوید، این حجت است اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست» (۹ شهریور ۱۳۸۸).

آورد‌ه‌اید: «یکی از متهمان پرونده به نام آرین فرزام‌نیا که صراحتاً اقرار کرده است ضرتانی را با چاقو به کتف و گردن شهید وارد کرده، گفته که حمید قره حسنلو یقه زیر پیراهن شهید عجمیان را دست بویده که ضربه چاقویی وی که قصص داشته به سر پیراهن عجمیان بزند، به دست خود قره حسنلو بر خورد می‌کند و بریدگی دست وی که در فیلم‌های صحنه شهادت مشخص است، به همین جهت بوده است.»

در جریان مفکری یا وکلای محترم در تنظیم لایحه، مشخص شد که آقای فرزام‌نیا از اینکه ضربه چاقویی او به دست فردی اصابت کرده سخن گفته و چون انگشت دکتر قره حسنلو زخمی بوده، این دو را به هم تطبیق داده‌اند، در حالی که خود دکتر قره حسنلو نمی‌داند در آن اوضاع آشفته و خشن که روی زمین در جست‌وجوی عینکش هم بوده، انگشتش چگونه زخم شده است، ضمن اینکه اساساً او وقتی به محل حادثه رسیده که مرحوم عجمیان نقش بر زمین شده و در مظان فوت بوده و برخی افراد هنوز مشغول اسیب رساندن به او بوده‌اند.

۵- طبق آنچه در دادنامه خود دادگاه مشاهده می‌شود، دکتر قره حسنلو منکر هر گونه اقدام، صدمه و آسیب به مرحوم عجمیان است. آقای آرین فرزام‌نیا برابر مدارک پزشکی ارائه‌شده از سوی ایشان فردی دارای مشکلات روحی و روانی و تحت مداومت و رأی دیوان عالی کشور دایر بر رسیدگی و تحقیق در خصوص مشکلات روحی وی دلیلی است بر اینکه سخن او درباره خودش هم نافذ نیست چه رسد به دیگری. ۶- اظهارات همسر دکتر قره حسنلو در خصوص اینکه دکتر یک لگد به پیکر مرحوم عجمیان زده (به جز این اصل مهم که اقرار دیگری نافذ نیست)، حسب اظهارات خود خانم فرزانة قره حسنلو در مراحل تحقیقات و بازپرسی و در دادگاه (که از رسانه‌های رسمی پخش شد) و دیوان عالی کشور انکار و تکذیب شده است. همین نکته در خصوص اعمال فشار روحی و جسمی بر متهمین در مراحل تحقیقات اولیه محل تأمل است. خدو، تنایور و روزی را که خود شما در معرض چنین امتحانی قرار بگیرید.

۷- اسکرین شاتی که خلاف اتهام دخالت داشتن دکتر قره حسنلو بوده رازیر سؤال برده و گفته‌اید نمی‌توان به آن اعتنا کرد.

برای احراز صحت آن نیزازی به در اختیار داشتن پرونده هم نیست و من نیز نمی‌گویم اگر آن را قبول ندرید، بگویید فیلم‌های کامل



# پاسخ تفصیلی عمادالدین باقی به نقد کوتاه «جوان»

و تقطیع نشده را برای روشن شدن افکار عمومی منتشر کنند، بلکه در همین فیلم تقطیع شده و منتشر شده از صداوسیما، آن چند ثانیه‌ای که تصویر آقای قره حسنلو را دارد و روی دور کند گذاشته شده و اسکرین شات گرفته‌شده را خودتان روی دور کند بگذارید و ببینید.

۸- در مورد این ادعا که وی از صحنه به سندی رسیدن عجمیان فیلمبرداری کرده است، هیچ مدرک و سندتی وجود ندارد و ادعایی

بی‌اساس است. این زن و شوهر صرفاً با حضور در محل بهشت سکینه و مشاهده در بسته و ملاحظه تجمع مراجعان پشت در بهشت سکینه و قبل از اینکه هرگونه درگیری‌ای وجود داشته باشد

و در زمانی که پشت در بهشت سکینه تجمع آرام بوده، برای حدود چند ثانیه فیلمبرداری کرده‌اند و به هیچ وجه از آن فیلم استفاده‌ای هم نکرده‌اند. همه می‌دانیم که این حد از فیلمبرداری‌ها در بین میلیون‌ها نفر امری عادی و رایج و روزمره است، وکلای ایشان هم

مصرانه در خواست کرده‌اند که اگر ادعایی خلاف آن وجود دارد، گوشه‌ای ایشان را ارائه و فیلم مورد ادعا بازیابی شود.

۹- نوشته‌اید که نشان در جلسه دادگاه اعتراف کرده است که «یکی از قصورهای وی این بوده است که به عنوان یک پزشک به وظیفه خود در مورد شهید عجمیان به عنوان یک مجروح نیازمند درمان عمل نکرده است.»

اما آیا باز حاحم جمعیت و شرایطی که در فیلم منتشره از صداوسیما

تجمع قانونی داشت. بگذریم از اینکه اساساً شأن نزول اصل ۲۷ و علت تحریر آن، راه‌یمایی‌های اعتراضی و غالباً صنفی است، نه تجمعات اعتراضی و راهپیمایی عمومی.

۵- جناب باقی در ادعای متناقض دیگری ابتدا می‌گوید کسانی که از شهید فیلم گرفته‌اند این ابهام را ایجاد می‌کنند که «چگونه در چند نفر در حال فیلمبرداری بوده‌ام یا کمک مرحوم نرفته و از کشتن وی جلوگیری نکرده‌اند؟» اما در جای دیگری می‌گوید: «ادکتر کذا! در زمانی که پشت در بهشت سکینه تجمع آرام بوده، برای حدود چند ثانیه فیلمبرداری کرده‌و به هیچ وجه از آن فیلم استفاده‌ای هم نکرده‌ام. همه می‌دانیم که این حد از فیلمبرداری‌ها در بین میلیون‌ها نفر امری عادی و رایج و روزمره است.» این یعنی آقای باقی هزاران چشم و دوربین در محل داشته که فیلمبرداری دکتر را در شرایط آرام و امری روزمره می‌داند اما فیلمبرداری دیگران را با علم به شهادت یک مجروح و برای اهداف دیگر تلقی می‌کند و دعوی این را دارد که چرا کمک مرحوم نرفته‌اند! واکنشی اگر سزا بود، فیلمبرداران که پزشک هم نبوده‌اند و به‌علاوه این جور معر که‌ها از همان آشوبگران بوده‌اند، به کمک مرحوم عجمیان، صرف‌نظر از غلط بودن آن ادعا که توضیح آن را خواهیم داشت است؟»

فقط یک کلمه بگویید اگر ایشان امکان کمک پزشکی به شهید نداشتند، یا چه هدف و انگیزه دیگری تا بالای سر شهید رفته است؟! در آن ازدحام که به قول خودتان عینکش هم روی زمین افتاده و معلوم است که وسط معرکه و کاملاً با شلوفی درگیر شده بوده، دنبال چه می‌گشته‌است؟! امکان کمک پزشکی نبود، امکان کمک انسانی و مانع شدن از قتل یک انسان هم که نبوده است. صرف‌نظر از غلطی شما، فقط او خودش را به چنانه شهید رسانده تا عینکش را گم کند و دست خودش را زخمی کند و برگردد؟! آیا اینکه بگویید «نفس حضور در یک تجمع جرم نیست، به ویژه که فرد به صورت اتفاقی در آن قرار گرفته باشد»، صرف‌نظر از غلط بودن آن ادعا که توضیح آن را خواهیم داد، می‌تواند پاسخی برای کسی باشد که آنقدر این حضور در تجمعمتن جدی بوده که عنان از کف داده و زخمی شده و عینکش را گم کرده است؟! آیا حضور او در این تجمع خارج بود و او نمی‌توانست از راه دیگری خود را برهاند و از تجمع خارج شود؟ بلکه دست‌برقضا تا بالای سر شهید هم می‌آید تا نبض او را بگیرد و ببیند علامت حیات دارد یا نه؟! البته اشاره آقای باقی به اصل ۲۷ قانون اساسی مبنی بر آزادی تجمعات نیز مانند مسئله اقرار، گرت‌برداری ناقص و مصادره ناحق دیگری است. همانند باقی دنیا و مطابق آنچه در اسناد حقوق بشری هم ذکر شده است، اصل ۲۷ قانون اساسی تجمعات را با شروطی که مشخ ل شهادت نباشند، در صورتی که شاهد واجد شرایط مدعی مشکلات روحی و روانی فرزام‌نیا بوده است، می‌تواند مستمسک صدور حکم قرار گیرد. طبق ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی، حزن‌گذاری و میزان تأثیر اظهارات شاهد در علم قاضی یا در حد یک اماره قضایی، در صورتی که شاهد واجد شرایط مکفی شهادت نباشد، با دادگاه است. بسیار بعید است که آقای باقی

به نظر می‌رسد آقای باقی با پاسخ مسبوسطی که به نقد کوتاه «جوان» درباره یادداشت‌شان در شرق داده‌اند، فرصت استفاده از زمینه «جوان» برای دنبال کردن دفاعیه خود را مطمئن شمرده‌اند، هر چند مطابق قانون مطبوعات الزامی به درج همه آن پاسخ تفصیلی به ویژه آنکه از جانب روزنامه شرق هم ارسال نشده، نداریم، اما برای نشان دادن حسن نیت و ضعف استدلالی ایشان همه پاسخ را آوردیم.

۱- آقای باقی ابتدا باید توضیح دهد که چرا خود را فردی عادل تر، صادق تر و آگاه‌تر از دادگاه می‌داند که در رأی دادگاه، شک و چون‌وچرا کند؟ بهتر نیست باورمندان به حقوق بشر و مدنیت و دموکراسی، به نظام قضایی کشور، و رأی دادگاه‌ها هم باور داشته باشند؟ اگر هر کسی خود را بدون دسترسی به کل پرونده جزئیات، محق تر از کسی خود را بر صدور رأی بلدان که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، حتی اگر یک قاضی دیگر یا صد‌ها قاضی هم در دادگاه حاضر و در جریان تمام جزئیات باشند، نظام قضایی در همه جهان، رأی و حکم قضایی اصلی را می‌پذیرد. خود دستگاه قضا برای اشتباه یا احتمال بی عدالتی قاضی اصلی، مسیر تجدیدنظر را انتخاب کرده است، پس این ورود آقای باقی و همفکران‌شان به پرونده‌ای که چیز زیادی از آن نمی‌داند برای چیست؟

۲- آقای باقی با استناد به ماده ۱۲۸۸ قانون مدنی که می‌گوید:

«اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم‌مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست.» اقرار یکی دیگر از متهمان را درباره مورد بحث غیر نافذ می‌داند و در جای دیگری به او مشکلات روحی و روانی نسبت می‌دهد. خود آقای باقی در اینجا نیز یک قاضی و نه کیل است که اساساً چنین عنوانی را نمی‌توان خارج از مسیر دادگاه برای کسی استفاده کرد، تنها عنوانی که می‌توان به ایشان داد، یک «شاهد» است که فیلم‌ها را دیده و سرعت فیلم‌ها را گم کرده که دقیق‌تر ببیند و در اینجا مثل یکی از حاضران در صحنه است و می‌خواهد به نفع یکی از متهمان (همان دکتر مذکور) و به ضرر یکی دیگر ا اتهام روحی و روانی) اقرار کند. آیا این اقرار نافذ است؟!

این تازه با فرض آن است که استناد آقای باقی به ماده قانونی مذکور، استناد درستی باشد، اما در واقع بررسی اقرارات آرین فرزام‌نیا ذیل عنوان «اقرار»، مصادره به مطلوب آقای باقی است. درست است که اقرار کسی علیه شخصی دیگر نافذ نیست، اما اظهارات فرزام‌نیا در قبال متهم پرونده، اساساً اقرار به حساب نمی‌آید، بلکه شهادت و گواهی گواه حاضر در صحنه است. مطابق مواد متعددی در قانون، از جمله ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی، باید دید، بلکه شهادت و گواهی گواه حاضر در صحنه است. مطابق مواد متعددی در قانون، از جمله ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی، شهادت یک فرد نسبت به وقوع جرم علیه فرد دیگر مسموع و نافذ است. پیش از این، حتی شهادت فردی هم که واجد صفات شهادت نباشند، از جمله آنچه که مورد ادعای آقای باقی درباره مشکلات روحی و روانی فرزام‌نیا بوده است، می‌تواند مستمسک صدور حکم قرار گیرد. طبق ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی، حزن‌گذاری و میزان تأثیر اظهارات شاهد در علم قاضی یا در حد یک اماره قضایی، در صورتی که شاهد واجد شرایط مکفی شهادت نباشد، با دادگاه است. بسیار بعید است که آقای باقی با این بدیهیات حقوقی آشنا نباشد و سهواً و از سر غفلت برای سفیدشویی مشارکت کنندگان در قتل شهید عجمیان لغتانی

دیده می‌شود. اساساً امکان هر گونه کمک‌رسانی به مرحوم عجمیان وجود داشته است؟

۱۰- در فراز دیگری از یادداشت آورده‌اید که چون او از شکنجه مرحوم عجمیان فیلمبرداری کرده و قسم پزشکی خود را زیر پا گذاشته، نمی‌توان به عنوان کار خیر از او دفاع کرد.

فارغ از اینکه چون مقدمات نادرست است، نتیجه هم نادرست خواهد بود. از نظر قرآنی عمل صالح هر کسی مأمور است و کار هیچ‌کس با انکار من و شما دود نمی‌شود که بر هوا برود، واقعیت مدرسه‌هایی که ساخته شده، کمک‌هایی که به نهادهای خیریه شده و بیمارانی که به رایگان کارشان انجام شده و اسناد و مدارک آنها با انکار کار خیر معدوم نمی‌شوند و این نوع انکار‌ها بر خلاف اصل اخلاقی «فَعَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال، آیات ۸ و ۹) است.

۱۱- تا توجه به نکات پیش‌گفته، از آنجا که رأی دادگاه بدوی و دیوان در مورد ۱۱ نفر است، فقط بخشی که مربوط به آقای قره حسنلو و همسرش است را عیناً نقل می‌کنم:

«متهم، ردیف هشتم حمید قره حسنلو به اتفاق همسرش فرزانه قره حسنلو حسب ادعایش جهت زیارت اهل قبور - مرحوم عسگری - که گویا از اقوام‌شان بوده در بهشت سکینه حاضر و به خاطر بسته بودن در قبرستان با مردم همراه می‌گردد و می‌گوید صرفاً نظاره‌گر بوده‌ام و در محل شهادت شهید حاضر بوده و مدعی است چون مردم اطراف شهید جمع شده بودند، من هم نزدیک شدم و چون دکتر رادیولوژیست می‌باشم و قصد داشتم وضعیت حیات وی را بررسی نمایم و در بررسی فیلم موجود، ایشان به همراه همسرش در صحنه شهادت دیده می‌شود و انگشتش اشاره دست راست وی زخمی و خون‌آلود است و همچنین ایشان به جهت برداشتن عینک خود در محبده مکانی که شهید بین دو خودرو قرار گرفته، مراجعه نموده، به حسب اظهارات ایشان در صحنه ضرب‌وجرح طلبه مدموم آقای یاسر اسماعیلی حضور داشته است و همسر ایشان اذعان داشته که حمید قره حسنلو یک لگد به شهید زده ولیکن خودش منکر این موضوع می‌باشد و در منزل ایشان تصاویر در اوش گنابادی و شسینامه‌های مربوط به دکتر سایان کشف و در بررسی گوشه وی کلبویی از زمان حضور در تجمعات موجود بوده و اقرار نموده سابقاً در پشت بام منزل‌شان به همراه همسرش شعارهایی علیه نظام سر داده است، متهم ردیف نهم خانم فرزانة قره حسنلو نیز به همراه همسرش حمید حسنلو به شرح توضیحات مربوط به همسرش وارد جمعیت اغتشاشگران شده و اظهار داشته که صرفاً نظاره‌گر بوده و در صحنه شهادت شهید نیز دیده می‌شود و اذعان داشته همسرم یک لگد به شهید زده، ایشان در فیلم موجود در حال شعار دادن است و حضور خود در اغتشاش را از طریق پیامک به همسایه‌اش اطلاع و می‌نویسد بعد از شام نیز به پشت بام رفته و شعار خواهم داد.»

آنچه نقل شد کل مطلبی است که در خصوص این دو در دادنامه اخیر دیوان است. عجیب اینکه چند جا نوشته «حسب اظهارات متهم» اما بعضی اظهارات را پذیرفته و بعضی را بدون دلیل نپذیرفته‌اند. فارغ از اینکه استناد به پیدا شدن برگه‌هایی در دروازش گنابادی در خانه ایشان ربطی به اتهام ندارد و مانند این است که اگر کسی از چراغ قرمز رد می‌شود، برای جریمه او استناد کنند که در ادار ماشین هم تخلفی داشته است و این شگفتی آور و بر خلاف ادب قضایی و شانه‌سوگیری است. درباره حضور در صحنه مربوط به طلبه‌ای به نام یاسر اسماعیلی،

**یادداشت**

**دفاعیه‌ای برای دکتر قره حسنلو و همسرش در آستانه روز پزشک**

**عمادالدین باقی**

سید عجمیان و همسرش در روز پنجشنبه فرام‌آزادی ریاست آن به‌عنوان راهبر اصلی قوه مطرحه است در ۲۵ به ۲۶ آذرماه قتل‌های مکرر محاکمه می‌شوند. موسی را از قلم قضائیت می‌فکند اما قضائیت به رسیده‌ها به ندرت می‌دهد. هم‌اندام می‌وزد و به خود قوه قضائیه، راننده تعاقب ایست به تلوویزیون رسانده‌ای از زخمی می‌وزد. اکنون به‌صفت پزشک دیده که در هر پروژه طبق حقیقتش و به حق و قانونی و به نفع متهمان درباره پزشک در محل حاضر می‌شود یا کسی از قوف نهادهای قضائیتی می‌پوراند. به نفع متهم حاضر می‌شود، جایی وسیع است و در اینجا فقط به نفع متهم است که در بخش روی که با نام دکتر قسوه حسنی در اخبار مقامات است و از واقعیت به‌صفت سرخ است کذا شده. ابتدا خبر را با دستور فرقی رسانده‌ای زخمی و خود قسوه حسنی مدل لوز و دو چین همه اطلاعاتش بر طرفه از گزارش‌های دادگاه و اطلاعات منتشرشده و دستوری بود که از تلوویزیون حذف است. بعضی بخش‌ها به نفع متهمان که خود دستگیر می‌شوند و در تلوویزیون حضور می‌کنند. همسرش فرزام‌نیا از صحنه ایدان شهید فوت می‌شود و در آنجا هم حضورش مانع از حق قضایی است. این‌ها همه قضایی است اما واقعیت‌ها همیشه خلاف واقعیت‌هاست. در آن روز که از دست‌برقضا تا بالای سر شهید رفته و در آنجا عینکش هم روی زمین افتاده و معلوم است که وسط معرکه و کاملاً با شلوفی درگیر شده بوده، دنبال چه می‌گشته‌است؟! امکان کمک پزشکی نبود، امکان کمک انسانی و مانع شدن از قتل یک انسان هم که نبوده است. صرف‌نظر از غلطی شما، فقط او خودش را به چنانه شهید رسانده تا عینکش را گم کند و دست خودش را زخمی کند و برگردد؟! آیا اینکه بگویید «نفس حضور در یک تجمع جرم نیست، به ویژه که فرد به صورت اتفاقی در آن قرار گرفته باشد»، صرف‌نظر از غلط بودن آن ادعا که توضیح آن را خواهیم داد، می‌تواند پاسخی برای کسی باشد که آنقدر این حضور در تجمعمتن جدی بوده که عنان از کف داده و زخمی شده و عینکش را گم کرده است؟! آیا حضور او در این تجمع خارج بود و او نمی‌توانست از راه دیگری خود را برهاند و از تجمع خارج شود؟ بلکه دست‌برقضا تا بالای سر شهید هم می‌آید تا نبض او را بگیرد و ببیند علامت حیات دارد یا نه؟! البته اشاره آقای باقی به اصل ۲۷ قانون اساسی مبنی بر آزادی تجمعات نیز مانند مسئله اقرار، گرت‌برداری ناقص و مصادره ناحق دیگری است. همانند باقی دنیا و مطابق آنچه در اسناد حقوق بشری هم ذکر شده است، اصل ۲۷ قانون اساسی تجمعات را با شروطی که مشخ ل شهادت نباشند، در صورتی که شاهد واجد شرایط مدعی مشکلات روحی و روانی فرزام‌نیا بوده است، می‌تواند مستمسک صدور حکم قرار گیرد. طبق ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی، حزن‌گذاری و میزان تأثیر اظهارات شاهد در علم قاضی یا در حد یک اماره قضایی، در صورتی که شاهد واجد شرایط مکفی شهادت نباشد، با دادگاه است. بسیار بعید است که آقای باقی با این بدیهیات حقوقی آشنا نباشد و سهواً و از سر غفلت برای سفیدشویی مشارکت کنندگان در قتل شهید عجمیان لغتانی

اظهارات آقای دکتر قره حسنلو این بوده که علامت حیاتی وی را بررسی و اعلام کرده که سریع‌تر او را به اورژانس برسانند و در واقع او را نجات داده است، اما در دادنامه به گونه دیگری جلوه داده شده. جالب اینکه روابط عمومی دادسرای قوه قضائیه کمک‌کننده‌ای برای کمک پزشکی بیانیه‌ای اعلام کرد که حضور همزمان ایشان در دو صحنه امکان‌پذیر نیست ولی از طرفی در دادنامه به حضور همزمان هر دو صحنه برای اثبات جرم استناد می‌کنند.

موضوع لگد زدن راه هم که در بالا توضیح دادم اما نکته ظریف اینجاست که همین گزارش نشان می‌دهد زمانی که آقای قره حسنلو به صحنه رسیده مرحوم عجمیان فوت کرده و دکتر قصد داشته بررسی کند که آیا هنوز علامت حیاتی قابل یا خیر؟ که میسر نشده است، بنابراین متهم هیچ نقشی در حوادث قتل او فوت نداشته و اصلاً در آن زمان حضور نداشته و در اواخر آن رسیده است، چه رسد که کارگردانی کرده باشد. نکته دیگر اینکه نفس حضور در یک تجمع جرم نیست، به ویژه که فرد به صورت اتفاقی در آن قرار گرفته باشد، اما اگر کاملاً با شما هم‌عقیده باشیم و بخواهیم فرض را بگذاریم بر اینکه همین بار اگراف نقل شده در رأی، عین حقیقت باشد و شما هم قاضی باشید که اندکی خود را در موقعیت بحرانی پیش آمده برای متهم قرار می‌دهد، واقعاً بر اساس کدام قانون و طبق کدام موازین شرعی و در چه نظام قضایی امکان دارد که برای آنچه در این گزارش آمده است ۱۵ سال حبس برای یک نفر و پنج سال برای همسرش صادر شود؟

در پایان فراموش نکنید که زن و شوهر که پدر و مادر دو فرزند هستند که یک دختر ۱۲ ساله دارند، در زنداند. انتظار داریم این حد از شجاعت در روزنامه شما وجود داشته باشد که این توضیحات به چاپ برسد اما مطمئناً در جریده هستی و کارنامه اعمال و آخرت‌مان ثبت است.

**والسلام خیر ختام با مهر عمادالدین باقی**



## پیش‌خواران

«مسیر منتهی به میدان التحریر» در آئینه یک پژوهش

### بسترهای ایجاد

### یک تحول تاریخی در مصر

■ **محمدرضا کاتبی**



اثری که هم اینک معرفی آن شده، «مسیر منتهی به میدان التحریر» نام دارد که سیر تحولات سیاسی در این کشور، در سالیان اخیر را بازکاویده است.این پژوهش

توسط لیویدسی گلرندر انجام شده،حسین مولایی آن را به فارسی باز گردانده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را روانه بازار نشر ساخته است. تارنمای نشر در اشارات، موضوع و محتوای این کتاب را اینگونه معرفی کرده است: «سه دهه حاکمیت مبارک که با دیکتاتوری، فساد گسترده اداری و مالی و نارضایتی شدیداجتماعی همراه بود،سبب شد پایه‌های لرزان حکومت وی، با شروع اعتراضات مردمی در سال ۲۰۱۱ به سرعت متلاشی شود.نگرانی دولت اویاما در قبال تحولات مصر،از همان روزهای اول تظاهرات در ماه ژانویه آشکار شد.یکی از نگرانی‌های عمده آمریکا، از دست دادن ارتشی بود که از زمان به قدرت رسیدن مبارک،بیش از ۵۰میلیارد دلار در آن سرمایه‌گذاری کرده بود.کتاب مردم مصر به‌رغم میل آمریکا و غرب، در مدت بسیار کوتاهی به پیروزی رسید و با سقوط مبارک، آمریکا یکی از بزرگ‌ترین متحدان خود در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه را از دست داد.این اثر به تاریخ روابط مصر و ایالات متحده در چند دهه اخیر پرداخته و با توجه به سوابق تاریخی روابط بین دو کشور،تحولات وسیع حوادث منتهی به انقلاب مصر را تجزیه و تحلیل می‌کند…»

سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در یادداشتی چند و چون تنظیم و تیوبب مطالب این تحقیق را به ترتیب بی‌آمده بازگفته است: «این کتاب



محمد حسنی مبارک رئیس‌جمهور سابق مصر

معطوف به انقلاب مصر و سقوط حسنی مبارک است، اما در تحلیل این حادثه به مباحث تاریخی این رویداد نیز پرداخته است.موضوعات و مسائل تاریخی پیش‌زمینه در منتقله، این تشکیلات رژیم صهیونیستی، اشغال کانال سوئز، سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده و سیاست خارجی مصر در این دوره تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است. در ارتش یهودی و نظامیان در عرصه‌های سیاسی نیز نفوذ قابل توجهی دارند. بر همین اساس قدرتهای بزرگ همواره برای کنترل این کشور، به نفوذ در لایه‌های نظامی مصر اندیشیده‌اند.امریکا به عنوان اصلی‌ترین بازیگر جهانی از زمان انورسادات و به طور ویژه در دوران مبارک، با نفوذ در ارتش مصر وابسته کردن آن به خود، این کشور را کنترل می‌کند. ارتش مصر وابستگی‌های متعددی به منابع آمریکایی از لحاظ برنامهریزی، تسلیحات و تدارکات دارد.امریکا با حمایت‌های همه‌جانبه از ارتش مصر، دو هدف کلیدی تأمین ثبات در منطقه شمال آفریقا و امنیت رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند. کتاب مسیر

منتهی به میدان التحریر، در شش فصل تاریخ روابط مصر و آمریکا را تشریح می‌کند.فصل اول با عنوان در تعقیب یک‌سیاست،به ترسیم اوضاع سیاسی منطقه آسیای جنوب غربی و مصر در آستانه پایان جنگ جهانی دوم اختصاص یافته و موضوعات و موارد متعددی از جمله:زورده نیروی‌های انگلیسی به مصر و کانال سوئز و ورود مهاجران یهودی به فلسطین، از اهم مطالب ارائه شده در این فصل است. فصل دوم، اوضاع مصر در دوره کودتای نظامیان معروف به ارتش آزاد را به تصویر کشیده‌است. در این رابطه مذاکرات وزیر خارجه آمریکا با ناصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در فصل دوم کتاب به خوبی مورد واکاوی قرار گرفته است. فصل سوم نیز به تبیین دکترین آیزنهاور برای جنگ شش روزه می‌پردازد…»

شماره ۶۸۲۷||

|روزنامه جوان | شماره ۶۸۲۷||

## خارویخ

تاریخ ۶۰۶۰۲۲۸۸۵



**چند گام با شهیدمهدی عراقی، در روزهای انقلاب و پس از انقلاب**

# مقاومت در مصاف بادشمن

# تسامح در قبال خودی‌ها

■ **احمد رضا صدری**

شهریورماه، زنده کننده خاطره بسا پیشقراولان انقلاب اسلامی است که شهیدمهدی عراقی نیز در عداد آنان است.او عمر کوتاه اما پر تلاش خود را به مبارزه مداوم گذرانسد و در ادوار مهم تاریخ معاصر چون: نهضت اسلامی، انقلاب اسلامی و ماه‌های حساسین پس از تأسیس نظام اساهی، نقشی نمایان و در مقاطعی کم‌بديل داشت. در مقال یی آمده – که به همین مناسبت تقدیم تان می‌شود– به مدد پاره‌ای اسناد و روایات، بخش‌هایی از سرگذشت وی مورد بازخوانی قرار گرفته‌اند. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقمندان را شفیق و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **«پیشکسوت انقلاب اسلامی» که بود؟**

در آغاز سخن و برای آنان که قهرمان داستان ما را نمی‌شناسد، خوانشی کلی از زندگینامه شهید حاج محمدمهدی ابراهیم عراقی ضروری می‌نماید. از سوی دیگر بازخوانی حیات پر حادثه او، در ادوار روایتی از حدود سه دهه از پرافت و خیزترین امور تاریخ معاصر ایران است. علی‌بخشی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در متن بی‌آمده تلاش کرده تا از «پیشکسوت انقلاب اسلامی»، روایتی کوتاه اما جامع ارائه دهد:

«محمدمهدی ابراهیم عراقی(۱۳۵۸–۱۳۰۹)، از فعالان و مبارزین باسابقه انقلاب اسلامی و از مؤثرترین چهره‌ها در نهضت امام خمینی(ره) است. مهدی عراقی از نوجوانی و جوانی با اشتغال در بازار تهران، فعالیت‌های سیاسی خود را در دهه ۱۳۲۰، در کنار اعضای فدائیان اسلام آغاز کرد. مشارکت در نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران به همراه آیتالله کاشانی و شهیدسید محجتبی نواب صفوی و حضور در فراز و نشیب‌های تشکیلاتی فدائیان اسلام از او فردی با تجربه ساخت. عراقی در سال ۱۳۳۱ و یک سال قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به همراه برخی دیگر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام از این جمعیت جدا شد. وی بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، از فعالیت سیاسی کناره رفت و به فعالیت در کوره پزخانه و استخراج سنگ معدن، در کنار مراسم‌های مذهبی اشتغال داشت. مهدی عراقی در ۱۳۴۰ در مقابله با برخی سیاست‌های رژیم پهلوی همچون لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید – که با مخالف علما از جمله امام خمینی نیز همراه بود – به صنف نهضت اشتغال‌ی پیوست. عراقی از مؤثرترین و فعال‌ترین افراد حاضر در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تهران و قم است که مسئولیت حفاظت از منزل امام خمینی را برعهده داشت. در این دوره با ابتکار وی و موافقت امام، هیئت‌های مذهبی – سیاسی بازار تهران جهت هماهنگی و فعالیت منسجم، در قالب هیئت‌های مؤتلفه اسلامی متشکل می‌شوند. عراقی عضو شورای مرکزی این هیئت‌ها و تشکیل دهنده شاخه نظامی آن است. در سال ۱۳۴۳ با طرح لایحه کاپیتولاسیون و مخالفت صریح امام با آن، مؤتلفه اقدام به اعدام نخست‌وزیر وقت حسنعلی منصور کرد. در بهمن ۱۳۴۳، عراقی به اتهام شرکت در ترور منصور دستگیر و به محرم ابد محکوم شد. او در دوره ۱۳ ساله محکومیت خود در زندان، ضمن مدیریت امور زندانیان مسلمان، رفتاری تسامح‌جویانه با سایر زندانیان دارد. ادامه فعالیت‌های سیاسی عراقی در زندان، منجر به تبعید

مهدی عراقی به همراه فرزندش حسام، در منطقه قلعهک تهران توسط اعضای گروه فرقان ترور و همراه پسرش به شهادت رسیدند…»

■ **شغل اصلی پدرم، «زندانی» بود!**

شهیدمهدی عراقی در مقطع نهضت ملی ایران، پای به مجاهدین خلق، بعد از اعلام رسمی تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم در سال ۱۳۵۴، تلاش برای نجات فریب‌خوردگان سازمان و جلوگیری از جذب افراد جدید توسط آنها بود. وی با روشنگری در نیل به این هدف می‌کوشید و در این برهه او توانست با فعالیت‌های ارشادی خود، برخی از افراد فریب‌خوردگان منافقین را بازگرداند و با نهضت امام پیوند دهد. ساواک در گزارشی درباره این فعالیت‌های حاج مهدی عراقی می‌گوید: «مهدی عراقی آیت‌الله محی‌الدین انواری، مکانسی را در اتاق چهار بند شش زندان اوین، برای رفع اشکالات زندانیان مسلمان و مذهبی به‌وجود آوردند و کلیه زندانیان مذهبی اشکالاتی که از او داشتند و مطالعه کتاب یادداشت و به نزد مهدی عراقی و آیت‌الله انواری می‌بردند و آنها هم این اشکالات را از طریق مباحثات ایدآلیستی و ضدماتریالیستی حل می‌کردند، تا جایی‌که حتی سعی می‌کردند شخص کمونیستی همچون حسین مراد درفولی – که کتابی در مورد زبان، تفکر و شناخت، مطالعه می‌کرد– را تحت تأثیر قرار دهند و به‌سوی خود جذب کنند و تا حدودی در این کار موفق شدند.

همسر شهیدمهدی عراقی نیز در این زمینه می‌گوید: ایشان برخوردشان با همه خوب بود و حتی به دیگران هم توصیه می‌کردند که با همه با روی خوش برخورد کنید. از لحاظ عقیدتی با آنها که تغییر ایدئولوژی داده بودند، صحبت می‌کردند، اما با خوشرویی، چون معتقد بودند که با بدخلقی و اخم نمی‌شود کاری را درست کرد. یک آقای بود از مجاهدین خلق که اسمش را به‌خاطر ندارم، به قدری شیفته اخلاق شهید عراقی شده‌بود که دیگر کارهای خودشان را قبول نداشت و می‌گفت من مدتی در عراق را قبول دارم… همچنین براساس خاطرات اطرافیان حاج مهدی عراقی، یکی از اعضای مجاهدین خلق مدتی بعد از تغییر ایدئولوژی این سازمان، آن قدر شیفته اخلاق مهدی عراقی شده بود که از سازمان مجاهدین جدا شد و به سوی عراقی و نهضت امام خمینی متمایل گردید. ساواک در سال ۱۳۵۵ درباره حاج مهدی عراقی این‌گونه اظهارنظر می‌کند: با مارکسیست و کمونیست مخالف بوده و از نظر عاطفی نسبت به بقایای مجاهدینی که می‌گویند اسلامی خالص هستند، خوش‌بین است…»

■ **مهدی من تو هستی؟ چرا این قدر پیر شده‌ای؟**
حاج مهدی عراقی امام خمینی، پس از آنکه خبر هجرت مراد خویش به نوفل لوشاتو را شنید، رهسپار آن دیار گشت تا پس از سال‌ها مبارزه که وی را پیر کرده بود، با مقتدای خویش دیدار کند. رهبر انقلاب پس از حضور عراقی در نوفل لوشاتو، اداره امور تدارکاتی بیت خویش را به وی سپرد. او از آن پس و جز در مسافرتی کوتاه، در سراسر امام به سر برد و همراه با او به ایران بازگشت. او بعد از آنکه «تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات شهیدمهدی عراقی» از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در این فقره آورده‌اند:

«مبارزات شهید عراقی با رژیم پهلوی، پس از آزادی از زندان بیشتر شد. ابوالفضل توکلی بینا از اعضای مؤتلفه اسلامی، درباره اولین دیدار حاج مهدی عراقی با امام خمینی پس از آزادی از زندان و عزیمت به پارسی می‌گوید: بعد از چند روز که امام به نوفل‌لوشاتو تشریف برده بودند، ما‌ها که به‌دلیل سوابق زندانی بودن مان و پرونده‌های سیاسی که داشتیم، ممنوع‌الخروج بودیم و به هیچ‌قیمت به ما پاسپورت نمی‌دادند، نمی‌توانستیم خدمت ایشان برسیم. به شهید

## د

بعد از ورود عراقی و توکلی بینا به نوفل لوشاتو، امام خمینی عراقی را بسیار مورد لطف و محبت قرار دادند، زیرا این دیدار پس از ۱۴ سال دوری و تحمل زندان و تبعید اتفاق می‌افتاد و عراقی در این مدت، از نظر جسمی ضعیف و شکسته شده بود! امام در حضور جمع، لطف و محبت فرار دادند، زیرا این دیدار پس از ۱۴ سال دوری و تحمل زندان و تبعید اتفاق می‌افتاد و عراقی در این مدت، از نظر جسمی ضعیف و شکسته شده بود! امام در حضور جمع، خطاب به مهدی عراقی می‌گوید: مهدی من تو هستی؟ چرا این قدر پیر شده‌ای؟ اما عراقی در حالی‌که از خوشحالی دیدار با امام اشک می‌ریخت، گفت: من اصلاً پادم نمی‌آید که اتفاقی افتاده است…»

از برآجان برگشتند…»

■ **جون پشتوانه‌ای برای زندانیان مذهبی «مبارز مسلکی» در زندان نیز چون همراه زندگی خویش، مبارزه را فرسو نهاد.**
هم از این روی بود که به تبعید در زندان گسیل شدا وی برای اعتقادات و عوطف زندانیان، به سان پشتوانه‌ای استوار بود و بسا آنان را از التقاط و انحراف مصون نگاه داشت. با این همه در مقام گفت‌وگو با دگراندیشان نیز هیچگاه خوشرویی و تسامح را فرو نمی‌نهاد، خصلتی که عده فراوانی از آنان را مجذوب خویش نمود. مجتبی سلطانی احمدی پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی، در این موضوع می‌نویسد:

«یکی از شیوه‌های مقابله شهید مهدی عراقی با مجاهدین خلق، بعد از اعلام رسمی تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم در سال ۱۳۵۴، تلاش برای نجات فریب‌خوردگان سازمان و جلوگیری از جذب افراد جدید توسط آنها بود. وی با روشنگری در نیل به این هدف می‌کوشید و در این برهه او توانست با فعالیت‌های ارشادی خود، برخی از افراد فریب‌خوردگان منافقین را بازگرداند و با نهضت امام پیوند دهد. ساواک در گزارشی درباره این فعالیت‌های حاج مهدی عراقی می‌گوید: «مهدی عراقی آیت‌الله محی‌الدین انواری، مکانسی را در اتاق چهار بند شش زندان اوین، برای رفع اشکالات زندانیان مسلمان و مذهبی به‌وجود آوردند و کلیه زندانیان مذهبی اشکالاتی که از او داشتند و مطالعه کتاب یادداشت و به نزد مهدی عراقی و آیت‌الله انواری می‌بردند و آنها هم این اشکالات را از طریق مباحثات ایدآلیستی و ضدماتریالیستی حل می‌کردند، تا جایی‌که حتی سعی می‌کردند شخص کمونیستی همچون حسین مراد درفولی – که کتابی در مورد زبان، تفکر و شناخت، مطالعه می‌کرد– را تحت تأثیر قرار دهند و به‌سوی خود جذب کنند و تا حدودی در این کار موفق شدند. همسر شهیدمهدی عراقی نیز در این زمینه می‌گوید: ایشان برخوردشان با همه خوب بود و حتی به دیگران هم توصیه می‌کردند که با همه با روی خوش برخورد کنید. از لحاظ عقیدتی با آنها که تغییر ایدئولوژی داده بودند، صحبت می‌کردند، اما با خوشرویی، چون معتقد بودند که با بدخلقی و اخم نمی‌شود کاری را درست کرد. یک آقای بود از مجاهدین خلق که اسمش را به‌خاطر ندارم، به قدری شیفته اخلاق شهید عراقی شده‌بود که دیگر کارهای خودشان را قبول نداشت و می‌گفت من مدتی در عراق را قبول دارم… همچنین براساس خاطرات اطرافیان حاج مهدی عراقی، یکی از اعضای مجاهدین خلق مدتی بعد از تغییر ایدئولوژی این سازمان، آن قدر شیفته اخلاق مهدی عراقی شده بود که از سازمان مجاهدین جدا شد و به سوی عراقی و نهضت امام خمینی متمایل گردید. ساواک در سال ۱۳۵۵ درباره حاج مهدی عراقی این‌گونه اظهارنظر می‌کند: با مارکسیست و کمونیست مخالف بوده و از نظر عاطفی نسبت به بقایای مجاهدینی که می‌گویند اسلامی خالص هستند، خوش‌بین است…»

■ **کدام آخر**
شاید آنچه که توسط حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در آغاز خطبه دوم یکی از نماز جمعه‌های دهه ۶۰ بیان شد را بتوان یکی از جامع‌ترین تحلیل‌ها در باب زندگی شهید مهدی عراقی قلمداد کرد: «شهیدمهدی عراقی در سه جمله کوتاه، به یاد شما عزیزان بیامرم. یکی از آن چهره‌هایی که برای انقلاب و اسلام می‌سوخت. جوانی‌اش را در راه خدا داد. از لذت‌های جوانی گذشت، با زندان‌ها و سختگیری‌ها و شدت عمل و شکنانه آن رژیم، سینه به سینه مقاومت کرد. همسرش و فرزندان کوچک و خردسالش را تحت تکالت خود و به امید خدا رها کرد و مثل سرباز شجاعی در دل زندان دشمن، خودش را غرق کرد و ۱۳ سال بعد از زندان بیرون آمد. یک چنین انسان فداکاری بود. بعد هم که انقلاب پیروز شد، پرچمی که سال‌های متعددی در دست عراقی و عراقی‌ها بود بر پشتش بام بلند این نظام، این کشور و این ملت، به اهتزاز درآمد. بدون هیچ معمولی یک آدم معمولی می‌تواند انجام بدهد، شد. هر کسی که از او می‌خوانستند، از خدمتکاری بیت امام و اقامتگاه امام از هنگامی که وارد تهران شدند و تا کارهایی که به عهده او گذاشتند. مشغول انجام وظیفه شد و خیلی زود پاداش این صداقت و فداکاری را از خدا گرفت. شهید شد و به لقاء خدا رفت. آنهم نه تنها، فرزند جوانش که در شیرخوارگی رها شده و در جوانی بازپس گرفته بود، را هم با خود به مهمانی و ضیافت‌الهی برد. پاد او گرمی باد. و من از همین جا به خانواده او که زحمت‌های دوران زندان و شکنجه او را با استقامت تحمل کردند و شهادت بزرگوارانه او را با سربلندی پذیرفتند، تبریک و تسلیت عرض می‌کنم…»

عراقی زنگ زدم و به ایشان عرض کردم: من مقداری ناراحتم، برای اینکه می‌بینم نیروهای جبهه ملی، نهضت آزادی و گروه‌های مختلف، دارند به پاریس سرازیر می‌شوند و به دیدن امام می‌روند. نگرانم، نکنند اینها ذهن امام را خراب کنند! گفت: حالا چه می‌خواهی؟ گفتم: با ما هم به دیدار امام برویم. گفت: به ما پاسپورت نمی‌دهند. گفتم: من با یک افسری صحت کردم. مقداری شل شد. مدارکش را آورد. ۲۴ ساعت، توسط آن افسر پاسپورت را گرفتیم و به پاریس رفتیم… بعد از ورود عراقی و توکلی بینا به نوفل‌لوشاتو، امام خمینی عراقی را بسیار مورد لطف و محبت فرار دادند، زیرا این دیدار پس از ۱۴ سال دوری و تحمل زندان و تبعید اتفاق می‌افتاد و عراقی در این مدت، از نظر جسمی ضعیف و شکسته شده بود! امام در حضور جمع، خطاب به مهدی عراقی می‌گوید: مهدی من تو هستی؟ چرا این قدر پیر شده‌ای؟ اما عراقی در حالی‌که از خوشحالی دیدار با امام اشک می‌ریخت، گفت: من اصلاً پادم نمی‌آید که اتفاقی افتاده است…»

■ **در روزهای پیروزی، تلاش و شهادت**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلی دیگر از تلاش بی‌وقفه عراقی آغاز گشت. او هم در مدرسه علوی، هم در بیت امام در قم، هم در زندان قصر، هم در بنیاد مستضعفان و هم در مؤسسه کیهان، بی‌جوی اهداف نظام نوآسیسی گشت که سال‌ها برای برقراری آن مبارزه کرده بود. سرانجام در صبحگاه چهارمین روز از شهریورماه ۱۳۵۸، رستگاری در رسید و او همراه با فرزندش حسام عراقی، توسط گروه فرقان به شهادت رسیدند. در دیباچه اثر «پیشکسوت انقلاب» – که اسناد ساواک او را در بر دارد– آن روزها اینچنین گزارش شده‌اند:

«بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مبارزان مسلمان تحت رهبری روحانیت مبارز به تشکیل حزب جمهوری اسلامی مبادرت ورزیدند، تا از این طریق یک تشکیلات سیاسی و فعلال اسلامی به وجود آورند. شهید عراقی از نخستین ثبت‌نام کنندگان در حزب مذکور بود و با توجه به سابقه مبارزاتی‌اش، در زمره یکی از اعضای ۳۰ نفره شورای مرکزی موقت آن قرار گرفت. او در موقعیت‌هایی دیگر نیز به ایفای نقش پرداخت، مثلاً در مدرسه علوی به رتق و فتق امور پرداخت و پس از شلوع شدن زندان قصر، به حکم امام که ریاست آنجا منصوب شد و پس از چند ماه عضویت شورای مرکزی بنیاد مستضعفان درآمد و در همین سمت بود که به اتفاق حسین مهدیان، سرپرست روزنامه کیهان را بر عهده گرفت. مؤسسه کیهان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ملغمه‌ای از ساواکی، توده‌ای و سلطنت‌طلب… شده بود و حاج مهدی عراقی، مسئولیت سر و سامان دادن به آن را بر عهده گرفت. سرانجام مدت‌ریزادی از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود که وی هدف گلوله کوردلان گروه فرقان قرار گرفت و به شهادت رسید. جزئیات واقعه بدین شرح بود که حاج مهدی هر روز به اتفاق فرزندش حسام، از منزل خود می‌شد و در مسیر به منزل آقای حسین مهدیان می‌رفت، تا همراه با ایشان به مؤسسه کیهان برود. آن روز یعنی چهارم شهریور ۱۳۵۸ش، ماشین آنها در حال حرکت بود که مزورزیادان از فرقان، راه را بر آنها بستند و ماشین را زیر گبار گلوله گرفتند و حاج مهدی و فرزندش را به شهادت رساندند. به فرمان امام، پیکر مطهر شهید عراقی به شهرستان قم منتقل و در تشییع با شاکوچی که شهر نام نیز در آن شرکت کردند، در جوار حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.»

■ **کدام آخر**
شاید آنچه که توسط حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در آغاز خطبه دوم یکی از نماز جمعه‌های دهه ۶۰ بیان شد را بتوان یکی از جامع‌ترین تحلیل‌ها در باب زندگی شهید مهدی عراقی قلمداد کرد: «شهیدمهدی عراقی در سه جمله کوتاه، به یاد شما عزیزان بیامرم. یکی از آن چهره‌هایی که برای انقلاب و اسلام می‌سوخت. جوانی‌اش را در راه خدا داد. از لذت‌های جوانی گذشت، با زندان‌ها و سختگیری‌ها و شدت عمل و شکنانه آن رژیم، سینه به سینه مقاومت کرد. همسرش و فرزندان کوچک و خردسالش را تحت تکالت خود و به امید خدا رها کرد و مثل سرباز شجاعی در دل زندان دشمن، خودش را غرق کرد و ۱۳ سال بعد از زندان بیرون آمد. یک چنین انسان فداکاری بود. بعد هم که انقلاب پیروز شد، پرچمی که سال‌های متعددی در دست عراقی و عراقی‌ها بود بر پشتش بام بلند این نظام، این کشور و این ملت، به اهتزاز درآمد. بدون هیچ معمولی یک آدم معمولی می‌تواند انجام بدهد، شد. هر کسی که از او می‌خوانستند، از خدمتکاری بیت امام و اقامتگاه امام از هنگامی که وارد تهران شدند و تا کارهایی که به عهده او گذاشتند. مشغول انجام وظیفه شد و خیلی زود پاداش این صداقت و فداکاری را از خدا گرفت. شهید شد و به لقاء خدا رفت. آنهم نه تنها، فرزند جوانش که در شیرخوارگی رها شده و در جوانی بازپس گرفته بود، را هم با خود به مهمانی و ضیافت‌الهی برد. پاد او گرمی باد. و من از همین جا به خانواده او که زحمت‌های دوران زندان و شکنجه او را با استقامت تحمل کردند و شهادت بزرگوارانه او را با سربلندی پذیرفتند، تبریک و تسلیت عرض می‌کنم…»

## پیشخوان

نظری بر اثر تاریخی «شریعتی به روایت اسناد ساواک»

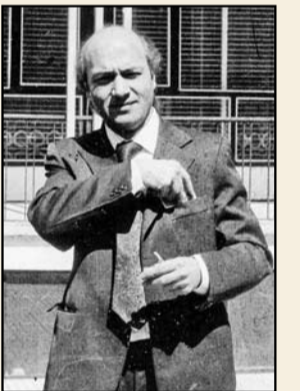
### رصد سال‌ها دغدغه به دست یک نهاد امنیتی

■ شاهد توحیدی



اثری که اکنون در معرفی آنیم، دکتر علی شریعتی را در آینه اسناد ساواک به مخاطب بازمی‌نماید. این کتاب که در سه جلد سامان یافته، به دست مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر

یافته است. تاریخ‌نامی ناشر در یادداشتی در باب این مجموعه، به نکات ذیل آمده اشارت برده است: «شخصیت دکتر علی شریعتی به عنوان یکی از افراد شاخص در تاریخ معاصر ایران، همواره در حوزه عمل و اندیشه، موضوع مناقشه جدی میان موافقین و مخالفین بوده است، از این رو رسیدن به یک تصویر واقعی از شریعتی، نیازمند مطالعه دقیق تمام ابعاد زندگی سیاسی و اجتماعی اوست. یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت شریعتی، اسناد به‌جامانده از دوران پهلوی است که حاوی نکات مهم و ارزنده تاریخی برای محققین و علاقه‌مندان به تاریخ است، از این رو مجموعه شریعتی به روایت اسناد ساواک که توسط مؤسسه فرهنگی – هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده، برای استفاده علاقه‌مندان و محققین معرفی می‌شود. اثر سه‌جلدی شریعتی به روایت اسناد ساواک که در سال ۱۳۹۷ بعد از ۲۰سال به چاپ دوم رسید، دارای بیش از ۲هزار برگ سند از اسناد ساواک درباره دکتر علی شریعتی است. این مجموعه تمام پرونده شریعتی در ساواک را پوشش داده است. جلد اول مجموعه شریعتی به روایت اسناد ساواک، فعالیت‌های وی از سال ۱۳۳۶ تا پایان سال ۱۳۵۰ را روایت می‌کند که موضوعات مهمی چون: فعالیت‌ها و دستگیری شریعتی در دهه ۳۰، بورس تحصیلی



۱۲۵۴.دکتر علی شریعتی

پس از آزادی از زندان ساواک

وی به خارج از کشور، بازگشت به ایران و تدریس در دانشگاه مشهد از آن جمله است. یکی از اسناد قابل تأمل در جلد اول کتاب، نامه معروف ۴۰صفحه‌ای شریعتی با عنوان شناسنامه یک زندگی است که گفته می‌شود این نامه را به ساواک فرستاد تا در آن زندگینامه، شخصیت، دیدگاه‌ها و اهداف خود را ترسیم کند. جلد اول این اثر در ۴۸۰صفحه چاپ و منتشر شده است. اسناد مربوط به شریعتی در جلد دوم این مجموعه، سال‌های ۱۳۵۱ تا پایان سال ۱۳۵۵ را در برمی‌گیرد که بخش عمده‌ای از آن به گزارش‌های ساواک از سخنرانی‌های دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد اختصاص دارد. همچنین گزارش‌های متعددی از ساواک، درباره نامه‌ها، مقالات و کتاب‌های شریعتی در جلد دوم مشاهده می‌شود. جلد دوم این اثر نیز در ۶۱۲صفحه منتشر شده است. گزارش‌های سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ ساواک درباره شریعتی، محتوای اسنادی جلد سوم این مجموعه است. از

مهم‌ترین اسناد جلد سوم، می‌توان به سفر شریعتی به انگلیس و درگذشت مشکوک وی و پیامدهای این‌ واقعه در فضای سیاسی اجتماعی آن روز اشاره کرد. علاوه بر این انتشار اسناد لاتین، یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این مجلد است که در آن جزئیات گزارش‌های بیمارستان ساوتهمپتن انگلیس از مرگ شریعتی روایت شده است. یکی از اسناد جالب این جلد از کتاب، گزارش تشییع و تدفین پیکر دکتر شریعتی است که در آن شخصیت‌هایی همچون امام موسی صدر و دکتر مفتح به همراه خانواده شریعتی و افرادی نظیر ابراهیم یزدی، سیدمحمد دعایی، سیدصادق طباطبایی و صادق قطب‌زاده حضور داشتند. جلد سوم این مجموعه، دارای ۵۲صفحه است. اثر سه‌جلدی شریعتی به روایت اسناد ساواک در هزار شماره و با قیمت دوره ۱۲۰هزار تومان، از سوی مؤسسه فرهنگی – هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.



### توصیفات ماندگار جلال آل احمد از زندگی و زمانه ابراهیم گلستان

## «اشرف مخلوقات»

## نانخور کنسر سیوم نفتی!

■ **نیما احمد پور** روزهای گذشته خبر آمد که ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلمساز نامدار ایرانی در لندن به درود حیات گفته است. او در عداد روشنفکرانی بود که دست‌کم در چهار دهه اخیر در معرض داوری‌های متنوع و ضدو تقیض قرار داشت، هم

از این روی گفتن و نوشتن از وی، چیز تازه‌ای قلمداد نمی‌شود. شاید در چنین موسمی، بهتر آن باشد که در میان هر آنچه گفته شده، یکی از برعیار ترین‌ها را برگزینیم و به خوانش تحلیلی آن بنشینیم. به باور بسا شاهدان، نگاشته‌ی یک «چاه و دوچاله» جلال آل‌احمد در بازشناخت ابراهیم گلستان یکی از بهترین‌هاست، چه اینکه اولاً او را از بدو و فعالیت سیاسی و حزبی دیده و توصیف کرده و ثانیاً تا فرازهای مهمی از زندگی وی، از جمله سفارش‌ی‌سازی برای کنسر سیوم نفتی تداوم یافته است. توصیفات وی از خلقیات و شخصیت گلستان نیز موشکافانه می‌نماید. در مقال پی آمده، بخش‌هایی از این مقال مطول و خواندنی، مرور و تحلیل شده است. ■ ■ ■

■ **آشنایی در حزب همسایه‌شمالی!**

ابراهیم گلستان از بقایای نسلی بود که در پی شهریور ۱۳۲۰، تمرین بودن و شدن را در حزب توده آغاز کرد. در آن دوره به‌روز بودن و تعلق به تجدد، به این شکل معنا می‌شد. ایاپی بود به سوی دیار و راهی بود به سوی این حزب و اغلب جوانان به دومین میل می‌کردند. آشنایی نخیشان این نسل با یکدیگر – که شماری از آنان در آینده، از طلابداران فرهنگ ایران شدند- نیز در همان کانون صورت گرفت. آل‌احمد و گلستان، نخست‌توده‌ای شدند. هر دو از اهالی نوشتن بودند و خوش‌ذوق در سوژه‌یابی و ترسیم فضای‌ها. هر چند در آینده راه خویش را از هم جدا کردند: «با گلستان نیز از همان سال‌های ۲۴ و ۱۳۲۵ آشنا بودیم و در همان ماجراهای سیاسی، او اخبار خارجی رهبر را درست می‌کرد و این قلم مجله مردم را می‌گرداند و دیگر کار‌های مطبوعاتی‌ی‌پراکنده. بیشتر برای دانشجویان و ترجمه‌ای و قسه‌ای و از این قبیل. همان ایام یک روز گلستان یک مخبر فرنگی را برداشت و آورد و در حوزه‌ای که صاحب این قلم اداره‌اش می‌کرد. از همان ایام انگلیسی را خوب

مهم‌ترین اسناد جلد سوم، می‌توان به سفر شریعتی به انگلیس و درگذشت مشکوک وی و پیامدهای این‌ واقعه در فضای سیاسی اجتماعی آن روز اشاره کرد. علاوه بر این انتشار اسناد لاتین، یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این مجلد است که در آن جزئیات گزارش‌های بیمارستان ساوتهمپتن انگلیس از مرگ شریعتی روایت شده است. یکی از اسناد جالب این جلد از کتاب، گزارش تشییع و تدفین پیکر دکتر شریعتی است که در آن شخصیت‌هایی همچون امام موسی صدر و دکتر مفتح به همراه خانواده شریعتی و افرادی نظیر ابراهیم یزدی، سیدمحمد دعایی، سیدصادق طباطبایی و صادق قطب‌زاده حضور داشتند. جلد سوم این مجموعه، دارای ۵۲صفحه است.

اثر سه‌جلدی شریعتی به روایت اسناد ساواک در هزار شماره و با قیمت دوره ۱۲۰هزار تومان، از سوی مؤسسه فرهنگی – هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. اثر سه‌جلدی شریعتی به روایت اسناد ساواک، فعالیت‌های وی از سال ۱۳۳۶ تا پایان سال ۱۳۵۰ را روایت می‌کند که موضوعات مهمی چون: فعالیت‌ها و دستگیری شریعتی در دهه ۳۰، بورس تحصیلی

## سارویخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



خرداد۱۳۴۰.جلال آل احمد،سیدمین دانشور،ابراهیم گلستان وفخری گلستان در سفر به شمال کشور

آل احمد در کردار گلستان ویژگی‌هایی را می‌بیند که به نظر می‌رسد عوامل ناکامی‌ها یا بی‌عملی‌های او در سالیان بعد بوده است. از قضا در امسال، جلال آل احمد ۱۰۰ساله می‌شود و فروغ فرخزاد حدوداً ۹۰ساله، اما آنان که سالیان طولانی است دنیای ما را ترک کرده‌اند، همچنان در زمره فعالان فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم و در جامعه خویش زنده‌اند! در این میان اما سال‌ها بود که از گلستان خبری نمی‌آمد یا دست‌کم، گاهی از او سخنی در تخطئه این و آن منتشر می‌شد

«اولین تجربه جدی آن ما با گلستان، در خود داستان انشعاب بود. او با ما بود، اما با ما نیامد.

ما که انشعاب‌مان را کردیم، او تنها رفت و کاغذ استفغایی به حزب نوشت و درآمد که بله چون نزدیک‌ترین دوستان من رفتند، دیگر جای من هم اینجا نیست. اعتراف می‌کرد که به اتکای ما در آن ماجرا بوده است، اما بیش از آن خودبین بود که همراه جمع بیاید و گننام بماند. آخر خلیل ملکی سر کرده ما بود و او ناچار مثل من دست دوم و سوم می‌ماند، با این همه تنهایی سال‌های ۲۷ تا ۱۳۲۹ را ما در حضور انس یکدیگر درمان کرده‌ایم و این‌ سا که می‌گویم، ملکی است و دکتر عابدی و او و صاحب این قلم، فکرش را که می‌کنم، می‌بینم اگر خانه این سه نفر که شمردم در آن سال‌ها پناهگاه آواره‌ای که من باشم نبود، ممکن بود در آن بی‌ثمری و کوتاهدستی دق کرده باشم یا هر یئینی و تریاکی شده باشم. تا گلستان به آبادان رفت، یعنی از این‌ تنهایی و بی‌ثمری ما در تهران، به آبادان گریخت، ولی مکاتبه‌مان برقرار بود و چه مکاتبه‌ای! فحش‌نامه‌های او و نصیحت‌نامه‌های در آمده از زسر این قلم. اگر روزگاری کاغذهای آن زمان او را چاپ کنیم، مطالعه‌کار ی‌کنم. بزوجه هم داشت و بعد مازندران بود و آن داستان سیاست و بعد که به تهران برگشت، بالای خانه‌ای می‌نشت که دکتر عابدی منزل داشت و خانه این هر دو یکی از باتوق‌های ما بود. ما آدم‌های بی‌خانم. سرمان را می‌زدی یا تهمان را، آن‌جا بودیم و بعد گلستان به آبادان که رفت، باز اول نگ نبودیم و اگر او به آبادان نرفته بود، حالا روزگارش بهتر بود اما به آبادان کار خودش را کرد، یعنی گلستان خل شد.(تکیه کلامی که او خود به دیگران اطلاق می‌کند) و اثر این خل شدن را پیش از همه، این صاحب قلم در سرش دید که چیزی نوشت درباره شکار سایه و کشتی شکسته‌ها…»

■ **چشم و گوش گلستان در پیچه‌هایی بود به درون خویش باز، نه به دنیای خارج!** ابراهیم گلستان پس از کودتای ۲۸مرداد و انعقاد کنسر سیوم نفتی به کسوت سفارشی‌ساز آن پروژه در آمد! این اقدام برای او که به هر روی از وطن دوستی دم می‌زد و ظاهراً پیش‌تر هم به همین دلیل حزب توده را ترک گفته بود، در حکم نوعی چرخش به شمار می‌رفت، هم از صحن قلم یک ویرانه گشت پیش می‌رفت که در نهایت یک روز درآمد که برو فلان چسک را از صندوق باز کرده بود، اما در حقیقت هنوز سفارش پذیر انحصاری کنسر سیوم بود. معلوم بود که داند

پیش‌قسط می‌دهند و معنی نداشت پیش‌قسط گرفتن برای کاری که قراردادی برایش نوشته نبود. ناچار نرفتم. دوسه بار دیگر تلفن کرد که باز خودم نرفتم. تا آخر درآمد که چکی است و نوشتی شده و نمی‌شود برش گرداند و از این حرف‌ها و تو نگیری سوخت می‌شود. این استدلال کودکانه، عاقبت از سوراخ احتیاج وارد این گوش شد و رفتم و چک را گرفتم. ۳هزار تومان بود، خردای کم‌تر. بابت مالیات و از این حرف‌ها و پول، بول، بول کلانی بود. بزرگ‌ترین حق‌التحریری که تا آن وقت گرفته بودم که عجب غلطی بود! و به چه زخمی زبانی؟ البته؟ باهاش خانه‌مان را رنگ کردیم. ستر تا پا، باه. روشنفکرها را همین جوری‌ها می‌خوند…»

■ **کلام آخر**

اشاره کردیم که جلال آل احمد همکاری با ابراهیم گلستان در سفارشی‌سازی برای کنسر سیوم را چاه زندگی خویش می‌انگارد تا جایی که خود را متقاعد کرده که در این بساره صفحائی فراوان نبوسسد. او از این موضوع نتیجه‌ای می‌گیرد که آن را در صدر مقال خود می‌آورد، اما از آن روی که بیان داستان مقدم بر نتیجه‌گیری است، آن را ختام مقال خویش قرار داده‌ایم:

«و چاله را گلستان در راه این قلم کند. از تجربه با هم‌ایین به دست آمد که حساب کار قلم را باید از هر حسابی جدا کرد. از حساب تیراژ بزرگ – درآمد و ناشر مغبون و از این مزخرفات. اما با گلستان این تجربه حاصل شد که حساب قلم را از حساب دوستی‌ها نیز باید جدا کرد. دوستی، آمیزد اما را از تنهایی درمی‌آورد، اما قلم او را به تنهایی برمی‌گرداند. به آن تنهایی که جمع است. به بازی قدما. قلم این را می‌خواهد که چه مستبدی است. دوستی تو را و رعایت تو را هیچ کس تحمل نمی‌کند…»

۱ – زندگی‌کوتاه فرنیسیس مکومبر، چاپ

امیرکبیر، سال ۲۷ یا ۲۸ یا ۲۹، یادم نیست.

## جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۸۲۷

درد

سال مزدوری، یک عمر سر پای خود ایستادن. غافل از اینکه راه‌ها، تقوای بیشتری را درخوردند تا هدف‌ها. خود این قلم، یک بار مزدوری را در حدود هزار تومان سنجیده بود و حالا او داشت زیر بار میلیون‌ها می‌رفت. آخر این هم هست که آدم‌ها متفاوتند و برداشت‌ها و معنی لغات از این کس تا به دیگری، یک دنیا فرق می‌کند. به هر صورت لال که نمی‌نشتیم. گپی می‌زدیم، او همیشه تشویقی به زیر بالش را گرفتن و الخ… و از ما نمودن راهی و تخیذری، اما چشم و گوش گلستان در پیچه‌هایی بود هم به درون خویش باز، نه به دنیای خارج. آنقدر کم عالم خلقت بود که تصورش را نمی‌شود کرد. من هیچ کس را آنقدر اشرف مخلوقات ندیده‌ام…»

■ **روشنفکرها را همین جوری‌ها می‌خردند!** جلال آل احمد چاه زندگی خود را همکاری کوسه و مقطعی بسا ابراهیم گلستان در فقره سفارشی‌سازی برای کنسر سیوم قلمداد و از آن بابت، خود را سرزنش می‌کند. او تصریح داد که به دعوت گلستان به جزیره خارگ رفته و طی آن سفر، مشاهدات خویش را به رشته تحریر درآورده است. رئیس انتشارات کنسر سیوم از ماجرا بو می‌برد و سعی می‌کند نوشته‌های او را پیش‌خرد کند! آل احمد نمی‌پذیرد، اما نهایتاً ناگزیر از پذیرش چکی می‌شود که آن اداره برای او صادر کرده است:

«تا یک روز درآمد که بیا برو خارگ. برسیدم که چه؟ معلوم نشد. چیزهایی البته که گفت، اما نه به صراحت. قرار بود از لوله‌کشی نفت به خارگ فیلم بردارند و بفهمی نفهمی این را هم گفت که ممکن است مطالعه من به کار تهیه عکس‌ها و فیلم‌ها بخورد و صاحب این قلم البته که گفت گفتار نویس فیلم دیگران نیست، اما به هر صورت سفرفی بود و این تن مرده سفر، همیشه پا به رکاب بود. به خرج کنسر سیوم و به همان تشریفات که دیگران می‌رفتند. دیداری بعد قلم زدن‌ها، به محض مراجعت سه‌چهار هزار کلمه‌ای به دستش دادم که طرح اولیه کار خارگ، حرف و سخن با گلستان بود، اما البته که طرح اصلی کنسر سیوم بود و همه چیز قرار و قاعده لازم داشت و طرح و پیش‌بینی مخارج، حتی کتاب نوشتن. تا دوسه هفته بعد یک روز تلفن کرد که ریپتون می‌خواهد تو را ببیند؛ رئیس انتشارات کنسر سیوم که دو سه بار خانه گلستان دیده بودیمش. مردی بود فرانسوی و پلی‌تکنیک مشغول معلوم نیست چه از آب دربیاید. داشت. معلوم بود که طرف اصلی می‌خواهد این کتاب‌نویس درباره خارگ را ببیند و بشناسد که آخر قراری و از این حرف‌ها و رفتم. درآمد که شنیده‌ایم مشغول کتابی درباره خارگ هستید؟ گفتم درست است. گفت دل‌تان نمی‌خواهد قرار و مدار ی‌بگذاریم و مثلاً کنترتی؟ گفتم راستش این قلم تا کنون به سفارش کار نکرده. گذشته از اینکه معلوم نیست چه از آب دربیاید. گفت پس چه کنیم؟ گفتم بسیار متشکر از آن سفر و از آن امکان‌ها که دادید برای مطالعه، ولی بهتر است صبر کنیم تا کار بی‌عجله تمام بشود و بی‌اجبار یک وظیفه سفارشی. آن وقت اگر به دردتان خورد، مال شما، وگرنه مال خودم. ریپتون پسندید و خداحافظ شما و این قضیه مال سال ۳۸ بود و این قضایا بود و بس و کار خارگ پیش‌قسط بود و این قضا یا بود که در نهایت یک روز درآمد که برو فلان چسک را از صندوق باز کرده بود، اما در حقیقت هنوز سفارش پذیر انحصاری کنسر سیوم بود. معلوم بود که داند

پیش‌قسط می‌دهند و معنی نداشت پیش‌قسط گرفتن برای کاری که قرارداد ی برایش نوشته نبود. ناچار نرفتم. دوسه بار دیگر تلفن کرد که باز خودم نرفتم. تا آخر درآمد که چکی است و نوشتی شده و نمی‌شود برش گرداند و از این حرف‌ها و تو نگیری سوخت می‌شود. این استدلال کودکانه، عاقبت از سوراخ احتیاج وارد این گوش شد و رفتم و چک را گرفتم. ۳هزار تومان بود، خردای کم‌تر. بابت مالیات و از این حرف‌ها و پول، بول، بول کلانی بود. بزرگ‌ترین حق‌التحریری که تا آن وقت گرفته بودم که عجب غلطی بود! و به چه زخمی زبانی؟ البته؟ باهاش خانه‌مان را رنگ کردیم. ستر تا پا، باه. روشنفکرها را همین جوری‌ها می‌خوند…»

■ **کلام آخر**

اشاره کردیم که جلال آل احمد همکاری با ابراهیم گلستان در سفارشی‌سازی برای کنسر سیوم را چاه زندگی خویش می‌انگارد تا جایی که خود را متقاعد کرده که در این بساره صفحائی فراوان نبوسسد. او از این موضوع نتیجه‌ای می‌گیرد که آن را در صدر مقال خود می‌آورد، اما از آن روی که بیان داستان مقدم بر نتیجه‌گیری است، آن را ختام مقال خویش قرار داده‌ایم:

«و چاله را گلستان در راه این قلم کند. از تجربه با هم‌ایین به دست آمد که حساب کار قلم را باید از هر حسابی جدا کرد. از حساب تیراژ بزرگ – درآمد و ناشر مغبون و از این مزخرفات. اما با گلستان این تجربه حاصل شد که حساب قلم را از حساب دوستی‌ها نیز باید جدا کرد. دوستی، آمیزد اما را از تنهایی درمی‌آورد، اما قلم او را به تنهایی برمی‌گرداند. به آن تنهایی که جمع است. به بازی قدما. قلم این را می‌خواهد که چه مستبدی است. دوستی تو را و رعایت تو را هیچ کس تحمل نمی‌کند…»

۱ – زندگی‌کوتاه فرنیسیس مکومبر، چاپ

امیرکبیر، سال ۲۷ یا ۲۸ یا ۲۹، یادم نیست.

هم می‌شود. گویا کلاس اول یا دوم دانشگاه (رشته حقوق) بود که معلومات زده بود زیر دلس و رفته بود مطالعه‌کار ی‌کنم. بزوجه هم داشت و بعد مازندران بود و آن داستان سیاست و بعد که به تهران برگشت، بالای خانه‌ای می‌نشت که دکتر عابدی منزل داشت و خانه این هر دو یکی از باتوق‌های ما بود. ما آدم‌های بی‌خانم. سرمان را می‌زدی یا تهمان را، آن‌جا بودیم و بعد گلستان به آبادان که رفت، باز اول نگ نبودیم و اگر هنوز شخصی در عده‌ای از ما بچه‌های آن دوره بیدار است و زنده است، این زندگی و بیداری را ما در آن سال‌ها به یاد ندارم و آن که ادا دارم، کار و پرداخت‌های و دیگران به بی‌اعتنایی و برداری، همدیگر را به آدم‌ها راهنما بوده‌ایم و به کتاب‌ها و به ایده‌ال‌ها. به کمک هم از مضمه‌ها می‌گریخته‌ایم و از چاله‌ها. به اتکای ما در سالیان بعد بود و مجال گوش دادن

■ **به دیگری را ندانشت!** یکی از مهم‌ترین فرازهای مقاله «یک چاه و دو چاله»، آنجاست که نویسنده به توصیف خصال گلستان می‌نشیند. او در کردار وی ویژگی‌هایی را می‌بیند که به نظر می‌رسد عوامل ناکامی‌ها یا بی‌عملی‌های او در سالیان بعد بوده است. از قضا در امسال، جلال آل احمد ۱۰۰ساله می‌شود و فروغ فرخزاد حدوداً ۹۰ساله، اما آنان که سالیان طولانی است دنیای ما را ترک کرده‌اند، همچنان در زمره فعالان فرهنگ و ادبیات هستند! در این میان اما، سال‌ها بود که از گلستان خبری نمی‌آمد یا دست‌کم، گاه از او سخنی در تخطئه این و آن به گوش می‌رسید: «گلستان مثل همه ما فعال بود، اما نوعی خودخواهی نمایش‌دهنده داشت که کمتر در دیگران می‌دید. همیشه متکلم‌وحده بود. مجال گوش دادن به دیگری را نداشت. اینها را هنوز هم دارم، اما باهوش بود و پلادوق خوب می‌نوشت و خوب عکس می‌داشت. برای یکی از خرک‌کاری‌هایی که این قلم کرده است (شرح حال نوشتن برای اعضای کمیته مرکزی حزب توده که در شمار‌های مجله مردم مرتب درآمد) او عکس برداشته بود. قلم هم می‌زد. تر جمه هم می‌کرد و اغلب را خوب و گاهی بسیار خوب. حسش این بود که تفتن می‌کرد (مثل حالا نبود که از این راه‌ها نان بخواد بخورد) و ناچار فرصت مطالعه داشت. تحمل شنیدن دو کلمه حرف حساب را داشت، اما حیف که درست و حسابی درس نخوانده بود، یعنی تحمل نیاموخته بود. ناچار نخوانده ملا بود و چنین آدمی به هر صورت اورژنیال

■ **گلستان نشان داد، گاهی چه قدر تهای دست و پایسته‌ای در درون یک آدم، به صورت چاشنی بمبی حبس می‌شود!** یکی از تجربیات مشترک گلستان و آل‌احمد، ماجرای انشعاب آنان به همراه دوستان شان از حزب توده است. جلال روایت می‌کند که گلستان از سر تکروی ذاتی و اینکه در آن رویداد نافر اول قلمداد نمی‌شد، به تنهایی استعفا کرد و حاضر نشد پیشکسوتی خلیل ملکی را بپذیرد، با این همه رابطه دوستانه آنان ادامه یافت، همراه با فراز و نشیب‌هایی که از آن سخن به میان آورده است:



همه ۹۰.ابراهیم گلستان در لندن

با نزدیک شدن به ایام اربعین و حماسه پیاده‌روی میلیونی آن، حال و هوای دل‌های عاشقان حسینی تغییر می‌کند. انگار مغناطیس عشق حسین (ع) همه دل‌ها را به سوی خود می‌کشد و همه بی‌قرار حضور و اقامه این حرکت عظیم هستند؛ سفری که قطعاً ساده نیست و سختی‌های خودش را دارد، اما عشقی که در ورای آن نهفته است، راه را هموار و مسیّر را لذتبخش می‌کند. در این میان بسیاری از استادانی همچون حجت‌الاسلام پناهیان توصیه می‌کنند به صورت خانوادگی سفر اربعین را برگزار کنید، اما برخی هم اشکالاتی به حضور بانوان وارد می‌کنند و معتقدند شرکت در پیاده‌روی اربعین سفری زنانه نیست. زینب غروی از خادم دوزبانه‌ای است که طی سال‌های اخیر افتخار داشته در ایام اربعین خدمتگزار زوار امام حسین(ع) باشد و در چنین ایامی در حرم حسینی حضور داشته باشد. از نگاه این خادم زوار اربعین، حق خانم‌ها و فرزندان آنهاست که پیاده‌روی اربعین را بروند و یک سال خودشان و فرزندان‌شان را بیمه‌کنند و حضور اجتماعی-سیاسی و هر آنچه را یک زن می‌تواند داشته باشد در همین پیاده‌روی اربعین برای چینیان به نمایش بگذارند، چون هدف الهی است و اطاعت از امام معصوم(ع) است چراکه ظهور هم یک همایش خانوادگی است.

■ ■ ■

**خانم غروی شما به عنوان خادم دوزبانه افتخار این را داشته‌اید برای چند سال در ایام اربعین در حرم امام حسین(ع) خدمتگزار اربعین در حرم امام حسین(ع) خدمتگزار خودتان و خادم‌های دوزبانه بفرمایید؛ اینکه اصالتاً شما اهل کجاست، ایران یا عراق و چرا به هر دو زبان و هر دو فرهنگ تسلط دارید؟**

خادمان دوزبانه اربعین خانواده‌هایی هستند که در زمان حکومت مدام به دلیل اینکه هویت ایرانی داشتند، آنها را عراق اخراج کردند. اکثر این افراد خانواده علما هستند. همچنان که می‌دانید پیشتر علما که در عراق زندگی می‌کنند، ایرانی هستند. این خانواده‌ها به خاطر آنکه ریشه‌های ایرانی داشتند از عراق اخراج شدند و آمدن آنها توسط رژیم بعث صدام مصادره شد. این افراد بدون هیچ چیز به ایران برگشتند، اما از برکت اهل بیت(ع) و از آنجا که خدا چشمش به کسانی است که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، همه این افراد و خانواده‌ها در ایران تشکیل خانواده دادند و ساکن شدند و در واقع به ایران بازگشتند. این خانواده‌ها به دلیل آنکه هم هویت ایرانی داشتند و هم سال‌ها در آنجا زندگی کرده‌اند.

**درواقع ایمن خانواده‌ها عشق‌ی دوطرفه به کشور‌های ایران و عراق دارند و هر دو را وطن خود می‌دانند. درست است؟**

بله دقیقاً، این گروه از خادمان با ایمن آمادگی قلبی به عراق می‌روند. ابتدا، ۴۰ خادم دوزبانه داشتیم اما هر سال تعداد خادم‌ها بیشتر می‌شود.

**اهمیت حضور خادم‌ان دوزبانه به خصوص خادم‌های خانم‌ر در چه می‌دانید؟**

از آنجا که این خدام تعامل‌شان با ایرانی‌ها مثل یک هموطن است، مشکلات خانم‌های زائر خیلی کمتر می‌شود. خانم‌های زائر تمام سختی و زنجی که در طول ۸۰ کیلومتر پیاده‌روی دچار شده‌اند، وقتی وارد حرم می‌شند با خادمی مواجه می‌شند که زبان‌شان عربی

## نگاه

در حماسه حسینی آن کسی که بیش از همه این درس را آموخت و بیش از همه این پرتو حسینی بر روح مقدس او تابید، خواهر بزرگوارش زینب(س) بود. راستی که موضوع عجیبی است: زینب(س) با آن عظمتی که از اول داشته است- و آن عظمت را در دامن زهر(س) و از تربیت علی(ع) به دست آورده بود- در عین حال زینب(س) بعد از کربلا با زینب(س) قبل از کربلا متفاوت است، زینب زینب(س) بعد از کربلا یک شخصیت و عظمت بیشتری دارد.

ما می‌بینیم در شب عاشورا زینب(س) یکی دو نوبت حتی نمی‌تواند جلوی گریه‌اش را بگیرد. یک بار آنقدر گریه می‌کند که روی دامن حسین(ع) بیبوه می‌شود و حسین(ع) صحبت‌های خودش زینب(س) را آرام می‌کند: «لَا يَهْدِيَنَّ جَمَلُكَ الشَّيْطَانُ»؛ خواهر عزیزم! مبادا وسوس شیطانی بر تو مسلط بشود و حلم و تاب بردارد. صبر و تحمل را از تو برباید. وقتی حسین(ع) به زینب(س) می‌فرماید که چرا این طوری می‌کنی، مگر تو شاهد ناظر وفات جدم بودی؟ جد من از من بهتر بود، پدر ما از ما بهتر بود، برادران من هم طور، مادران همین طور، زینب(س) با حسین(ع) اینچنین صحبت می‌کند: برادر جان! همه آنها اگر رفتند بالاخره من پناهگاهی غیر از تو داشتم، ولی با رفتن تو برای من پناهگاهی باقی نمی‌ماند. اما همین که ایام عاشورا سبّی می‌شود و زینب(س)

بود و متوجه زبان آنها نبودند و شاید نمی‌توانستند به خوبی با خادم‌ها تباط برقرار کنند، اما خانواده خادم‌های دوزبانه خانم می‌توانند از تباط خوبی با این زوار برقرار کنند چراکه هم به زبان فارسی و هم عربی مسلط هستند، آنها با فرهنگ، آداب و رسوم هر دو کشور آشنایی دارند. در واقع این خادم‌ها یک عرق دوطرفه دارند و هم ایران و هم عراق را وطن خود می‌دانند و با فرهنگ دو طرف هم آشنا هستند و این آشنایی با فرهنگ بسیار مهم است.

**طی سال‌های اخیر یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود و موافقان و مخالفانی دارد، برخی از علما و بزرگان معتقدند این حضور باید باشد، اما هم به صورت خانوادگی، برخی دیگر مسائلی همچون اختلاط و شلوغی‌های اربعین، سفر اربعین اصولاً سفری زنانه نیست و خانم‌ها نباید در این سفر حضور داشته باشند. نظر شما در این رابطه چیست؟**

حضور خادم‌های خانم با تمام آن عاطفه، عشق و فطرت زنانه‌ای که دارند، در ایجاد آرامش برای زوار، بسیار نقش مهمی دارد، به خصوص در آن حجم زائر در اربعین در قسمت خانم‌ها مشکلات بسیار بیشتری نسبت به قسمت آقایان وجود دارد، چراکه خانم‌ها اغلب فرزند و وسیله همه راه خود دارند. پس حضور یک خادم متصل و مقدر که خدا را در نظر گرفته باشد و زائر را در آغوش بگیرد و آرام کند، ضروری است. در چنین صورتی ما چگونه می‌توانیم به حضور بانوان در اربعین خدشهای وارد کنیم، البته خانم‌های خانم در حرم‌ها مستقر هستند و خارج نمی‌شوند و ازدحام جمعیت برای خانم‌های خادم به وجود نمی‌آید.

**درباره خانم‌های دیگر چطور؟ آیا از نگاه شما به عنوان کسی که این سفر و این حضور را درک کرده‌اید، حضور خانم‌ها در مراسم اربعین منعی دارد؟**

من خودم سال گذشته فرزند یک ساله داشتم که به سفر اربعین رفتم. شرایط سخت است اما در حال حاضر منابر ما اینچنان پر نور است و مخاطبان منابر اینچنان گامگند که کاملاً واضح شده است که الان حضور خانم با فرزند و به صورت خانوادگی در این پیاده‌روی، حرکتی است که در کل سال بی‌نظیر است و دلیل آن هم همین خانوادگی بودن و با حضور خانم‌ها و بچه‌هاست، این راه هم واقفند. شاید این مورد سؤال باشد که آیا حضور یک زن در آن شلوغی مخصوصاً زمانی که وارد شهر کربلا می‌شویم با ازدحام روبه‌رو می‌شویم و همه در کنار هم قرار می‌گیرند درست است یا نه؟ اما به نظر من اینجا مانند حج می‌ماند. آنجا دیگر مرد و زنی وجود ندارد و همه گرد کعبه و گرد خدا می‌گردند و از همه چیز کنده شده‌اند. اگر چنین قوت‌قلب‌هایی به خانواده داده شود و این موضوع واضح شود، حتی اگر با ازدحام جمعیت روبه‌رو شوید، در آن لحظه قلب‌ها رهاست و آنقدر همه به گرد آن امام معصوم(ع) می‌گردند که قلب‌ها الهی و نفس‌های و حضور الهی است، دیگر هیچ چیزی به جز یک فضای معنوی وجود ندارد. انگار این برای ما خواسته شده و این برای ما لازم است، به همین خاطر ما می‌بینیم که

## عشق

وقتی حجم زائر رادر پشت ورودی‌های مرز در آن آفتاب و در آن شرایط سخت می‌بینید، شاید برخی بپرسند چرا باید این همه مشقت و سختی را تحمل کنند؟ حتی شاهد بودم که بچه‌های کوچک چندماهه را به سرپا زان لب مرز می‌دادند که فقط زنده بمانند! این ا حساس از عشق، یک چیز ربانی از طرف خداست

## زنان

سرویس اجتماعی۶۰۴۰۰۵۲۳۲۸۸

گفت‌وگوی «جوان» با خادم دوزبانه زوار اربعین

# «اربعین» نمایش حضور اجتماعی و سیاسی زنان به جهانیان است



حسین عبدالله اسمعیل

خالی و بدون بضاعت در این مسیر قدم می‌گذارند. همین چند روز پیش من با اسنپ به خانه برگشتم، راننده اسنپ گفت: «دو هفته است که من از اداره برمی‌گردم با اسنپ کار می‌کنم تا مبلغی را جمع کنم و خانواده‌ام را برای اربعین به کربلا ببرم.» این حس ارادت، این حس اشتیاق و حماسه قطعاً از سوی خدا و امام‌زمان(عج) در دل مردم قرار داده شده و ید قدرت الهی است. خیلی جمع‌ها و پیاده‌روی‌ها وجود دارد که در این حجم عشق در آن نیست. آنجاست که همه عوض می‌شوند و انسان‌ها حس دیگری می‌شوند، چون همه چیز در طبق اخلاص و برای خداست و زن شیعه به عنوان محور یک خانواده با فرزندانش در این حماسه حضور پیدا می‌کند تا هدفی بسیار بالاتر از آن چیزی را که درباره آن گفته می‌شود، محقق کند.

**در طول این مدت خادمی حتماً خاطرات زیادی دارید و شاید تمام سال با این خاطرات است که زندگی می‌کنید. یکی از جذاب‌ترین خاطرات‌تان را برای‌مان بگویید.**

خاطره که خیلی هست. همه لحظات پیاده‌روی اربعین و خدمت امام حسین (ع) قطعاً چیزی فراتر از خاطره است و اسم خاطره هم نمی‌توان روی آن گذاشت و بخشی از زندگی ماست. انگار در این پیاده‌روی اربعین و حضور خانوادگی مسلمانان در اربعین قرار است یک چیزهایی نادیده و مستقر شود؛ چیزهایی که فقط خود خدا می‌داند، چون این حرکت حرکتی است که به دست آن آفتاب و در آن شرایط سخت می‌بینید، شاید برخی بپرسند چرا باید این همه مشقت و سختی را تحمل کنند؟ حتی شاهد بودم که بچه‌های کوچک چندماهه را به برابزان لب مرز می‌دادند که فقط زنده بمانند اما این حجم از عشق، یک چیز ربانی از طرف خداست. انگار به تو می‌گوید بیا و تو لبیک می‌گویی؛ چیزی که خارج از ااده توست. وقتی خدا حاضر است هر قدر هم که بخواهند سنگ بیندازند، نمی‌شود. خدا حاکم است و اقرار او می‌کند به اربعین امام معصوم(ع). عراقی‌ها می‌گویند ما در ایام اربعین آدم‌های دیگری هستیم و آن آدم‌های قبلی نیستیم و وقتی اربعین تمام می‌شود، ما به آدم‌های قبل برمی‌گردیم. در این دوران اربعین آدم حضور خدا را به صورت واضح احساس می‌کنید. یکی از خاطراتی که زندگی مرا واقعاً تحت‌الشعاع قرار داد، این بود که من با یکی از خادمان آشنا شدم. آن زمان صحبتی درباره اربعین و فلسفه آن باهم داشتیم. وی بر اساس مشاهدات و تجربه خودش می‌گفت بایدیم باهم یک قراری بگیریم هر بار که به سفر اربعین می‌آیم، این حس اربعین، حس حضور امام معصوم(ع)، عشق‌ورزی به همدیگر و همه آنچه را که اهل بیت(ع) به ما سفارش کرده‌اند، تعاملات زیباتر و نورانی‌تر را که این مدت برای ما در برداشت، برای اربعین سال دیگر نگه داریم و هر روز یک مراقبهای داشته باشیم و هر روز خاطرات اربعین‌مان را مرور کنیم؛ یاد روزهایی که گذراندیم و چقدر در آن عشق و نور بود و چقدر به اهل بیت(ع) نزدیک بودیم و هر روزمان را اینگونه بگذرانیم تا اربعین سال دیگر. قطعاً این مسئله چیزی را که برای ما در بر دارد، خیلی بالاتر از همه آن چیزهایی است که در ظاهر می‌بینیم. اینکه علما به خصوص به جوان‌ها توصیه می‌کنند که در اربعین حضور داشته باشند، برای این است که ما به نور این اربعین برای تمام طول عمرمان، برای آخرت اربعین یک گردهمایی خانوادگی است و ما خانوادگی می‌رویم تا آن هدفی که باید، محقق شود. نه نفعی در اینجا وجود دارد و نه برای خرید و خوشگذرانی یا به این سفر می‌گذاریم و با تمام شرایط سختی و مشقت بسیار زیادی که همه به جان می‌خرند، با جیب خالی، با دست

بسیاری از خانواده‌ها با بچه کوچک در پیاده‌روی اربعین حضور پیدا می‌کنند. این خانواده‌ها با یک هدفی قدم در دنیا می‌سیر می‌گذارند و می‌خواهند یک چیزی را به دنیا بگویند؛ هدفی که آنقدر بالا و مقدس است که دیگر این مسائل پیش‌یاافته‌ای است و دامن زدن به آن ما را از رسیدن به این هدف و حرکت عظیم متوقف می‌کند. اصلاً حق خانم‌ها و فرزندان آنهاست که پیاده‌روی اربعین را بروند و یک سال خودش‌ان و فرزندان‌شان را بیمه کنند و حضور اجتماعی-سیاسی و هر آنچه را یک زن می‌تواند داشته باشد، در همین پیاده‌روی اربعین برای جهانیان به نمایش بگذارد، چون هدف الهی است و اطاعت از امام معصوم(ع) است.

**البته بسیاری از استادان و چهره‌ها همچون استاد پناهیان هم بر حضور خانوادگی در مسیر پیاده‌روی اربعین تأکید دارند.**

بله همین طور است. استادان ما بر حضور خانوادگی در اربعین تأکید دارند. اصلاً ظهور یک همایش خانوادگی است. امام‌زمان(عج) ما از نامی‌خواهد که به عنوان یک مرد و زن تنها خانواده‌مان را رها کنیم و خودمان به تنهایی به اربعین برویم. این یک ندا و لبیکی است که باید خانوادگی پاسخ بدهند. من فکر می‌کنم این حق زنان ماست که از حرف‌ها و حاشیه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، خودشان را رها کنند. پیاده‌روی اربعین درست جایی است که می‌خواهند حضور زنان را تضعیف کنند. ظهور خانم‌ها باید هر جایی حضور داشته باشند اما اینجا که می‌رسد می‌خواهند از نقطه‌قوت‌های شیعه علیه خودش استفاده کنند و بحث اختلاط زنان و مردان و مسائلی اینچنین را مطرح می‌کنند ما را سرکوب کنند. این خیلی واضح است که این پیاده‌روی اربعین یک گردهمایی خانوادگی است و ما خانوادگی می‌رویم تا آن هدفی که باید، محقق شود. نه نفعی در اینجا وجود دارد و نه برای خرید و خوشگذرانی یا به این سفر می‌گذاریم و با تمام شرایط سختی و مشقت بسیار زیادی که همه به جان می‌خرند، با جیب خالی، با دست

## حقوق زنان

**زنان می‌توانند بدون اجازه محضری شوهر به زیارت اربعین بروند؟**

به موجب بند۳ ماده۱۸ قانون گذرنامه، زنان شوهر دار، جهت دریافت پاسپورت، اصولاً نیازمند اجازه خروج هستند مگر در مواردی که از طریق فرم مرکزی دریافت گذرنامه ویژه اربعین برای زنان حذف شده باشد.

رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه نحوه اخذ اجازه خروج همسر، به این صورت است که شوهر باید با حضور بر یکی از دفاتر استاندارد رسمی، ضمن ارائه مدارک لازم و با تکمیل فرم محضری رضایت‌نامه خروج کشور زن، موافقت خود را اعلام کند. همچنین در صورت رسمی به زن این اجازه، به صورت رسمی به زن داده شده باشد، دریافت گذرنامه نیازمند اخذ اجازه مجدد از شوهر نیست. سردار علی ذوالقدر، رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه فرآجارد پاسخ به سوالاتی مننی بر اینکه آیا زنان بسیاری در یافت گذرنامه ویژه اربعین احتیاجی به اجازه همسر دارند یا خیر اظهار کرد: طبق قانون، زنان متأهل برای دریافت گذرنامه باید اجازه محضری همسر را هم همراه با سایر مدارک ارائه دهند.

## ویترین



## نقش مادر در تربیت فرزندان

یکی از مسائلی که اکثر خانواده‌ها در رابطه با کودکان خود با آن مواجه هستند، چگونگی تشویق کردن کودکان به کارهای خوب و پسنندیده است؛ اینکه والدین در زمان انجام کار یک پسنندیده از جانب کودک‌شان چه رفتاری از خود نشان دهند که انگیزه وی برای انجام دوساره را در پی داشته باشد. در برخی خانواده‌ها برای تشویق فرزند خود به کار خوب به وی هدیه‌ای شامل پول یا اسباب‌بازی یا حتی یک شکلات یا آبنبات می‌دهند. اما سؤال این است که آیا در این زمینه تشویق تا چه میزان می‌تواند مؤثر باشد. خانواده‌هایی هم هستند که برای بر خذر داشتن کودکان خود از انجام کارهای بی‌ا شیطنت به آنها هدیه می‌دهند؛ ترسی که در این مورد وجود دارد این است که کودک نسبت به دریافت جایزه بعد از هر کار خوب یا دوری از هر کار بد منتظر دریافت هدیه و جایزه بماند و به نوعی یک رفتار شرطی در او به وجود آید.

با وجودی که یکی از بهترین راه‌ها برای تشویق کودک به رفتارهای خوب، استفاده از سیستم جایزه دادن است اما باید توجه داشت این روش در کودکان دو سال به بالا بیشتر نتیجه می‌دهد، البته والدین باید رعایت به رفتار خوب و خوشایند و برعکس رفتار ناخوشایند برای کودک توضیح دهند و در مورد جایزه‌شان نیز به او بگویند. البته باید توجه داشت هیچ قانون کلی برای کودکان خوب بودن وجود ندارد اما برای آنکه یک کودک سالم و شاد ارتزیت کنید، لازم است عشق و علاقه خود را به او نشان دهید. به حرف‌های کودک‌تان گوش دهید. به او احساس امنیت بدهید. او را تشویق کنید. رفتارهای نامناسب او را مورد انتقاد قرار دهید، نه خود او را. صورت و شکیبا باشید. برای کودک‌تان وقت کافی بگذارید. کودکان وقتی به تکرار یک رفتار و ادامه آن تمایل نشان می‌دهند که به خاطر آن پاداش و مورد توجه قرار بگیرند. همچنین رضایت و رفتار را ترک می‌کنند که آن رفتار در می‌شود. مداوم و ثابت واکنش‌های شما برای یک رفتار بسیار مهم است، زیرا باعث می‌شود کودک بداند چه زمان مورد نکویش قرار می‌گیرد و چه زمان تشویق می‌شود، نه خود او را. این تربیت برای کل بشر معرفی کرده است.

استاد، راه‌وحی است و قرآن کریم آیین خود را بهترین می‌داند. روایات بررسی می‌کند.

در بخشی از کتاب نقش مسادر در تربیت فرزندان می‌خوانیم:

اگر نوجوانی نتواند به والدین خود اعتماد کند، به طور طبیعی از حوزه اثرپذیری و تربیت آنها خارج می‌شود. فرزندان به سان درختانی هستند که در آب و خاک خانه رشد می‌کنند و معمولاً متناسب با هم‌ان آب و خاک میوه می‌دهند. پدر و مادر دلسوز به منظور تربیت صحیح فرزندان خود باید کنترل اعمال، حالات و عواطف خود را جدی بگیرند و خویشتر را بی‌قید، آزاد، بی‌تعهد و بی‌مسئولیت احساس نکنند. اگر لازم باشد که آنها در این راه محرومیتی را بپذیرند، باید چنین کنند. مثلاً زرفتن به برخی میهمانی‌ها که اثرات نامطلوب بر فرزندان دارد، برهیزند، جلوی خشم خود را بگیرند، در ارتباط با همسر خود با گذشت و سازشی بیشتر رفتار کنند تا در حد ممکن از بروز اختلاف و درگیری جلوگیری کنند.

متأسفانه عده زیادی از پدران و مادران این مسئولیت را در خود احساس نمی‌کنند و کمترین توجهی به آن ندارند، به این ترتیب بسیاری انتقاف می‌افتد که در حضور فرزندان خود مشاجر می‌کنند و گاه ممکن است کار را به جاهای باریک‌تر نیز بکشانند. آنها به این وسیله، و نوجوان حساس و کم‌طاقت خود را مضطرب می‌سازند و درس‌ناسازگاری و خشونت را در عمل به آنها می‌آموزند.

برخی دیگر حریم اخلاق و ادب به ویژه عفت کلام را به درستی رعایت نمی‌کنند و از استعمال کلمات نامناسب و احياناً زشت و بی‌ترک باکی ندارند. به کار بردن اینگونه کلمات سبب می‌شود فرزندان از همان دوران کودکی بحرم ادب را جدی نگیرند. رواج دهندهی و فحاشی در برخی کودکان و نوجوانان بیش از همه ناشی از همین چاپ شده است، گفت: حذف اجازه و مادبزرگ محفوظ نیست. در چنین خانواده‌هایی محضری مردان برای زنان و تبدیل آن به اجازه حضوری آنها در ادارات پلیس گذرنامه از جمله اقدامات پلیس برای تسهیل کردن دریافت عمل‌فداست پدر و مادر در نظر آنها شکنجه است.





مروری بر ویژگی‌ها و عملکرد سپاه پاسداران

# پاسدار انقلاب

عملکرد سپاه

سرکوب کند و کشور را از دست اینها نجات بدهد؟ چه کسی توانست مردم کردستان را، مردم بلوچستان را، مردم مناطق گوناگون کشور را از شر این اغتشاش‌ها نجات بدهد؟ چه کسی توانست در تهران آحاد مردم را از هجمه تروریستی گسترده نجات بدهد؟ سپاه! سپاه بود. آن سازمانی که این سیاست بحران‌های پی‌درپی را که نشسته بودند طراحی کرده بودند برای زمین گیر کردن انقلاب، شکست داد، سپاه بود! این آتش را آنها بودند که خاموش کردند. هدف دشمن این بود که با این بحران‌ها ریسک انقلاب را بگیرند، بعد که انقلاب ضعیف شد، یک کودتایی مثل کودتای بیست‌هشتم مرداد درست کنند و قضیه را تمام کنند. سپاه جلوی بیست‌هشتم مردادها را گرفت؛ سپاه نگذاشت حرکت صحیحی را که کشور آغاز کرده بود، با سیاست دشمن ختنی بشود. اینکه شما می‌بینید غربی‌ها اینقدر با سپاه بدند، نام سپاه همیشه با بغض و کینه از طرف آنها ادا می‌شود، علتش این است. خوب، این هم یک بخشی از عملکرد سپاه بود.

یک بخش دیگر از عملکرد سپاه مسئله توانایی‌های روزافزون است. سپاه در درون خودش متوقف نماند، توانایی‌های خودش را روزبه‌روز افزایش داد؛ هم با همت درونی خود سپاه هم با همکاری فراسازمانی‌ها که انجام گرفت. این افزایش توانمندی‌ها را فقط به چشم اینکه ما سلاح ذخیره می‌کنیم و سلاح زیاد می‌کنیم و نوآوری می‌کنیم نباید دید؛ معنایش بازآرندگی کشور است، معنایش حفظ امنیت کشور است.

یک بخش دیگر در مورد عملکرد [سپاه] مسئله سازندگی‌های سپاه در حوزه‌های گوناگون است؛ این فصل در خنثی‌سازی بحث بسیار مهمی است، از این نمی‌شود آسان گذشت. در امور زیربنایی، سپاه حرف اول را دارد می‌زند؛ کمتر دستگاهی را ما داریم که در مسائل زیربنایی کشور - راه‌ها، بزرگراه‌ها، سد، پالایشگاه‌ها و امثال اینها - توانسته باشد به قدر سپاه، این مقدار کار را با هزینه‌های کمتر از معمول و با سرعت بیشتر از معمول انجام بدهد. این یک فصل افتخار آفرین بسیار مهمی است.

یک فصل دیگر مسئله خدمات عمومی سپاه است. سپاه، در بخش‌های مختلف در کنار مردم قرار گرفت. در بخش سلامت - که بسیار مهم است - سپاه توانست کارهای بزرگ انجام بدهد. در حوادث طبیعی و بلیاتی مثل زلزله و سیل و کرونا و امثال اینها کمک‌های اساسی کرد. رفع محرومیت یکی از بخش‌هایی که همچنان ناشناخته است، همچنان گزارش درست و حسابی‌ای از آن به مردم داده نشده، حرکات سپاه و اقدام‌های سپاه در رفع محرومیت اقشار ضعیف مردم است؛ [در این بخش] کارهای بزرگی انجام گرفته، کارهایی گسترده‌ای انجام گرفته است.

یک فصل مهم دیگر در زمینه عملکرد که این هم باید مورد توجه قرار بگیرد، اثرگذاری سپاه در فضای عمومی کشور است. طبیعی است یک مجموعه‌ای مثل سپاه با این خصوصیاتی که گفته شد، برای نسل جوان می‌تواند جذاب باشد و واقعا جذاب است. نیروی جوان نگاه می‌کنند می‌بینند در این مجموعه، علم و عمل در هم تنیده است؛ قدرت سخت و قدرت نرم در هم تنیده است. قدرت سخت موشک و پهپاد و امثال اینهاست، قدرت نرم حضور در بین مردم، حرف زدن با مردم، کمک به مردم؛ اینها هر دو [هست]. نگاه به آرمان‌ها در کنار توجه به واقعیت‌ها و پرداختن به واقعیت‌ها در سپاه وجود دارد. ارتباط با مردم، حضور بسججی در کنار مردم؛ اینها را وقتی نیروی جوان در یک مجموعه نگاه می‌کند، مجذوب می‌شود؛ اینها جذاب است برای نیروهای جوان.

عملکرد سپاه

اثرگذاری در فضای عمومی کشور

سازندگی در امور زیربنایی و حوزه‌های گوناگون

جذابیت سازمان و افراد سپاه برای نسل جوان

ارایه خدمات عمومی در بخش سلامت، حوادث طبیعی، رفع محرومیت و...

عملکرد سپاه

عملکرد خوب در دفاع مقدس

غلبه بر بحران‌های پی‌درپی و دست‌ساز دشمن

تأثیرگذاری در جوان‌های کشورهای دیگر

افزایش توانایی‌های روزافزون و ایجاد امنیت برای کشور

ویژگی‌های سپاه

تبدیل شدن به سازمان نظامی گسترده در کمتر از ۲ سال

ویژگی‌های سپاه

دارای فرماندهی و سازماندهی متمرکز

ویژگی‌های سپاه

پدیده منحصر به فرد در بین انقلاب‌های بزرگ تاریخ

گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران

۱۴۰۲/۵/۲۶

تشکیل سپاه در ابتدای انقلاب، یک پدیده منحصر به فرد در بین انقلاب‌های بزرگ تاریخ بود... سپاه از اول تشکیل - اینها مهم است - زیر نظر مرکزیت انقلاب تشکیل شد؛ فرماندهی و سازمان‌دهی‌اش متمرکز بود؛ شورای مدیریت و فرماندهی بود؛ از اول، یک فرماندهی متمرکزی وجود داشت. [فرماندهی سپاه] در مرکز بود؛ در همه جای کشور حضور داشت، اما مرکزیت به معنای واقعی کلمه فرماندهی می‌کرد. از اول تشکیل سپاه، افراد سپاه و عناصر سپاه بر خوردار بودند از ارزش‌های دین و انقلاب، مثل ایثار، مثل فداکاری، مثل حضور جهادی دائمی و شبانه‌روزی، مثل اطاعت و تسلیم در مقابل امام بزرگوار؛ مطلقا غیر از این دیده نشد. ما از اول ناظر و حاضر بودیم، مسائل سپاه را می‌دیدیم؛ یعنی یک پدیده‌ای بود منحصر به فرد. افراد دارای طهارت بودند، دارای تقوا بودند. بنده نمی‌خواهم مبالغه کنم، بالاخره نقص و ضعف در همه افراد هست؛ نقص‌هایی وجود داشت، ضعف‌هایی وجود داشت، اما بر حسب قرائن، در تاریخ کشور ما تا آن روز شاید هیچ مجموعه نظامی با این اندازه سلامت دیده نشده بود؛ سلامت انسانی و سلامت خدایی. در طول تاریخ کشور تا آنجا که بنده اطلاع دارم، نمی‌شناسم هیچ مجموعه نظامی را که تا این حد از سلامت معنوی و اخلاقی و سیاسی برخوردار باشند؛ این یک نکته است، تشکیل سپاه یک پدیده اینچنینی بود.

نکته بعدی، مسئله رشد و زایش درونی سپاه است؛ این هم یک پدیده بی‌نظیر. سپاه در آغاز تشکیل خودش از یک مجموعه چندصد نفری تشکیل شد اما در یک مدتی، کمتر از دو سال، تبدیل شد به یک سازمان نظامی گسترده با تشکیلات منظم با سازماندهی یگان‌های تپیی که این خیلی چیز مهمی بود؛ توانست مجموعه‌های نظامی را سازماندهی تپیی بکند؛ سپاه توانست با فداکاری - اینجا هم آمادگی‌های ذهنی و فکری و روحی بود، هم فداکاری‌های عملی - قدرت عظیم دفاع نظامی انقلاب را به دشمن نشان بدهد که این تعیین‌کننده بود.

یک چنین حالتی به وجود آمد. این حرکت این زایش و استحکام بی‌نظیر است؛ این یک پدیده بی‌نظیری است؛ ما [مثل این را] نداریم و این پدیده بی‌نظیر استثنایی ادامه پیدا کرد، متوقف نشد؛ یعنی این جور نبود که یک حرکتی را شروع کنند، یک رشدی بکنند بعد متوقف بنشوند؛ نه این تا امروز ادامه پیدا کرده، به طوری که ما با گذشت حدود چهار دهه یک کانون عظیم و کاملا مجهز دفاعی و نظامی و بزرگ‌ترین سازمان ضد تروریستی دنیا را داریم. امروز سپاه بزرگ‌ترین سازمان ضد تروریستی در همه دنیا است؛ یک سازمان مجهز نظامی است؛ یک سازمان کارآمد و مستقلى که کارهایی می‌تواند انجام دهد که خیلی از ارتش‌های بزرگ دنیا نمی‌توانند انجام بدهند. این هم در مورد رشد و زایش [سپاه].

یک نکته دیگر مربوط به عملکرد سپاه است؛ این هم یک پدیده جذاب و چندوجهی است. اول یکی از مهم‌ترین کارهایی که سپاه از روز اول تا امروز انجام داده، مواجهه با بحران‌های دست‌ساز دشمن است؛ این خیلی مهم است... چه کسی توانست این بحران‌ها، این حوادث و اغتشاش‌ها را

### بی‌سروسامانی رشته‌های رزمی فرصت‌شنجی فرصت‌طلب‌ها

هنجارشکنی این روزها تبدیل به یک حاشیه‌برای ورزش کشور شده و جالب اینجاست که هیچ‌کس هم خودش را مقصر نمی‌داند و همه به نوعی سعی دارند از زیر بار پاسخگویی فرار کنند. اعزام‌های بی‌منطق و بدون توجیه، آن‌هم در رشته‌های رزمی بارها و یک‌شاخه که هر کدام سال‌هاست مدعی استقلال از فدراسیون‌ها هستند، کار را به جایی رسانده که عده‌ای مثلاًورزشکار وقتی فرصت را مناسب می‌بینند اقدام به هنجارشکنی برای بیشتر و بهتر دیده شدن می‌کنند. آنچه این روزها در خصوص هنجارشکنی بانوان در ورزش مونای شنیده و دیده می‌شود، نمونه بارز همین رفتارهاست. بانوانی که در یک دوره مسابقه شرکت کرده‌اند و خوب می‌دانستند حتی اگر مدال هم بیاورند ارزش چندانی نخواهد داشت ناگهان با کشف حجاب و هنجارشکنی برای خود فرصت دیده شدن فراهم کردند. درست این است که مسئولان ورزش کشور هوشیاری به خرج دهند و اجازه ندهند سبک‌های خودمختار و رو به افزایش قارچ‌گونه رزمی که خیلی از آنها فعالیت زیرزمینی دارند اجازه فعالیت داشته باشند، چه برسد به اینکه مجوز اعزام برون‌مرز هم بگیرند و اینکه برای مطرح کردن خودشان یا روی خط قرمزهای ملی و مذهبی کشور بگذارند و خوراک تبلیغاتی برای رسانه‌های معاند فراهم کنند. اما نکته قابل تأمل تراینکه مسئولان ورزش در چنین مواقعی به راحتی از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. نمونه‌اش همین رئیس انجمن موتای است که مثل رؤسای قبلی برخی فدراسیون‌ها بلافاصله اعلام کرد که این ورزشکاران را ما اعزام نکردیم و اصلاًاین مسابقات آسیایی نبوده و یک‌سری بازی‌های «من‌درآوردی» بوده‌است، به همین راحتی هیچ‌کس زیر بار نمی‌رود و همه تقصیر را گردن یکدیگر می‌اننداز.

تأسیفات تر اینکه اوضاع فدراسیون انجمن ورزش‌های رزمی تا این حد نابسامان است که هر که دلش می‌خواهد برای خود تشکیل سبک می‌دهد و اعلام استقلال می‌کند تا جایی که رئیس فدراسیون انجمن‌های ورزش‌های رزمی می‌گوید: «جواد نصیری، ناصر نصیری و دوستان دیگر که سبک دارند، اعلام استقلال کرده‌اند و خودمختار هستند. ما نمی‌گوییم زیر نظر فدراسیون باشند، اما دیگر خسته شده‌ایم! مسئولان وزارت ورزش باید تکلیف ما و این رشته‌ها را روشن کنند.» البته این مسئله سال‌هاست که مورد اعتراض همه است، اما هیچگاه جدی گرفته نشده و حالا این هنجارشکنی توسط عده‌ای ورزشکار که تنها برای جلب توجه رسانه‌های معاند صورت گرفته بهترین فرصت است تا وزارت ورزش و شخص کیومرث هاشمی با ورود به آن برای همیشه این معضل را ریشه‌کن کند و به اوضاع نابسامان فدراسیون ورزش‌های رزمی را سرویسامان دهد.

### ایرانگرد

حامد قهرمانی



#### افتتاح اماکن جدید فدراسیون در روز کشتی

## بازوبندپهلوانی پربازی‌پردانی‌وگرایی

همزمان با پنجم شهریورماه و روز ملی کشتی، با حضور دکتر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و کیومرث هاشمی سرپرست وزارت ورزش و جوانان، اماکن ورزشی، فرهنگی و اداری فدراسیون کشتی افتتاح شد. در این برنامه مجموعه اداری فدراسیون با نام شهید کشتی‌گیر جعفر جنگروی، سالن همایش‌های شهید کشتی‌گیر شاهرخ ضرام، سالن بدنسازی شهید کشتی‌گیر حسین شکستوری، زمین چندمنظوره ورزشی شهید کشتی‌گیر احمد تقی‌زاده و مرکز رسانه‌ای برادران شهید کشتی‌گیر علی پناه و سه سوئیت اقامتی افتتاح شدند. علی‌رضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی در ابتدای این مراسم با گرم‌ایادداشت روز کشتی با اشاره به اینکه بار مدال‌آوری ورزش ایران در المپیک و بازی‌های آسیایی به دوش کشتی است، گفت: «کشتی هم ورزش سنتی و ملی و هم ورزش مذهبی ماست. ۷۷ درصد مدال‌های المپیک را کشتی گرفته و اگر مدال‌های جهانی را هم حساب کنیم، ۸۲ درصد مدال‌های ورزش‌المپیک ما را کشتی گرفته‌است. ۳۱۵ مدال دار جهانی و المپیک داریم و رشته بعد ما فقط ۲۴ نفر دارد. با این وجود تنها ۵ درصد بودجه ورزش به کشتی اختصاص دارد که لازم است در اینجااز آقایان قالیباف و کیومرث هاشمی خواهش کنم صدای کشتی باشند. امیدوارم ظرفیت‌های کشتی دیده شود.»

در ادامه کیومرث هاشمی، سرپرست وزارت ورزش با تأکید بر لزوم توجه به استعدادپروری در کشتی گفت: «براساس آمایش سرزمینی به دنبال این هستیم شهرهای طالایی را ایجاد کنیم، به این معنا که شهرهای دارای پتانسیل برای کسب مدال‌های طلا جهانی و المپیک مورد توجه قرار گیرند. ما در ۴۰۰ شهر کشور سالن کشتی داریم، مثلاً ترکمانو در میانه پتانسیل بالایی دارد و باید مورد توجه جدی قرار گیرد. نباید شود همه هیئت‌های ورزشی را یکسان ببینیم. بنابراین به دنبال هیئت‌های ورزشی هستیم. در کشتی جویبار، آمل، اندیمشک، ابد و بهبهان را داریم که باید در بحث زیرساخت‌ها مورد توجه جدی قرار گیرد.»

دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس هم در ابتدای صحبت‌های خود گفت: «برای من توفیقی است که در بین قهرمانان و پیشکسوتان کشتی و مسئولان ورزش حاضر شده‌ام. امروز روز کشتی است؛ روز تولد تختی است، یک انسان جوانمرد، غموخار مردم و یک قهرمان واقعی که در تاریخ ماندگار شده است. امروز زندگی مادی و معنوی‌مان را مدیون شهدا و خانواده‌های معظم شهدا هستیم.» رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه با توصیف کار جهانی از کارهای انجام شده در فدراسیون کشتی گفت: «کشتی که متعلق به این سرزمین و رشته ملی ماست، افتخار آفرینی‌های زیادی در ورزش کشور داشته است. حضور دبیر که از دوران جوانی در آغاز ورزش که در نیروی انتظامی بود، او در باشگاه پاس کارش را شروع کرد و بعدها در شورای شهر در خدمتش بودیم، باید بگویم یک مدیر پخته و کاربلد در رأس فدراسیون کشتی قرار گرفته است. وقتی حرف از کار جهانی می‌زنیم، نمونه‌اش همین فدراسیون کشتی است که پول و بودجه خاصی به آن اضافه نشده، اما با کار جهانی و وقت گذاشتن این اتفاقات بزرگ را رقم زده است.» وی در ادامه افزود: «این افتخارات ناشی از یک کار شایسته‌روزی است. در سال‌های گذشته نسیب‌های کشتی را هم دیدیم. این امکاناتی که فراهم شده نشان می‌دهد قهرمانان ما در جهانی ۲۰۲۳ خواهند درخشید و آینده ورزشی نیز پیش‌روی کشتی خواهد بود.» در پایان این مراسم از مدال‌وران مسابقات جهانی نوجوانان و جوانان توسط مسئولان حاضر در مراسم تقدیر شد. همچنین محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی به حسن یزدانی، کاپیتان تیم ملی کشتی آزاد و محمدعلی گزایی، کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی بازوبند پهلوانی اهدا کرد.

دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۱ صفر ۱۴۴۵ | روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۷

سرویس ورزشی ۶۰-۸۵۳۳



### بازیکن سالاری بلای جان والیبال ایران

«دستم‌ان برای ژاپنی‌ها رو شده بود»، این شاید کلیدی‌ترین جمله در خصوص علت شکست تیم ملی والیبال ایران در فینال مسابقات قهرمانی آسیا مقابل چینسابق‌بادهای ما باشد.

رقابت حرفه‌ای در جهان راه و رسم خودش را دارد. راه و رسمی که ما در مسابقات والیبال قهرمانی آسیا به میزبانی ارومیه نشان دادیم که با تمام ادعا آن را بلد نیستیم. در ورزش حرفه‌ای هیچ تیمی را نمی‌توانید پیدا کنید که پیش از شروع یک تورنمنت مهم با رقبای اصلی خود بازی تدارکاتی برگزار نکند. کاری که تیم ملی والیبال ایران قبل از مسابقات ارومیه آن را انجام داد.ایران در آن مسابقه بی‌اهمیت ژاپن را برد و به خیال اینکه کار را تمام کرده و گریه را دم حجله کشته با فروری کاذب آنچه انجام داد که در لیگ ملت‌ها گذشته بود به فراموشی سپرد تا شبه شب کاپوس وار والیبال فرآ برسد.

#### حیاکن، رهاکن

شعار «طعنی حیاکن، رهاکن»، طبیعی‌ترین واکنش هواداران والیبال در سالن غدیر ارومیه بعد از شکست تحقیرآمیز تیم ملی والیبال مقابل ژاپن بود. شکستی که قهرمانی را از ایران گرفت و به ژاپن شایسته داد. ژاپنی‌که برخلاف ما خوب می‌دانست چه می‌خواهد و برای چه به مسابقات قهرمانی آسیا آمده است. هوادار حق داشت بپلت ۲۵۰ هزار تومانی خیزه بود، چیزی حدود یک و

نیم روز وقت گذاشته بود تا جشن قهرمانی بگیرد. جشن بگیرد و ببیند که تیم ملی والیبال کشورش چگونه انتقام شکست ۳ بر صفر لیگ ملت‌ها را از ژاپن می‌گیرد، اما شاهد یک شکست ۳ بر صفر دیگر شد تا با افسوس بنشیند و بالا رفتن جام توسط ژاپنی‌ها را تماشا کند. پس باید به او حق داد که شهر حیاکن، رهاکن سر دهد.

#### بلای بازیکن سالاری

والیبال مدت‌هاست که اسیر بازیکن‌سالاری است. انجام تغییرات در کادر فنی و ترکیب تیم سال‌هاست که جنبه فنی و بشرف‌تندارد و صرفاً برای خوشامد برخی چهره‌های با سن گذشته و ناکار آمد تیم انجام می‌شود. تصور می‌شد که این جریان با جدایی برخی بازیکنان سابق و خودبزرگبین از بین رفته باشد، اما تغییرات صورت گرفته در تیم ملی بعد از مسابقات لیگ ملت‌هاو در آستانه مسابقات قهرمانی آسیاحکایت از آن داشت که دلستان بازیکن‌سالاری همچنان به

قوت خود باقی است. حذف محمود افشار دوست و پاول وویتسکی، مربی تمرین دهنده و مؤثر تیم مطابق نظر ملی پوش باسابقه صورت گرفت تا بازیکن‌سالاری به معنای واقعی کلمه انجام شود. همان بازیکنی که به دلایلی حاضر به همراهی تیم ملی در لیگ ملت‌ها نشد و در قهرمانی آسیا هم با شرایطی ناآماده و به دور از مسابقه در ترکیب قرار گرفت تا نه تنها کمکی نکرده باشد که یک



## تراکتورسازی برای فرار از بحران می‌جنگد رویارویی استقلال‌ی‌ها در آزادی

نبرد استقلال‌های لیگ، آغاز هفته چهارم لیگ بر تر است. استقلال در روز شگاه خالی از تماشاگر آزادی از همان خوزستانی خود میزبانی می‌کند و فراموش کردن باخت یکی از تاریخ‌رقابت‌های اصلی تیم جواد نکونام است. این‌های پایتخت در شرایطی به مدعی اصفهانی باختند و با از دست دادن سه امتیاز به رده چهارم سقوط کرده مدعی هستند تصمیم اشتباه دور باعث شکست این تیم شده است. بعد از پشت سر گذاشتن روزهای بحرانی، استقلال همچنان حسرت امتیازهای از دست داده مقابل سپاهان را می‌خورد. کندانمن از کورس قهرمانی موضوعی است که قطعاً برای نکونام اهمیت زیادی دارد، به همین خاطر رویارویی با استقلال خوزستان بهترین فرصت برای کسب سوئیم برد فصل است. روزه چشمی، یار کلیدی میزبان با حکم کمیته انضباطی فعلاًاز همراهی استقلال محروم است. تیم پورموسی یک بازی کمتر انجام داده (دیدار با تراکتورسازی) و با از دست قبلی خود برابر شمس آذر و لومینیمو فقط یک امتیاز کسب کرده است. استقلال خوزستان پس از چند سال دوری دوباره به لیگ برتر برگشته و برای آنکه خیلی زود یکی از فائوس به دستان لیگ لقب بگیرد از هماکتون باید به فکر چاره باشد. آخرین رویارویی دو تیم، اردیبهشت ۹۸ بر ۴ بر ۲ استقلال تهران به پایان رسیده است. سرمربی استقلال از عدم حضور هواداران در ورزشگاه حساسی شکی است. جواد نکونام که کنفرانس‌های خبری پیش از بازی را به جای سازمان لیگ در کمپ مر حوم حجازی بر گزار می‌کند، در خصوص شرایط تیمش برای بازی با همانم خوزستانی گفت: «همه بازی‌ها در لیگ نزدیک به هم هستند و تیم‌ها فاصله زیادی ندارند. لیگ با توجه به در پیش بودن جام ملت‌هاو بازی‌های تیم امید، پرشار و فرسایشی خواهد بود. تمام تمرکز من و بازیکنانم روی این بازی است و بازی به بازی پیش می‌رویم و برای ما مهم است که بهترین عملکرد را داشته باشیم. به بازیکنانم گفته‌ام در تمام بازی‌ها باید بهترین عملکرد را داشته باشیم و هر اتفاقی افتاد خیالمان راحت باشد که تمام تلاشمان را کرده‌ایم. امیدوارم امروز شاهد بازی خوبی باشیم، هرچند جای هواداران خالی است و از این موضوع خیلی ناراحت‌م. از باشگاه درخواست کردم جای دیگری بازی کنیم تا هواداران کنارمان باشند. هواداران بازی قدرت ما هستند و به ما انگیزه می‌دهند، ولی متأسفانه بازدید آنها به ضرر ما و به سود حرفان است. امیدوارم زودتر شاهد حضور هوادارانمان در ورزشگاه باشیم.»

تراکتورسازی بعد از شکست آسیایی امشب در ورزشگاه خانگی به مصاف مس رفسنجان می‌رود. تراکتورسازی دو شکست متوالی در لیگ داشته و در پلی آف لیگ قهرمانان هم ناکام بوده است. تیم مدیوم جدول بدون امتیاز امیدوار است تیم ساکت الهیاتی را شکست دهد. به‌رغم نتایج ضعیف، بازیکنان باشگاه تراکتورسازی از خمس، سرمربی خارجی خود حمایت کرده‌اند. مس هم بعد از دو تساوی نامید کننده، ۳ بر صفر به شمس آذر باخت تا تنها دو امتیاز اندوخته داشته باشد.

## فرصت بازی‌های آسیایی



برگ برنده برای رقباهم محسوب شود.
■ **فرصت بازی‌های آسیایی**
شکست در لیگ ملت‌ها و عدم توانایی در حفظ عنوان قهرمانی آسیا حالا کار والیبال ایران را حساسی گرّه زده است. درحالی که تیم‌های خوشحالی ندارد، چون اتحادیه والیبال ژاپن برای آماده‌سازی این تیم اردویی اروپایی در نظر گرفته و این مسئله علاوه بر انگیزه بالای تیم دوم ژاپن می‌تواند کاری کند که بساز هم ایران با این تیم مغلوب آنها شود.

#### بازگشت به عقب

آخرین باری که تیم ملی والیبال ایران توانست از ژاپن سنت بگیرد، حدود دو سال و یک ماه پیش بود که البته نتیجه بازی ۳ بر ۲ به سود ژاپن شد، نتایج ضعیف لیگ ملت‌ها و سرخوردگی نائب‌قهرمان آسیا تنها با مدال طلای بازی‌های آسیایی جبران می‌شود. فراموش نکنیم امید کسب سهمیه المپیک توسط تیم فعلی در مسابقاته ایران در «ارزوی گرفتن یک ست از ژاپن» بصر می‌برد. یکی از افتخارات والیبال ایران در سال‌های اخیر خندیدن به همین جمله بود، اما اکنون به این دوران بازگشته‌ایم.

تیم ملی ایران چهار روز پس از پایان بازی‌های آسیایی باید نخستین دیدار خود در مسابقات انتخابی المپیک را بر گزار کند، اما آنچه که فعلاً باید در صدد به واقع کسب سهمیه المپیک از تیم پسر، ناآماده و پرانته‌باشه ایران با کادر فنی پرانته‌باشه تراکتلا می‌جایانند. بنابراین باید به قهرمانی در بازی‌های آسیایی

کاب

## مهر مادری کنار تشک کشتی



مادر است دیگر، حتی اگر کنار تشک کشتی باشد باید برای فرزندش مادری کند. جشنواره کشتی آزاد و فرنگی استان مازندران با عنوان «امیدسازان المپیک ۲۰۲۲» با حضور ۳ هزار کشتی‌گیر خردسال برگزار شد و پهلوان‌های آتی کشتی ایران در رامسر روی تشک رفتند. حضور یکی از مادران دلواپس کنار تشک اگر چه ابتدا با مخالفت داوران همراه بود، اما مسئولان هیئت کشتی استان با حضور او موافقت کردند به شرط اینکه خللی در مسابقه ایجاد نشود. این مادر دل‌نگران همزمان با کشتی پسرش، او را کوچ کرد و نکات لازم را به فرزند خود تذکر داد. شور، عشق و البته نگرانی این مادر گوشه‌ای از علاقه مازندرانی‌هاست.

### ایرانگرد

شیوانوروی

### زمین بی‌طرف هیچ ورزشگاه و VAR را چه کنیم؟

چند سالی مشکل تقلب با تیم‌های عربستانی را داشتیم و آنها برای آمدن به تهران بهانه می‌آوردند، حال که روابط دیپلماتیک از سر گرفته شده و مشکلات سیاسی طرفین کاهش یافته، باز هم دغدغه رویارویی با حریفان سعودی را داریم. با اینکه رئیس فدراسیون معتقد است این مشکل از طریق ابزانی حل خواهد شد، حضور یکی از مادران دلواپس مغرویه و نداشتن VAR، ابا چه روشی قرار است حل کنند! مصوبه قبلی کنفدراسیون فوتبال آسیا کماکان پابرجاست و فعلاًطبق قانون قبلی دیدار تیم‌های ایرانی و سعودی باید در زمین بی‌طرف برگزار شود، مگر اینکه طرفین برای تغییر شرایط و بازگشت به وضعیت قبلی درخواست دهند و گویا این درخواست در حال پیگیری است. از آنجا که مشکلات ما و عربستان برطرف و روابط از سر گرفته شده است، مقامات آسیا نیز مشکلی با لغو مصوبه بازی در زمین بی‌طرف ندارند. قاعدتاً از این بابت مشکلی وجود ندارد، ولی بحث اصلی بر سر این است که ما در کدام ورزشگاه‌ها و با چه امکاناتی قرار است از تیم‌های عربستانی و سایر رقبای آسیایی پذیرایی کنیم؟

متأسفانه درد فوتبال ما یکی دو و نیست و حتی اگر سایه مشکلات سیاسی دست از سر مستطیل سبزم ما بردارد، باز هم دره‌درهای این رشته تمامی ندارد. هفده بازی در زمین بی‌طرف بابت مشکلات قبلی به پایان رسیده، اما آماده نبودن ورزشگاه‌های وطنی و نداشتن تجهیزات به‌روز داورمی‌تواند بلای جانمان شود تا دوباره مجبور شویم یک کشور ثالث را به عنوان میزبان انتخاب کنیم. توجه داشته باشید که در این صورت دیگر نمی‌توانیم همه چیز را گردن حریف و مسئولان کشور رقیب بیندازیم. آقایان برای بازسازی ورزشگاه آزادی و خرید تجهیزات کمک‌داور ویدئویی شاعر دادند و دست‌دست کردند، حتی روابط دیپلماتیک با عربستان هم برقرار شد، ولی هنوز خبری از اتمام تعمیرات ورود دوربین‌های پیشرفته به کشورمان نشده است.

حتما باید محرومان کنند تا یادمان بيفتد اوضاع خوبی نداریم، حتماً باید ای بروی کشور وسط بیاید و رسانه‌های عربی اخبار تبعید تیم‌های ایرانی به کشور ثالث را مخابره کنند تا مسئولان ورزش و فوتبال به تکاپو بیفتند. سرپرست وزارت ورزش وعده داشتن VAR را داده، آن‌هم از نوع اجاره‌ای. البته اجاره کردن تجهیزات در این مدت کوتاه باقی‌مانده تا اولین رویارویی آسیایی پرسپولیس بسیار سخت به نظر می‌رسد، ولی حتی اگر این وعده را هم باور کنیم، قرار است دوربین‌های مورد تأیید ای‌اف‌سی روی سکوهای خرابه آزادی نصب شوند؟! وضعیت این ورزشگاه طوری است که قاعدتاً به این زودی‌ها نمی‌تواند میزبان هیچ مسابقه‌ای باشد، چه کمک‌داور ویدئویی داشته باشیم و چه نداشته باشیم. پرسپولیس و نساجی هر دو آزادی را به عنوان ورزشگاه میزبان معرفی کرده‌اند و با شرایط موجود این مسئله کاملاً منتهی به نظر می‌رسد. دیگر چه فایده‌ای دارد که مصوبه بازی در زمین بی‌طرف لغو نشود، ما در اصول اولیه میزبانی مسابقات بین‌المللی مانده‌ایم و می‌خواهیم یک شبه غائله را جمع کنیم. هنوز باورمان نشده فوتبال حرفه‌ای است. باور نکرده‌ایم که قوانین حرفه‌ای برای همه یکسان هستند و با هیچ درخواستی و ارزیابی نمی‌توان کار را پیش برد. یک زمانی کنفدراسیون برایمان سوخته می‌آمد و با حمایت‌های برخی کشورها هر جور دلش می‌خواست سرمان را می‌برد، حال که بهانه سیاسی هم ندارد، مسئولان ورزش و فوتبال با کم‌کاری‌ها و سوءمدیریت‌شان خیلی راحت بهانه می‌دهند دست‌آی‌اف‌سی. به‌راحتی می‌شویم سوزه‌تسخنر دیگر کشورها و آقایان با چند مصاحبه می‌خواهند همه چیز را ماستمالی کنند. نگاهی دیگر دوران ماستمالی و لاپوشانی گذشته و حتی کشورهایی که در فوتبال محلی از اعزباب نداشتن نیز ما جلو زده‌اند و به گارد پیشان هم نمی‌رسیم و رقابت با آنها با دوربین‌های اجاره‌ای و موقت واقعاً خنده‌دار است.

### از کبدی حمایت کنید

غلامرضا مازندرانی از مسئولان خواست از تیم‌ملی کبدی حمایت کنند. تیم‌ملی کبدی مردان یکی از رشته‌های تیمی است که در بازی‌های آسیایی روی مدال آنها حساب کرده‌ایم. رقابت دیرینه ایران و هند در کبدی در بازی‌های هانگژو نیز ادامه خواهد داشت. سرمربی تیم‌ملی کبدی مردان در گفت‌وگو با تسنیم در خصوص شرایط شاکرگرواندش گفت: «جا توجه به اینکه بعد از بازی‌های آسیایی گذشته در جاکار، تا فقط یک دوره لیگ منظم داشتیم و بعد از آن به کرونا پردیم، حدود سه سال و نیم عملاً لیگ تعطیل شد و هند فاصله معناداری با سایر تیم‌ها دارد. ما در فینال بازی‌های موضوعات نسل دوم تیم را تحت‌الشعاع قرار داد.»

مازندرانی در خصوص رقابت با هند نیاز رشته کبدی به حمایت اظهار داشت: «تفاقی در آسیا افتاده که نمی‌دانم خوب است یا نه و از اینکه ایران و هند فاصله معناداری با سایر تیم‌ها دارند. ما در فینال بازی‌های هانگژو خواهیم بود. در مصاف با هند لحظه‌ها تعیین‌کننده است و هر تیمی دقیق‌تر باشد شانس کسب مدال طلا دارد. تمام تلاش و برنامه‌ریزی ما این بوده که نتیجه به نفع ما باشد. تنها دغدغه‌امان این است که تشکلیات کلان ورزش از کبدی حمایت نکنند و اسپانسر به سمت کبدی بروند و به‌جایه‌ها در لیگ محک بخورند.»

# متهم: پدرم سختگیری می‌کرد کشتمش!

تحقیقات پلیس پایتخت از دختری که به اتهام قتل پدرش بازداشت شده، چریان دارد. این دختر در جریان حادثه‌ای خونین، پدرش را در خواب به قتل رسانده است.

چند روز پیش مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک قتل را اعلام کرد. او گفت پدرش با ضربات چاقو به قتل رسیده است. پس از آن تیمی از مأموران پلیس در محل که ساختمانی مسکونی در خیابان خیازی تهرانپارس بود، حاضر شدند. جسد متعلق به مردی میانسال بود که در اتاق پذیرایی با ضربات متعدد چاقو به کام مرگ فرشته بود. با تأیید این حادثه، قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل همراه تیم جنایی در محل حاضر شد. بررسی‌های بازپرس نشان داد مرد میانسال در حالی که روی میبل در حال تماشا تلویزیون بوده و پسر معلولش هم در چند قدمی او نشسته بود، هدف اصابت ضربات چاقو قرار گرفته است.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مردی که پلیس را از ماجرای باخبر کرده بود مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت ساعتی قبل برادرزاده‌اش او را از حادثه باخبر کرده است. وی ادامه داد: دختر خردم را با من تماس گرفت و گفت مردی ناشناس وارد خانه‌اش شده و پدرش را به قتل رسانده است که من خیلی زود خودم را به اینجا رساندم و با دیدن جسد برادرم به پلیس خبر دادم.

**■ آثار جراحی**  
بعد از مطرح شدن این ادعا، تحقیقات بیشتری در این باره انجام و مشخص شد آثار جراحی و کیبودی روی دست‌های لیلا دیده می‌شود. او وقتی در این باره مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: ساعتی قبل از حادثه مادرم برای خرید غذای گربه خانگی مان خانه را ترک کرد. آثار جراحی که روی دست‌هایم وجود دارد به دلیل خراش‌هایی است که گربه به من وارد کرده است. بخشی از آثار جراحی و کیبودی را هم قاتل به من وارد کرد. وقتی او با پدرم در گیر بود، من به کمک پدرم رفتم، چراکه ترسیدم مبادا آن مرد به برادر معلولم آسیب برساند و در حالی که او را درگیری دور می‌کردم، چاقویش چند جراحی هم روی دست‌های من ایجاد کرد.

**■ بررسی صحنه جرم**  
بعد از مطرح شدن این ادعا، کارآگاهان در بررسی صحنه جرم متوجه شدند هیچ ردی از فردی که دختر جوان مدعی بود پدرش را به قتل رسانده در صحنه جرم وجود ندارد. بنابراین لیلا بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. او این بار سناریوی تازه‌ای را برای تیم جنایی مطرح کرد: حقیقتش را بخواهید مردی کار تن خواب که نیما نام دارد، پدرم را به قتل رسانده است. نیما در طبقه بالای ما زندگی می‌کند.

مدتی است که ساکنان ساختمان تصمیم گرفته بودند ساختمان را که قدیمی است تخریب و بنای تازه‌ای احداث کنند، اما نیما مخالف بود و بر سر این موضوع پدرم بحث می‌کرد. او از

خانه بیرون برود به من گفت اگر پدرت امشب به خوابت آمد به او بگو که ما به باورهایمان پایبند هستیم و بعد هم از خانه بیرون زد. من که ترسیده بودم به عمویم زنگ زدم و ماجرا را برایش توضیح دادم.

لیلا ادامه داد: مدتی قبل پدرم عضو توتیتر شده بود و از آن زمان در توتیتر درباره مسائل روز با دیگر کاربران بحث می‌کرد. نظر برخی کاربران را درباره عقاید پدرم خواندم و دیدم که چند نفر او را تهدید کرده‌اند. یکی از آنها هم پدرم را به قتل تهدید کرده بود، احتمال می‌دهم مردی که پدرم را به قتل رسانده، یکی از همان کاربران توتیتر باشد.

**■ آثار جراحی**  
بعد از مطرح شدن این ادعا، تحقیقات بیشتری در این باره انجام و مشخص شد آثار جراحی و کیبودی روی دست‌های لیلا دیده می‌شود. او وقتی در این باره مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: ساعتی قبل از حادثه مادرم برای خرید غذای گربه خانگی مان خانه را ترک کرد. آثار جراحی که روی دست‌هایم وجود دارد به دلیل خراش‌هایی است که گربه به من وارد کرده است. بخشی از آثار جراحی و کیبودی را هم قاتل به من وارد کرد. وقتی او با پدرم در گیر بود، من به کمک پدرم رفتم، چراکه ترسیدم مبادا آن مرد به برادر معلولم آسیب برساند و در حالی که او را درگیری دور می‌کردم، چاقویش چند جراحی هم روی دست‌های من ایجاد کرد.

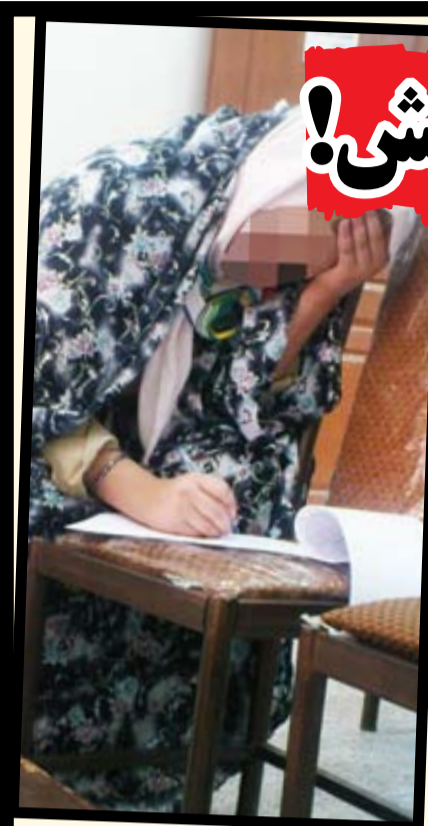
**■ بررسی صحنه جرم**  
بعد از مطرح شدن این ادعا، کارآگاهان در بررسی صحنه جرم متوجه شدند هیچ ردی از فردی که دختر جوان مدعی بود پدرش را به قتل رسانده در صحنه جرم وجود ندارد. بنابراین لیلا بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. او این بار سناریوی تازه‌ای را برای تیم جنایی مطرح کرد: حقیقتش را بخواهید مردی کار تن خواب که نیما نام دارد، پدرم را به قتل رسانده است. نیما در طبقه بالای ما زندگی می‌کند.

مدتی است که ساکنان ساختمان تصمیم گرفته بودند ساختمان را که قدیمی است تخریب و بنای تازه‌ای احداث کنند، اما نیما مخالف بود و بر سر این موضوع پدرم بحث می‌کرد. او از

رفتارهای پدرم عصبانی شده بود و او را تهدید می‌کرد و سرانجام هم تهدیدش را عملی کرد.

**■ تحقیق از پسر معلول**  
بعد از مطرح شدن این ادعا، تازه، پسر معلول خانواده هم مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: خواهرم لیلا از مدتی قبل با پسری به نام نریمان تماس دارد. چند وقتی بود که پدرم هم سر این موضوع با خواهرم اختلاف پیدا کرده بود، برای همین لیلا و نریمان کینه پدرم را به دل گرفتند. لحظاتی قبل از حادثه هم خواهرم، نریمان را به خانه راه داد با کمک او پدرم را به قتل رساند. البته نریمان بود که پدرم را به قتل رساند و بعد هم از محل فرار کرد. با مطرح شدن این ادعا، بررسی‌های پلیس برای شناسایی و بازداشت نریمان به جریان افتاد. تحقیقات تیم جنایی، اما نشان داد که سناریوی برادر لیلا هم ساختگی است و لیلا با پسری به نام نریمان از نیابت ندارد.

**■ رمزگشایی از پرونده**  
در شاخه دیگری از بررسی‌ها، پسر معلول که فرهاد نام داشت بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت که خواهرش مرتکب قتل شده است. فرهاد توضیح داد: خواهرم از مدت‌ها قبل با پدرم اختلاف داشت، به‌طوری که کینه پدرم را به دل گرفت و از یک ماه قبل نقشه قتل را طراحی کرد. لیلا به دور از چشم پدرم با گوشی تلفن همراه او در توتیتر یک حساب ایجاد کرد و درباره مسائل روز انتقادات تندتری را مطرح می‌کرد، به‌طوری که حرف‌هایش با واکنش کاربران مواجه می‌شد. او از این طریق می‌خواست اتهام قتل را به گردن یکی از دنبال‌کنندگان حساب توتیتری پدرم بیندازد. او در توضیح حادثه هم گفت: ساعتی قبل از حادثه لیلا، مادرم را به پهنانه خرید غذای گربه از خانه بیرون فرستاد. پدرم آن زمان مقابل تلویزیون روی میبل نشسته بود و هنگام تماشا تلویزیون به خواب رفته بود. من هم نزدیک پدرم روی میبل نشسته بودم که لیلا در حالی که دو چاقو به دست داشت به سراغ پدرم رفت و با هر دو چاقو شروع به زدن ضربه کرد. همان اول پدرم از خواب پرید و با لیلا درگیر شد، اما سرانجام در جریان درگیری به قتل رسید. بعد از حادثه لیلا صدای تلویزیون را بلند کرد و به اتاقش رفت و لباسش را



عضو کرد و بعد هم با عمویم تماس گرفت.

**■ اعتراف به قتل**  
بعد از مطرح شدن این سناریو، لیلا بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. او این بار به جرمش اعتراف کرد و گفت به خاطر بدرفتاری‌های پدرش مرتکب قتل شده است. متهم گفت: پدرم مرد سختگیری بود و رفتار خوبی با من نداشت برای همین همیشه از او بیزار بودم و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. از مدتی قبل سناریوی قتل پدرم را طراحی کردم و سرانجام او را به قتل رساندم. به دستور قاضی وحید ناصری، بازپرس ویژه قتل تهران تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

## کشف ۴۴۱ بسته هروئین از معده ۴ قاچاقچی

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر اصفهان از دستگیری چهار سوداگر مرگ و کشف ۴۴۱ بسته هروئین از معده متهمان خبر داد. سرهنگ احمد نیکبخت گفت: مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود متوجه شدند عده‌ای از سوداگران مرگ در حال قاچاق مخدر هروئین هستند که چهار متهم را بازداشت کردند و همزمان با انتقال متهمان به بیمارستان از او بیزار بودم و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. از مدتی قبل سناریوی قتل پدرم را طراحی کردم و سرانجام او را به قتل رساندم. به دستور قاضی وحید ناصری، بازپرس ویژه قتل تهران تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

**■ مرگ ۲ راننده در تصادف آتشین**

تصادف دو کامیون در محور قدیم کاشان به قتل مرگ آتشین دو راننده را رقم زد.

رئیس پلیس راه استان اصفهان گفت: مأموران پلیس از حادثه رانندگی در محور قدیم کاشان به قتل باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد تصادف رخ به رخ کامیون ماک و کسندده ولو منجر به آتش‌سوزی دو خودرو شده است. همزمان با حضور امدادگران و خاموش شدن آتش معلوم شد راننده دو خودرو در میان شعله‌های آتش سوخته‌اند. علت حادثه در دست بررسی است.

## همدستی زوج جوان برای سرقت خونین

زوج جوان که متهم هستند در جریان سرقت طلائی زن میانسال، او را زنده قتل رسانده‌اند، بازداشت شدند. به گزارش «جوان»، سرهنگ کرمانت کریمی، فرمانده انتظامی شهرستان گراش گفت: سه ماه قبل بود که به مأموران پلیس شهرستان گراش در استان فارس خبر رسید حادثه‌ای خونین در خیابان بسیج شهر رقم خورده است. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که زن ۲۷ ساله به دلیل فشار بر عناصر حیاتی گردن به کام مرگ فرستاد. بررسی‌های پلیس همچنین نشان داد که قتل با انگیزه سرقت رقم خورده و مقداری طلا به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان هم سرقت شده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های میدانی در این باره به جریان افتاد. تحقیقات نشان داد که عامل بااعلان حادثه با مقتول آشنایی داشته و بدون تخریب در وارد شده‌اند. در شاخه دیگری از



برای همین با کمک همسرم سناریوی سرقت طلاها را طراحی کردیم. مطابق نقشه یک روز که زن میانسال در خانه تنها بود، همسر به خانه‌اش رفت و در را برای من باز گذاشت. لحظاتی بعد از اینکه همسرم وارد شد، من هم وارد خانه‌م و زن میانسال را خفه و طلاهای او را سرقت کردیم. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت، همسر متهم نیز شناسایی و بازداشت شد. مأموران پلیس همچنین متهمان را شناسایی و بازداشت کردند. تحقیقات نشان داد که عامل بااعلان حادثه با مقتول آشنایی داشته و بدون تخریب در وارد شده‌اند. در شاخه دیگری از

## سختگوی فراجا: پلیس پرونده‌های را در میان راه رها نمی‌کند

سختگوی فراجا با تجلیل از شهیدای پلیس که در جریان تأمین امنیت په شهادت رسیده‌اند، تأکید کرد که پلیس هیچ پرونده‌ای را در میانه راه رها نمی‌کند و با مخلان امنیت با قاطعیت برخورد خواهد کرد.

سرانداک منتظر المهدی در پی شهادت اخیر مأموران پلیس در استان‌های مختلف گفت: تأمین نظم و امنیت جامعه وظیفه حساسی است که بخش عمده آن بر عهده پلیس بوده و در این راستا مأموریت‌های فراوان شهری و مرزی، پیش‌روی فراجاست.

وی با اشاره به اینکه شهادت همکاران جزو ناگزیر تعدد مأموریت‌های فراجاست که با زندگی روزمره شهروندان در آمیخته است، گفت: انتهای آرزوی همکارانم در این لباس، شهادت است، اما به این معنا نیست که ما از سر تقصیر عوامل شهادت می‌گذریم. وی با اشاره به اجرای مجازات اعدام دو نفر از اشراری که مأمور پلیس را در اصفهان به شهادت رسانده بودند و همچنین اعلام عامل شهادت دو مأمور پلیس در بوشهر، همچنین قاتل فراری پلیس توسط نیروهای نوبی در سال جاری گفت: دستگیری و سزای اعمال قاتلان و متصدیان به جان و ناموس همه شهروندان در اولویت‌های کاری فراجا قرار دارد.

سختگوی فراجا ادامه داد: پلیس با بهره‌گیری از قدرت و اشراف اطلاعاتی، مجرمانی را که به جان کثرتان دستگاه امنیت‌ساز تعدی می‌کنند، شناسایی، دستگیر و به دست عدالت می‌سپارد.

منتظر المهدی با تأکید بر اینکه تنها کشوری که هم مأموریت پلیسی و هم مأموریت مرزبانی را انجام می‌دهد، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی است، گفت: به همین دلیل مجموعه انتظامی، مجموعه‌ای فراراپلیسی است.

وی با اشاره به بیش از ۴۰ عنوان مأموریت پلیسی در طرح جامع فراجا که برای این سازمان بزرگ در نظر گرفته شده است، افزود: رهاورد همه مأموریت‌ها، انتظام بخشی و استقرار هر چه بیشتر امنیت در سراسر کشور و برای همه شهروندان است و گاه پلیس در این مأموریت‌های متعدد امنیت آفرین جان می‌بازد.

سرانداک منتظر المهدی گفت که از ابتدای سال ۸۳ درصد گروگانگیری و آدم‌ربایی‌ها منجر به کشف و شناسایی شده و بالغ بر ۲۵۷ نفر از آدم‌رباها و گروگانگیرها توسط نیروهای زنده پلیس شناسایی و دستگیر شده‌اند، بدیهی است پلیس در مواجهه با کسانی که امنیت مردم را نشانه گرفته‌اند و با خشونت به جان و مال مردم تعدی و آراش جامعه را خدشه‌دار و در مقابل فرمان پلیس مقاومت و گردنکشی می‌کنند هرگز مامشات نمی‌کند و در صحنه تکلیف آنان را مشخص و غلظت را ختم می‌کند.



سرانداک منتظر المهدی در پی شهادت اخیر مأموران پلیس در استان‌های مختلف گفت: تأمین نظم و امنیت جامعه وظیفه حساسی است که بخش عمده آن بر عهده پلیس بوده و در این راستا مأموریت‌های فراوان شهری و مرزی، پیش‌روی فراجاست.

وی با اشاره به اینکه شهادت همکاران جزو ناگزیر تعدد مأموریت‌های فراجاست که با زندگی روزمره شهروندان در آمیخته است، گفت: انتهای آرزوی همکارانم در این لباس، شهادت است، اما به این معنا نیست که ما از سر تقصیر عوامل شهادت می‌گذریم. وی با اشاره به اجرای مجازات اعدام دو نفر از اشراری که مأمور پلیس را در اصفهان به شهادت رسانده بودند و همچنین اعلام عامل شهادت دو مأمور پلیس در بوشهر، همچنین قاتل فراری پلیس توسط نیروهای نوبی در سال جاری گفت: دستگیری و سزای اعمال قاتلان و متصدیان به جان و ناموس همه شهروندان در اولویت‌های کاری فراجا قرار دارد.

سختگوی فراجا ادامه داد: پلیس با بهره‌گیری از قدرت و اشراف اطلاعاتی، مجرمانی را که به جان کثرتان دستگاه امنیت‌ساز تعدی می‌کنند، شناسایی، دستگیر و به دست عدالت می‌سپارد.

منتظر المهدی با تأکید بر اینکه تنها کشوری که هم مأموریت پلیسی و هم مأموریت مرزبانی را انجام می‌دهد، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی است، گفت: به همین دلیل مجموعه انتظامی، مجموعه‌ای فراراپلیسی است.

وی با اشاره به بیش از ۴۰ عنوان مأموریت پلیسی در طرح جامع فراجا که برای این سازمان بزرگ در نظر گرفته شده است، افزود: رهاورد همه مأموریت‌ها، انتظام بخشی و استقرار هر چه بیشتر امنیت در سراسر کشور و برای همه شهروندان است و گاه پلیس در این مأموریت‌های متعدد امنیت آفرین جان می‌بازد.

سرانداک منتظر المهدی گفت که از ابتدای سال ۸۳ درصد گروگانگیری و آدم‌ربایی‌ها منجر به کشف و شناسایی شده و بالغ بر ۲۵۷ نفر از آدم‌رباها و گروگانگیرها توسط نیروهای زنده پلیس شناسایی و دستگیر شده‌اند، بدیهی است پلیس در مواجهه با کسانی که امنیت مردم را نشانه گرفته‌اند و با خشونت به جان و مال مردم تعدی و آراش جامعه را خدشه‌دار و در مقابل فرمان پلیس مقاومت و گردنکشی می‌کنند هرگز مامشات نمی‌کند و در صحنه تکلیف آنان را مشخص و غلظت را ختم می‌کند.

## آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابرماده ۳ وماده ۱۱۲ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه و بلاعراض ا-خانم سکیه احمدی شماره شناسنامه ۳۵۰۰۰۸۱۱ شماره ملی ۱۲۱۲۳۱۹۹۹۶ صادره از گران فرزند عباس متقاضی کلاسه پرونده ۰۰۰۸۱۱-۱۲۱۲۳۱۹۹۹۶-۱۴۰۱ درسه دانگ احدی از شهداثک یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است-خانم صغرا احمدی شماره شناسنامه ۸۲۴ بشماره ملی ۲۱۲۳۱۳۸۹۹۵ صادره از گران فرزند عباس متقاضی کلاسه پرونده ۰۰۰۸۱۱-۱۲۱۲۳۱۹۹۹۶-۱۴۰۱ درسه دانگ مشاع از شهداثک یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است به مساحت ۲۷ مترمربع از پلاک ۱۰۸ اصلی واقع در اراضی با کرمجله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۳ گران طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دوتوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود ازاین روشناسخی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند میتواند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را یا ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶  
حجت اله تجری  
رئیس اداره ثبت اسنادواملاک منطقه دو گران  
شماره آگهی: ۱۴۵۰۰۴۳

**سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد**  
**۸۸۵۴۵۴۸۸**

**مفقودی**  
**کارت شهری به نام محمد ندافی به شماره گواهینامه ۹۴۰۳۷۶۵۳۹۵۰ به شماره پلاک ۱۴۴۴۸۶-۱۴ ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**  
**زاهدان**

**مفقودی**  
برگ سبزی و برگ کمپانی خودرو دووسی یلو مدل ۱۳۷۸ رنگ سبزی سبیر متالیک شماره پلاک (ایران ۳۰-۲۱۴ س ۷۸) به شماره م موتور ۷۲۱۷۰۱ و شماره شاسی IR۷۷۱۶۵۰۰۶۳۱۸ متعلق به محمد آخوند پور نوش آبادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.  
**البرز**

**مفقودی**  
برگ کمپانی و برگ سبزی خودرو پراید ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۳ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۰-۳۳۷ س ۵۵) به شماره م موتور ۵۰۴۰۶۲۹ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰E۱۳۴۹۲۸۶ متعلق به هادی نظری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.  
**البرز**

**آگهی فقدان سند مالکیت**  
نظر به اینکه آقای حسن حجار کارگر به استناد دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده منطبق به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه ومدعی است که سند مالکیت پلاک ۲۲۹۶ فرعی از ۱۸۳ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت سرقت مفقود گردیده است. با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد، سه دانگ مشاع از شهداثک عرصه و اعیان سند مالکیت یک قطعه زمین با شماره دفتر الکترونیک ۰۲۰۶۰۰۲۹۷۵۶ شماره ملی ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۰ نام وی ثبت وسند مالکیت تک برگ بشماره ۱۷۰۲۲۷۷ الف الف ۹۷ صادر و تسلیم شده است. سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد مفاد ماده ۱۱۲ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی ومتمذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد، بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به بیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند المثنی وتسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.  
م الف الف ۹۳  
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد

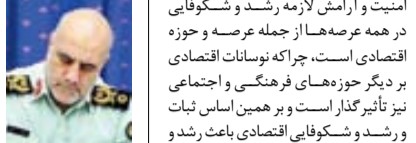
**مفقودی**  
برگ سبزی و کارت خودرو هاج بک پژو ۲۰۷i TU۵ مدل ۱۴۰۲ رنگ سفید شماره پلاک ( ایران ۵۰ ۸۹۵ ل ۴۷) به شماره موتور ۱۷۴B۰۵۵۶۳۳ و شماره شاسی NAAR۰۲FE۰PJ۵۵۱۵۸۵۵ متعلق به محمدرضا مرادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.  
**البرز**

**مفقودی**  
اینتجاب فاطمه رحیمی مالک خودرو سمند LX۲UV به شماره شاسی NAACA۱CEYMF۸۴۲۳۱۷ و شماره موتور ۱۲۴K۱۶۰۰۸۳۶ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در بیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.  
**البرز**

**مفقودی**  
سند کمپانی و برگ سبزی موتور سیکلت زیب استار تیپ ۲۰۰CC مدل ۱۳۸۵ به رنگ آبی به شماره پلاک (تهران ۳۴-۶۶۸۵۹) به شماره موتور ۶۶۲۰۰۳۱۸ و شماره تنه ۰۴۸۵۰۴۸۷ NCR\*\*\*۳۲۰۰ به مالکیت موسسه غیر انتفاعی عمران مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.  
**الفل**

**مفقودی**  
سند کمپانی و برگ سبزی موتور سیکلت زیب استار تیپ ۲۰۰CC مدل ۱۳۸۵ به رنگ آبی به شماره پلاک (تهران ۳۴-۶۶۸۶۱) به شماره موتور ۲۶۳۰۰۵۹۸ و شماره تنه ۰۴۸۱۰۴۸۱ NCR\*\*\*۳۲۰۰ به مالکیت موسسه غیر انتفاعی عمران مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.  
**الفل**

## پویای اقتصادی نیازمند امنیت اقتصادی است



سردارحسین رحیمی  
رئیس پلیس امنیت اقتصادی

امنیت و آرامش لازمه رشد و شکوفایی در همه عرصه‌ها از جمله عرصه و حوزه اقتصادی است، چراکه نوسانات اقتصادی بر دیگر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیرگذار است و بر همین اساس ثبات و رشد و شکوفایی اقتصادی باعث رشد و شکوفایی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود. از این رو می‌توان اذعان داشت که مسائل اقتصادی از جمله مهم‌ترین ارکان و

مسائل و دغدغه‌های هر جامعه‌ای است که این مهم نیازمند امنیت و ثبات و آرامش است در غیر این صورت نمی‌توان اقتصادی موفق را انتظار داشت. در سایه امنیت و آرامش در حوزه اقتصادی است که سرمایه‌گذاری‌های کلان و وسیع انجام می‌شود و صادرکنندگان واردکنندگان حوزه اقتصادی با خطری آسوده و فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام می‌دهند، چراکه اطمینان دارند خطری متوجه دارایی آنان نمی‌باشد.

از سوی دیگر تنها در سایه آشفنگی اقتصادی است که مجرمان می‌توانند اعمال مجرمانه خود از جمله اختلاس و اختکار انجام دهند که این مهم هم نشان دهنده اهمیت امنیت و آرامش است.

وجودامنیت از جمله مؤلفه‌هایی است که مورد اتفاق همه افراد جامعه است و همه افراد بر وجود آن اذعان دارند، از این رو است آنچه در این مقوله مورد توجه است لزوم همیاری، همکاری، هم‌افزایی و هم‌افزینی همه سازمان‌ها، نهادهای و تک‌تک افراد جامعه در حفظ و صیانت از امنیت و آرامش است و مهم‌ترین سازوکار در این حوزه این است که همه خود را در تحقق این مهم سهیم بدانند و در این حوزه فعالانه عمل کنند.

بدون شک محاسن پیشرفت جامعه متوجه همه افراد جامعه و در مقابل هم مشکلات ناخوشایند و آید چالش‌های اقتصادی در یک جامعه متوجه همه افراد جامعه خواهد بود، از این رو همه در سرنوشت سهیم و شریک هستیم و همه باید تلاش کنیم که به اندازه سهم و توان و موقعیت امکاناتی که در اختیار داریم تلاش کنیم و وظیفه خود را انجام دهیم.

در حمله موضوعاتی که می‌تواند در حوزه مقابله و مبارزه با مجرمین و جرائم اقتصادی تأثیرگذار باشد، موضوع سوت‌زنی است.

موضوع سوت‌زنی در حال حاضر به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم مقابله با فساد و جرائم اقتصادی مطرح است، به این صورت که شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده هر گونه فساد یا جرم اقتصادی از قبیل اختکار، اختلاس و پولشویی مراتب را با پلیس در میان بگذارند و اطلاعات اولیه را در این زمینه به مراجع مربوطه ارائه کنند، به طور حتم مشارکت مردم می‌تواند در حوزه رشد امنیت اقتصادی و مقابله و مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی اثرگذار باشد. نباید مجرمان اقتصادی احساس امنیت داشته‌باشند و بتوانند بدون دغدغه به انجام اعمال مجرمانه خود بپردازند، بلکه باید عرصه بر آنان روز به روز تنگ‌تر شود.

مجرمان و مفسدان اقتصادی برای کسب درآمد یاد آورده در واقع زندگی دیگران را به چالش می‌کشانند، از این رو همه باید در برخورد با این افراد که در حقیقت تبهکاران عرصه اقتصادی هستند، خود را موظف و مکلف بدانند و پلیس را در مقابله هر چه بیشتر و بهتر در این عرصه یاری رسانند.

## کشف جسد مرد میانسال در محله خلانزیر

تحقیقات پلیس پایتخت برای رمزگشایی از قتل مردی که جسدش در غرب تهران کشف شده است، جریان داد. به گزارش جوان، روز گذشته مأموران پلیس تهران به قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل خبر دادند جسد مردی میانسال حوالی خلانزیر در غرب تهران کشف شده است. لحظاتی بعد بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. جسد متعلق به مردی حدوداً ۶۵ ساله بود که لباس بیرون به تن داشت و بدون کفش روی تپه‌ای از زباله رها شده بود. در اولین بررسی‌ها مشخص شد آثار جراحی در بدن دیده نمی‌شود، اما معلوم بود مرد میانسال در محل دیگری به قتل رسیده و با پارچه‌ای که جز سبید قرار داشت به آن محل منتقل شده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات تیم جنایی برای شناسایی هویت مقتول و تحقیقات میدانی با بررسی دوربین‌های مدار بسته و تحقیق از شاهدان برای رمزگشایی از پرونده در جریان است.





### زندگی جلال، مرگ گلستان و جمله فروغ پشت یک عکس

ابراهیم گلستان در ۱۰۱ سالگی درگذشت، جلال آل احمد هم اسال ۱۰۰ ساله می‌شود و فروغ فرخزاد نیز حدوداً ۹۰ساله، با این همه به نظر می‌رسد که گلستان، پنج دهه پیش از مرگ مرد و آن دو نفر دیگر، بیش از این مدت در پس مرگشان زنده‌اند و همچنان در ادبیات، فرهنگ و حتی سیاست میدان‌داری می‌کنند.راز آن مرگ و این حیات چیست؟ به شهادت آثار و اسناد، نه گلستان به لحاظ دانش، قدرت تشخیص، ذوق، قلم و تصویرسازی ناتوان بود و نه آن دو با فاصله‌ای زیاد از وی پیش افتاده بودند. حقیقت این است که صرف توانایی، کسی را مانا نمی‌کند و به چشم خلق‌الله نمی‌آورد. بسا مرادمان متقدم و متأخر گلستان، او را با صفاتی چون پرمعنا، خودبین، برتری طلب، منفعتم‌جو، برج‌عاج‌نشین و بددهان و الخ به خاطر می‌آوردند. در سالیان اخیر هنگامی که این داورِی‌ها به گوش مردم می‌رسید، خود به تجسم عملی این سیاهه مبدل می‌شد و آنگاه نسل‌های بعد نیز مآوقع را در پیروی‌اش می‌دیدند.علاوه بر این، سفارشی‌سازی برای کنسرسیونم نفتی پس از ۲۸ مرداد، او را از چشم بسا اهالی فرهنگ و سیاست انداخت تا جایی‌که کارهای بعدی وی را – که رگه‌هایی از انتقاد یا پیش‌بینی آینده را نیز در خود داشت- کمتر کسی جدی گرفت. در همین حال و هوا بود که او از ایران رفت و دیگر بازنگشت.

مخلص کلام اینکه به قول آل احمد، گلستان اشرف مخلوقات بود و هم از این روی در عرصه فرهنگ، روشنفکری و جامعه، چندان نتوانست فضایی را به خویش اختصاص دهد و با آن ماندگار شود.

تصویر ضمیمه، عکسی منتشر نشده‌است از ابراهیم گلستان در دوره اقامت در ایران که از سوی همسر مهرداد فرخزاد، برادر فروغ فرخزاد منتشر شده‌است. جالب اینجاست که فروغ فرخزاد در پشت این عکس نوشته‌است: «من این مرد را دوست می‌داشتم، افسوس، فروغ».

### پاداداشت — معصومه طاهری

### جای خالی ادوار دو آبیلی در خیابان‌ها

نامگذاری خیابان‌ها یکی از روش‌های فرهنگ‌سازی عمومی در جامعه است. جامعه اسلامی و تاریخ تشیع پر از شخصیت‌هایی است که شناخت و ذکر نام و یاد آنها ضروری و لازم است؛ شناختی که اگر نباشد، مانند اغتشاشات اخیر، بستر تحریک نوجوانان به پشتیبانی هیاهوی ماهواره‌ها می‌شود، چراکه این شخصیت‌ها هویت ملی و بین‌المللی ما را ساخته‌اند. در طول هشت سال دفاع مقدس چهارهای بزرگی داشته‌ایم که متأسفانه بعد از گذشت سی واندی سال هنوز ناشناخته مانده‌اند. افرادی که گاه با حسرت متوجه می‌شویم از همین مرز و بوم بوده‌اند و در همین دوران معاصر رسته‌اند، مانند شهید عبدالسول زین تک‌تیرانداز برتر جهان که در ۳ هزار شلیک موفق، بهترین تک‌تیرانداز دنیا هم به گردن‌هایش نمی‌رسند، اما این شهید قرآنی (و معتقد بود که هر چه کرده به مدد قرآن و بخصوص دو آیه شریفه وجعلنا ... و ما مایمت، تو را) تا همین چند سال پیش برای حتی جامعه نخبگانی ناشناس بود و خیلی‌ها هم که او را اصل‌نمی‌شناختند که چه‌السطوره نظامی بوده‌است و نمی‌دانستند قهرش کیجاست تا اینکه در سال ۱۰۱۴ قلم‌ سیمنمایی درباره زندگی کریم شلیک تک‌تیرانداز امریکایی ساخته شد؛ تک تیراندازی که ۸۰۰ کیل موفق داشته و هالیوود از او قهرمان و اسطوره جهانی ساخته بود. رهبر انقلاب به این موضوع اشاره کردند و پس از آن تازه برخی به یاد آوردند بار از کوزه و ما تشنه لیان می‌گردیم. ما شهید زین را داریم، با این موضوع‌های مختلف دینی، اجتماعی، علمی و مهندسی ما هم تکرار شده‌است، مثل شهید محسن صفوی که فرمانده گروه کراسراط مستقیم و فرمانده مهندسی جنگ ایران و عراق بود. او کارهای دشوار زیادی در جنگ کرد که بسیاری هنوز آنگشت به دهن مانده‌اند و البته از این متخصصان نخبه زیاد یادمانی ولی از آن طرف در مهندسی فرهنگی کسانی که بخوانند این هویت عظیم را به جامعه خودمان بلکه دنیا معرفی کنند، کم هستند.

اخیراً شورای شهر تهران با درخواست مجموعه‌های فرهنگی برای نامگذاری افراد هویت‌بخش و اثرگذار با مخالفت‌ کردند یا در پیچ‌وخم برو کراسی کار را معطل نگه داشته‌اند. بهانه هم این است که خیابان‌ها برای نامگذاری کم هستند، یکی از این مجموعه‌های فرهنگی که چند بار از شهرداری تهران برای نامگذاری هدفمند درخواست کرده‌است، انجمن شهید ادوار دو آبیلی است. بارها در خواست شده‌است نام شهید رفایفته قرآن، ادوار دو آبیلی را بر یکی از خیابان‌های تهران بگذارند.موضوعی که تاکنون محقق نشده‌است این موضوع در موارد دیگر هم صدق می‌کند. خانه عزت‌الله انتظامی از سوی شهرداری خریداری شد تا موزه شود، اما با وجود پیگیری‌های زیاد خانواده علامه دولتی، خله این‌ عالم که محل تفاسیر نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بوده‌است، مورد عنایت قرار نگرفت. بنابراین اگر شهرداری تهران می‌خواهد در مقابل هنک حرمت به قرآن که این روزها در غرب باب‌شده عکس‌العمل مناسبی از خود نشان بدهد، نامگذاری یکی از خیابان‌های اصلی تهران به نام شهید ادوار دو آبیلی می‌تواند اقدامی شایسته باشد. جوانی که با وجود ثروت و مکتد بسیار فقط با خواندن قرآن مسلمان شد و تا آخر عمر خود از پیام این کتاب آسمانی محافظت کرد و در راه آن به شهادت رسید. نباید فراموش کرد که خانواده‌ها در تهدیدها، فرصت‌های بزرگی را برای جهان اسلام ایجاد کرده‌است. این عداوت شیطانی می‌تواند به فرصت بزرگی برای تبلیغ اسلام قرآن تبدیل شود، اما سؤال آن است که آیا ما فقط با محکوم کردن و تجمع می‌توانیم پاسخ هنک حرمت‌ها را بدهیم؟ عباس لاجوردی مستندساز ایرانی در مستند «کدام آزادی»-جسورانه با تری جونز کشیش دیوانه امریکایی که قرآن را به آتش کشید و کاریکاتورریست دانمارکی که پیامبر را به تمسخر گرفته‌ود، کرد و گفت:گو و اثبات کرد و از زیان خودشان اعتراف گرفت که آنها هیچ‌وقت قرآن را نخوانده‌اند و این عداوت از جهل است. حال ما باید با نام و یاد افرادی مثل ادوار دو آبیلی که با خواندن قرآن زندگی‌شان تغییر کرده به جنگ با آنها برویم که نامگذاری خیابان تنها یک روش آن است.

# جوآن

|روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۷ | دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۱ صفر ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۶ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۸ | اذان مغرب: ۱۸:۵۷ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۱ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۳۴

# «شهید اردهال» سریال می‌شود

علی بن محمد باقر (ع) سفیر بی‌واسطه امام معصوم بود



علی بن محمد باقر(ع) شخصیت والایمی دارد و چند ویژگی به ایشان عظمت بخشیده‌است؛ اولین ویژگی این است که او سفیر بی‌واسطه امام محمد باقر (ع) بوده‌است. حمیدرضا مقدم‌فر در نشست خبری نخستین کنگره بین‌المللی بزرگداشت شهید اردهال، امامزاده حضرت علی بن امام محمد باقر علیه‌السلام گفت: وجود مبارک و مقدس این امامزاده

واجب‌التعمیم، علی بن محمد باقر، در نزدیکی شهر کاشان دارای اهمیت بسیار است؛ متأسفانه ایشان در عرصه عمومی و در بین خیمیان، آن چنان معروف و مشهور نیست. ایشان گوهری تابناک و وجودی نورانی است که خواند او را به عنوان نعمی بزرگ در ایران به ما عطا کرده‌است. اما متأسفانه آنطور که باید، شناخته‌شده نیست. یکی از اهداف اصلی این کنگره این است که این سفیر بزرگ اهل بیت در ایران را به مسلمانان، خصوصاً جامعه تشیع معرفی کند.

وی اضافه کرد این امامزاده شخصیت والایی دارد و چند ویژگی به ایشان عظمت بخشیده است؛ اولین ویژگی این است که او سفیر بی‌واسطه امام محمد باقر(ع) بوده‌است. هم‌ا‌طور که می‌توانید مردم کاشان در زمان امام باقر علیه‌السلام از امام پنجم شیعیان درخواست می‌کنند تا مایته‌های تام‌الاختیار را که عالم باشد، به این منطقه اعزام کنند و ایشان نیز یکی از فرزندان خود را به عنوان نماینده و سفیر اهل بیت به کشور ایران و منطقه کاشان اعزام می‌کنند، بنابراین می‌توان گفت که ایشان آنچنان مقام و منزلت بالایی داشته که به عنوان سفیر امام معصوم(ع) معرفی شده‌است.

مقدم‌فر درباره دومین ویژگی امامزاده علی بن محمد باقر گفت: یکی دیگر از خصوصیات بارز ایشان این است که عالم و فقیه بزرگی بوده‌است. می‌توان گفت بعد از امام صادق علیه‌السلام، افضل فرزندان امام محمد باقر(ع) از نظر علمی، این امامزاده عظیم‌الشان، سومین ویژگی ایشان مقام تبلیغ مهم تبلیغ و ترویج معارف مذهبی حقه تشیع را در منطقه کاشان انجام می‌داده‌است؛ بنابراین نقش ایشان در عمق بخشی و گسترش مذهب تشیع بسیار مهم و مهم بوده و شاید بتوان گفت شیعیان ایران مدیون این وجود شریف هستند.

#### شباهت شهادت به ماجرای عاشورا

مقدم‌فر خاطر نشان کرد: ویژگی چهارم، مقام جهاد است. با توجه به شأن و منزلت و

### روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز
مدیر عامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۹۴۲ ۸۸۷۳۰
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۷ | دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۱ صفر ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۶ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۸ | اذان مغرب: ۱۸:۵۷ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۱ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۳۴

### حکمت

امام سجاد(ع):

حق دانش آن است که با

پوشاندن لذت‌ها و راندن

شهوَت‌ها دلت را برای آن،

فارغ‌سازی و ذهنت را

آماده و گوشت را یاددارنده

و هوشت را تیز کنی.

احقاق الحَق: ج ۱۲ ص ۱۱۷



### چهره

علی نصیریان:

## آنچه ما را تا به امروز حفظ کرده زبان و فرهنگ است

اولین کلاس تئاتر را در سال ۲۹ رَقم و عمر خود را برای تئاتر گذاشتم و کار دیگری جز بازیگری و تئاتر و سینما نکردم



هزاران سال پیش فردوسی شعری سروده که **ما هنوز هم آن را می‌خوانیم و هنر همین است**: نگه‌دارنده و حفظ‌کننده. هر اتفاقی بیفتد، هنر و ادب این مملکت ما را همه پیوند می‌دهد و حفظ می‌کند. علی نصیریان در نشست‌مجمیانه با اعضای باشگاه مخاطبان موزه سینما که در سالن فردوس این مجموعه برگزار شد، گفت:اولین کلاس تئاتر را در سال ۲۹ رَقم و عمر خود را برای تئاتر گذاشتم و کار دیگری جز بازیگری و تئاتر و سینما نکردم. هنر همین است؛ اگر کسی وارد حیطه هنر می‌شود، صحبت دو یا چند سال نیست، بلکه صحبت از یک عمر است.

نصیریان دربره مواجهه با نقش‌های مختلف و تنوع بازی‌هایش نیز گفت: تمازِ‌هایی که در نقش‌ها می‌بینید، طبیعی است و اگر نباشد اشتباه است. من همیشه کار را جدی می‌گیرم. به نظرم تئاتر تنها یک نویسنده ندارد، زیرا نویسنده بعدی کار گردان است که با تألیف و کارگردانی خود متن را بازنویس می‌کند و سومین نویسنده بازیگر است که با کار و اجرایش می‌نویسد.

نصیریان ادامه داد: همیشه کار برای من جدی بوده و در این مورد همیشه به خود سخت می‌گرفتم، بر خلاف بسیاری از بازیگران که کارشان را جدی نمی‌گیرند. از نظر من بازیگری یکی از دشوارترین کارهای دنیاست، چون بازیگر در یک موقعیت خطیری قرار می‌گیرد و باید روی نقشی با خصوصیات روانی و جامعه‌شناسانه تمرکز شود. سختی کار از آن جهت است که باید نقشی را بسازید و روی صحنه آن را تجسم و در عین حال تظاهر کنید. همه تکنیک‌های بازیگری برای این است که چگونه بهتر تظاهر کنیم تا در برابر هزاران چشمی که شما را نگاه می‌کند، باورپذیر باشد و همه

### سینما

تصویربرداری «مجنون» تمام شد

## بازیگر برنده سیمرغ با نقش شهید زین‌الدین به «فجر ۴۲» می‌آید

«سوسف» و «سقوط» در شبکه نمایش خانگی به شهرت رسیده‌بود، در کارنامه خود ایفای نقش در فیلم‌های سینمایی «استاد»، «سیمرغ بهترین بازیگری را از آن خود کرده بود»، «مرد بزنده» را هم داشت و سال گذشته فیلم «مجنون» در جشنواره فجر حضور دارد.

فیلم سینمایی «مجنون»، تازه‌ترین محصول سازمان سینمایی اوج به تهیه‌کنندگی عباس نلران و کارگردانی مهدی شاه‌محمدی با روایتی از زندگی شهید مهدی

زین‌الدین برای رونمایی در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر آماده می‌شود.

جشنواره فیلم فجر اماده می‌شود.

تجربه فعالیت در حوزه سینمایی مستند، اولین

فیلم بلند سینمایی خود

را کارگردانی می‌کند،

را به تازگی به پایان

رسانده است و فیلم در

مرحله پس تولید قرار

دارد.

ایفای نقش اصلی این

فیلم، یعنی شهید مهدی

زین‌الدین را سجاد بابایی برعهده

داشته است. بابایی که پیش از

این با ایفای نقش در سریال‌های

این کارها نیازمند آگاهی است.

وی توضیح داد: هنوز هم وقتی کاری جدید به من پیشنهاد می‌دهند، سر کلاس اول می‌نشینم و از اول شروع به خواندن، تحقیق و تمرین می‌کنم. کار با خود یکی از کارهای مهم در بازیگری است. شما با خود در خلوت باید کار و تمرین کنید، به تکتای برسید و بعد در جمع آن را مطرح کنید. باید بدانید که بازیگری به این سادگی نیست.

بازیگر مجموعه «هزارستان» درباره نقش جایزه در زندگی یک بازیگر گفت: جایزه جایگاه جدی و اثربخشی برای آدمی مثل من ندارد. البته از دریافت آن خوشحال می‌شوم، اما زیاد اسه و رسم و ریافت جایزه نبودیم، نمی‌دانم هنر بازیگری برای ما چه جایزه‌ای داشته که به این موارد فکر نمی‌کردیم. پیشنهاد نمی‌دهم که شما هم اینگونه باشید، چراکه زمانه عوض شده است. مهم این است که کار خود را جدی بگیرد. بازیگری کاری خلاقانه و دشوار است که زحمت و تلاش و البته لذت دارد. اولین کسی که از کار لذت می‌برد، خودتان هستید و این لذتی ماندگار است.

وی همچنین درباره حضورش در فیلم سینمایی «ستارخان»، ساخته علی حاتمی نیز گفت: علی حاتمی، فیلمنامه‌ستارخان را پیشنهاد داد و من به او گفتم علاقه‌ای به بازی در یک فیلم اکشن و جنگی ندارم و حاتمی گفت فیلم من اکشن نیست. کار باعلی حاتمی همیشه برابرم مطلوب بود.اما فکر می‌کنم این فیلم نظر مردم را به‌طور خوب جلب نکرد.

داریوش مؤدبیان، کارگردان و نامشخص‌نام‌نویس هم در بخشی از این نشست گفت: دوستی که با آقای نصیریان دارم به بیش از ۶۰سال پیش برمی‌گردد. با کارهای ایشان بودم، یکی از مکتب‌هایی که تئاتر را از آن طریق آموختم، برنامه‌هایی بود که در سال ۱۳۳۹ با کارگردانی علی نصیریان برگزار می‌شد و تماشاگر این دوره‌ها بودم و در آنجا برای نخستین بار ایشان را از نزدیک دیدم. او همیشه به‌موقع سرس کار حاضر می‌شد و هنوز هم وقت‌شناس هستند. آن زمان ۱۴ساله بودم و این برخورد برابرم بسیار سازنده بود، آنقدر که هر دو، را از آن زمان پیدا کردم و این دوستی برای من بسیار ارزشمند است.